



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

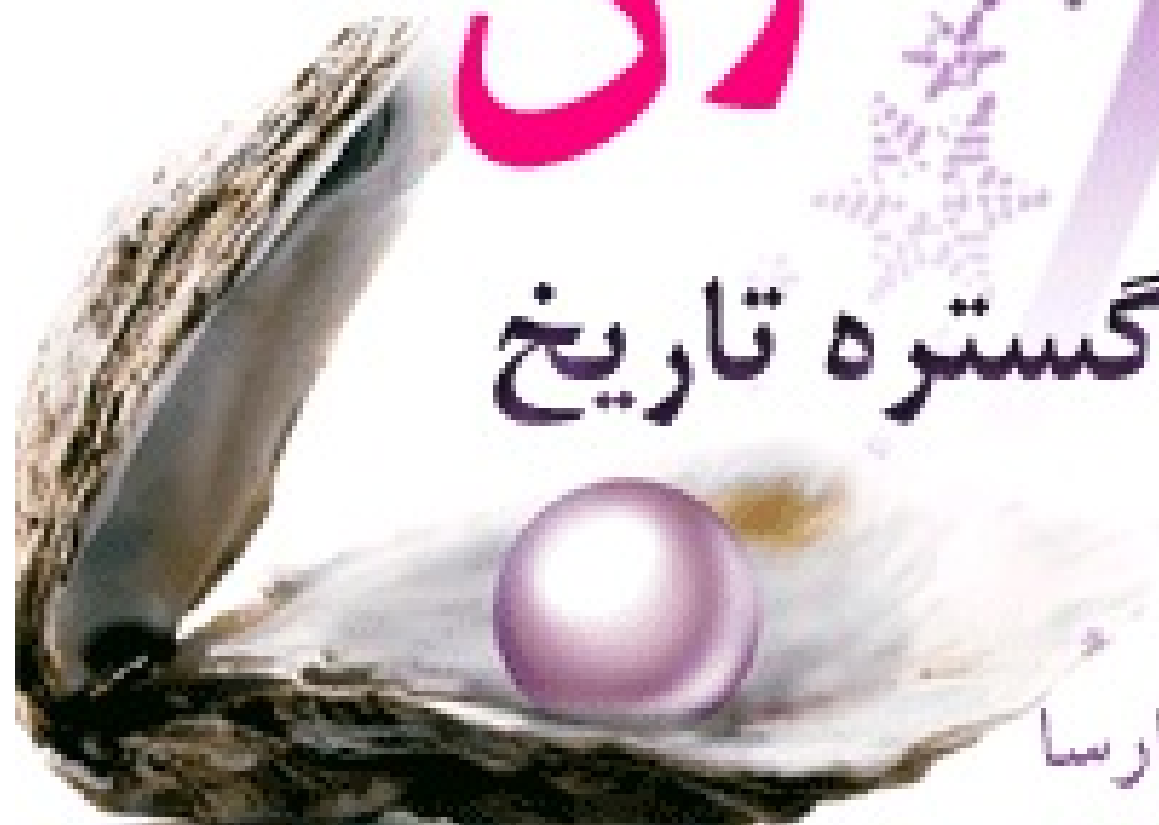
www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

پوشش

زن

در گستره تاریخ

طیبه پارسا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پوشش زن در گستره ی تاریخ

نویسنده:

طیبه پارسا

ناشر چاپی:

احسن الحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	پوشش زن در گستره ی تاریخ
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۰	واژه حجاب
۱۱	نتیجه گیری
۱۱	علت پیدا شدن حجاب
۱۲	عنوان اول: تاریخچه حجاب و تطورات تاریخی
۱۲	تاریخچه حجاب
۱۳	فصل اول: حجاب قبل از اسلام
۱۵	فصل دوم: حجاب در جوامع متمدن غیر ایران باستانی
۱۵	اشاره
۱۵	زن در تاریخ حیات بشر
۱۷	فصل سوم: حجاب در ادیان
۱۷	اشاره
۱۷	۱- آئین کنفو سیوس
۱۸	۲- چگونه لباس ژاپنی ها غربی شد
۱۸	۳- حجاب در آئین برهمنی
۱۹	فصل چهارم: حجاب در آیین پیامبران اولوالعزم
۱۹	اشاره
۲۰	۱- حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام)
۲۰	۲- حجاب در آئین یهود

- ۳- حجاب در آئین مسیح و نصرانیت ..... ۲۰
- فصل پنجم: حجاب در قرون وسطی ..... ۲۱
- فصل ششم: حجاب غرب در دوران رنسانس تا قرون معاصر ..... ۲۲
- جایگاه و منزلت زن در زمان رنسانس ..... ۲۲
- حجاب غرب در قرن معاصر ..... ۲۳
- تنزل و سقوط انسان در فرهنگ غرب ..... ۲۳
- نکته مهم ..... ۲۳
- زن در جامعه غربی و رابطه او با پوشش ..... ۲۴
- بازتاب و عملکرد سیستم افکار غربی در کشورهای مسلمان ..... ۲۵
- الجزایر و رابطه آن با حجاب ..... ۲۵
- محور مبارزه عظیم ..... ۲۵
- نتیجه بی‌حجابی زن الجزایری ..... ۲۶
- عنوان دوم: موقعیت پوشش و حجاب از ایران باستان تا کنون ..... ۲۷
- فصل اول: پوشش زنان در عهد هخامنشی ..... ۲۷
- فصل دوم: پوشش زنان عهد اشکانی ..... ۲۷
- اشاره ..... ۲۷
- پیراهن زنان اشکانی ..... ۲۸
- تاج زنان اشکانی ..... ۲۸
- چادر زنان اشکانی ..... ۲۸
- فصل سوم: حجاب و پوشاک زنان عهد ساسانی ..... ۲۸
- اشاره ..... ۲۸
- چادر زنان عهد ساسانی ..... ۲۸
- پوشش دیگر زنان عهد ساسانی ..... ۲۹
- فصل چهارم: حجاب زنان ایرانی در عصر مغول ..... ۲۹

- فصل پنجم: وضع حجاب در عهد تیمور ..... ۳۰
- فصل ششم: زنان در عهد اوزون حسن ..... ۳۰
- فصل هفتم: وضع پوشش زنان در عهد صفویه ..... ۳۰
- فصل هشتم: حجاب زنان در عهد قاجاریه ..... ۳۱
- اشاره ..... ۳۱
- از چه زمانی بی حجابی به ایران روی آورد؟ ..... ۳۱
- فصل نهم: رضا خان و مسأله کشف حجاب ..... ۳۲
- اشاره ..... ۳۲
- ۱- پیامدهای بی حجابی ..... ۳۳
- ۲- پیامدهای فرهنگی و عقیدتی بی حجابی ..... ۳۳
- ۳- پیامدهای اجتماعی ..... ۳۳
- ۴- پیامدهای اقتصادی بی حجابی ..... ۳۴
- ۵- ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴، اعلام رسمی رفع حجاب از زنان مسلمان از طرف رضاخان ..... ۳۴
- ۶- اقدامات خشونت بار رضاخان ..... ۳۵
- ۷- نظر امام خمینی در مورد روز ۱۷ دی ..... ۳۵
- ۸- هتاک و خشونت برای مبارزه باحجاب ..... ۳۵
- ۹- ماجرای دردناک مسجد گوهرشاد ..... ۳۶
- ۱۰- جلوگیری مردم مبارز، از ورود خانواده بی حجاب رضاخان به حرم حضرت معصومه «علیها السلام» ..... ۳۷
- فصل دهم: مسأله حجاب و محمد رضاشاه ..... ۳۸
- فصل یازدهم: هشدار مهم: تهاجم بدحجابی ..... ۳۹
- فصل دوازدهم: چادر بهترین پوشش و حجاب اسلامی و میراث قره‌نگی ملی و اسلامی ماست ..... ۴۱
- عنوان سوم: حجاب از دیدگاه کتاب و سنت ..... ۴۱
- حجاب از دیدگاه کتاب و سنت ..... ۴۱
- فصل اول: حجاب حق الهی ..... ۴۱

- فصل دوم: حجاب از دیدگاه قرآن ..... ۴۲
- اشاره ..... ۴۲
- ۱- اولین آیه وجوب حجاب ..... ۴۲
- ۲- شأن نزول آیه ..... ۴۲
- ۳- وظایف زنان ..... ۴۳
- ۴- منظور از استثنای «الا مظهر منها» چیست؟ ..... ۴۳
- ۵- دومین آیه در حجاب ..... ۴۵
- ۶- نکات مربوط به آیه ..... ۴۵
- ۷- چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد؟ ..... ۴۵
- فصل سوم: لزوم و ارزش حجاب از دیدگاه سنت ..... ۴۶
- اشاره ..... ۴۶
- گریه پیامبر در شب معراج ..... ۴۷
- وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) ..... ۴۷
- فصل چهارم: دیدگاه بانوی نمونه دو جهان حضرت فاطمه (علیها السلام) در مورد حجاب و سیره ی آن حضرت ..... ۴۸
- اشاره ..... ۴۸
- دو نکته: نکته اول ..... ۴۹
- نکته ی دوم ..... ۴۹
- پرهیز از نامحرمان ..... ۵۰
- در اوج عفت و حجاب ..... ۵۰
- فصل پنجم: سیره و دیدگاه حضرت زینب کبری (علیها السلام) نسبت به مسأله حجاب ..... ۵۱
- اشاره ..... ۵۱
- خاتمه ..... ۵۲
- فرازی از سخنان امام خمینی (قدس سرّه) ..... ۵۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۵۲



## پوشش زن در گستره ی تاریخ

## مشخصات کتاب

سرشناسه: پارسا، طیبه ۱۳۴۳- عنوان و نام پدیدآور: پوشش (زن در گستره تاریخ نوشته طیبه پارسا. مشخصات نشر: قم احسن الحدیث ۱۳۷۷. مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص. شابک: ۳۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۱۸۷۲-۱-۹؛ ۴۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم) وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: پشت جلد به انگلیسی Tayebeh Parsa. Weman's [i. e. Women's] dress through historical stages یادداشت: چاپ دوم ۱۳۷۸. یادداشت: کتابنامه ص [۱۴۳] - ۱۴۶. موضوع: حجاب -- تاریخ. موضوع: حجاب -- ایران -- تاریخ. رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷ پ۱۵ پ۹ ۱۳۷۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶۰۹ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۴۳۶۹

## مقدمه

بسمه تعالی کسانی که دستی به قلم دارند و در کار قلمزنی و تحقیق تجربه ای دارند به خوبی می دانند که چه بسا عنوانی در آغاز ساده و سهل جلوه کند، ولی آنجا که پای تتبع و یافتن مطلب در آن بخت به میان می آید، مشکلات متعددی فراروی محقق و آنکه تتبع و تحقیق را آغاز کرده است رخ می نماید. موضوع انتخاب شده برای تحقیق که در پیش روی دارید نیز چنین سرنوشت و سرانجامی را داشت، با بضاعتی نه چندان زیاد وارد مطلبی گشته که تتبع فراوان می طلبد هر چند در آغاز چنین انتظاری نداشتیم. بھر تقدیر به فضل الهی اینکار را در حد وسع و توان خویش انجام شد که انشایالله با توجه و ارشاد اهل نظر اشکالات و کمبودها رفع و قابل ارائه به مراکز علمی گردد. صفحاتی که تنظیم گشته، تحقیقی در رابطه با تاریخچه حجاب زنان و تطورات آن در تاریخ و ادیان مختلف است. فصول و بخشهای مختلف مبحث را در سه عنوان در مجموع متجاوز از بیست فصل باب بندی نموده ایم. در عنوان اول به بحثهای مقدماتی واژه شناسی حجاب و سابقه تاریخی آن در بین ملل و اقوام پرداخته شده است که با نظریه حجاب در ادیان مختلف و تطور آن در قرون متوالی بیشتر به مسئله از دید برون مرزی و ارتباطات فرهنگی توجه گشته است. در عنوان دوم به سرزمین خویش و نقش فرهنگ بومی در این مسأله توجه گشته است دقت در فصول این عنوان به ریز شدن بخشهای مختلف این مطلب در زمانهای مختلف تاریخ این سرزمین منجر شده و داد و ستدهای مختلف تاریخی و وضعیت پوشش در این دورانها مورد بررسی قرار گرفته است و بالاخره به فتنه های استعمار در قرن معاصر و نقش عوامل آن در زدودن این عامل عفت اشاره شده است. در فصول نهایی عنوان دوم به عامل تهاجم فرهنگی و ارزش حجاب در مقابله با فرهنگ تحمیلی و بی عفتی توجه گردیده است. در عنوان سوم عمدتاً به دیدگاه دین، خواه از دیدگاه متون و سنت و همچنین نظر و سیره معصومین و زنان برگزیده اسلام، همچون حضرت صدیقه کبری قاطمه زهرا (سلام الله علیها) پرداخته شده و سرانجام تحقیق با بهره گیری از کلام امام امت (قدس سره) حسن ختام می پذیرد.

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوصی برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد، مسؤول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است، جهان مدرسه انسان است و خداوند به هر انسانی برطبق نیت و کوشش صحیح و درستش پاداش می دهد. یکی از مسائل مهم اسلامی، لزوم پوشیدگی زن بیگانه و غیر خویشاوند است، که در قرآن کریم

به این مطلب اشاره شده است. در فقه اسلامی ما واژه ی حجاب وجود ندارد، بلکه حکم ستر و پوشش است و بعدها واژه حجاب جایگزین «ستر» گردید. حجاب زن مایه ی مباحات زن است، حجاب سند شخصیت زن است نه م سبیله ی عقب ماندن او در اجتماع، حجاب حریم مقدس و قلعه آرامش زن است. رسم است که هر چیز با ارزش را پنهان دارند تا ازدستبرد نا اهلان مصون باشد. ای زن، تو نیز با حجاب باش تا اسرار وجودیت، از ارزش نیفتد. حجاب پوشش جسم توست. چرا که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و اله وسلم» آن را برای تو به ارمغان آورد، تا با استفاده از آن به امنیت برسی و با وقار و آزادی در جامعه ظاهر شوی و جذابیت وجودت باعث نشود که میکروبها و انگلهای جامعه حقیقت وجود تو را تهدید نموده و آن را به فساد و تباهی بکشاند. حجاب صدف است و گوهری گرانبها. با حجاب شدن به نمایش گذاشتن شخصیت واقعی زن و محدود کردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل و بی حجابی یعنی «پنهان شدن حقیقت زن در پوشش جاذبه های جنسی» و بدحجاب میکروب جامعه است که بر روح و افکار افراد رسوخ میکند و آن را مشوش می کند. حجاب به عنوان سرمایه عظیمی برای زن، این نقش مهم را ایفای می کند، پرده سیاهی بر چشم هوسبازان کشیده و به او اجازه میدهد سرمایه های وجود خویش را در کانون گرم خانواده متمرکز نموده و با عزمی استوار و خلل ناپذیر اولین هسته اجتماعی را پی ریزی کند. اگر خداوند متعال حجاب را بر زن واجب کرد، چون زن یک موجود زینتی و ظریفی است و می خواسته با این حجاب زن را یک موجود محترم بداند، نه اینکه فقط وسیله ای باشد برای دفع شهوت مرد. در اسلام، معنویت و روحانیت به هیچ روی در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته است و چنان نیست که انسان مجبور باشد برای رسیدن به حقیقت معنوی، واقعیت مادی خویش را نابود کند. معنویت اسلامی رقیب مادیت نیست که بخواهد حریف را به نفع خود از میدان بدر کند، بلکه هدایت کننده و کنترل کننده جسمانیت و این معنا نیست که از خانه بیرون نرود، زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقهای مؤید این مطلب است و ما حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت مختصر ذکر خواهیم نمود. استعمال کلمه ی حجاب در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم خصوصاً در اصطلاح فقهاء کلمه «ستر» که به معنی پوشش است بکاررفته است. فقهاء چه در کتاب «الصلاة» و چه در کتاب «النکاح» که متعرض این مطلب شده اند، از کلمه ستر به جای کلمه حجاب استفاده کرده اند. در آیات مربوطه لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره «احزاب» حدود پوشش و تماسهای زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. و تنها آیه ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است، مربوط است به زنان پیامبر اسلام «صلی الله علیه و اله و سلم». اسلام نسبت به زنان پیامبر اسلام «صلی الله علیه و اله و سلم» عنایت خاصی داشته است. لذا خداوند در قرآن کریم درباره زنان پیامبر «صلی الله علیه و اله و سلم» دستورهای خاصی آورده است، و به آنها می فرماید: «یانساء النبی لستن کاحد من النساء» «شما با سایر زنان فرق دارید». یکی از این دستورهای خاص خطاب به زنان پیامبر مادیت است. دین برای آن نیامده است تا ما را از جسم یکسره غافل سازد و از دنیا جدا کند، بلکه برای آن است که به ما «اندازه» بیاموزد تا بتوانیم با حفظ اعتدال از افراط و تفریط مصون بمانیم و مثلاً چنان نباشیم که خود را فقط «تن» بپنداریم و جز به بهره وری از جسم به هیچ چیز نیندیشیم. پرهیز از بدن نمایی و عریانی و میل به حفظ حریم تن و داشتن احساس شرم و عفت، صفت مشترک همه جامعه های بوده است که به نحوی دارای معنویت بوده و انسان را فقط جسم و تن نمی دانستند، برهنگی همراه با فعالیت شدید گزینه جنسی از مختصات تمدن جدید غرب است. این تمدن از بدو ظهور خود تاکنون، مثل ابر سیاه سعی داشته است تا آسمان سراسر جهان را بپوشاند و همه زمین را از آفتاب حقیقت محروم سازد. و صد البته مملکت ما نیز از سایه ی شوم این ابر زحمت در امان نمانده است.

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی «پرده و حاجب» است، بیشتر استعمالش به معنی «پرده» است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است. و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. و این مطلب باعث شده افرادی گمان کنند که، اسلام برای زن چنین مقرر کرده است همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوششی که اسلام برای زنان واجب کرده است به «صلی الله علیه و اله وسلم» این است: «یا ایها الذین امنو... و اذا سألتموهن متاعاً فأسألوهن من وراء حجاب» ای کسانی که ایمان آورده اید بدون اذن پیامبر وارد خانه هایشان نشوید اگر از آنها متاع و کالایی مورد نیاز مطالبه می کنید از پشت پرده از آنها بخواهید»<sup>۱</sup>. صاحب تفسیر اثنی عشری در ذیل این آیه می فرماید: «گر چه آیه در خصوص زنان پیامبر «صلب الله علیه و اله و سلم» نازل شده، لکن - حکمش عام است نسبت به تمام زنان، که در صورت خواستن چیزی از آنان، از پس پرده و حجاب با آنها مکالمه نمایند. و از این آیه استدلال «حجاب» برای زنان لازم آید. وجه استدلال آنکه، وقتی زن مواظب باشد به پوشش تمام اندام و حجم بدن در موقع تکلم با اجنبی، البته بطریق اولی موظف باشد به حجاب سرو صورت نسبت به مردان و هم چنین اگر چنانچه واجب نبود، امر به حجاب در وقت تکلم هم لغو بود<sup>۲</sup>. ----- ۱- احزاب/۵۳. ۲- تفسیر اثنی عشر، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

### نتیجه گیری

حرمت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داد و فرمود: «این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن.» آنگاه جامعه به صورتی در می آید که شما در ایران می بینید. جهان در برابر ایران خضوع نموده است، تا آخرین لحظه ایران صبر نمود و کاری برخلاف عاطفه و رقت باشد، انجام نداد. «حجاب زن و وجود یک محدودیت در رابطه زن و مرد، حکم قرآنی است، مربوط به چند خبر واحد و حدیث نیست که بشود خدشه ای در آن وارد کرد. وقتی قرآن، قرار شد پیاده شود، باید حجاب رعایت بشود. حالا درست است که در سطح دنیای اسلام کسانی بودند که گاهی حرفی را زدند و شعاری دادند. در کشور خودمان هم بوده اند کسانی که یک چیزی را گفته اند از روی بی توجهی که هم می خواهند مسلمان باشند و هم می خواهند یک حکم صریح و روشن قرآن را زیر پا بگذارند، مگر چنین چیزی ممکن است حکم قرآن باید عمل شود.»<sup>۱</sup> ----- ۱- مقاله «حجاب و آزادی» سازمان تبلیغات اسلامی.

### علت پیدا شدن حجاب

بعضی خواسته اند جریانات ظالمانه ای را به عنوان علت پیداشدن حجاب ذکر کنند، و در این جهت میان حجاب اسلامی و غیر اسلامی فرق نگذاشته اند. و چنین وانمود می کنند که حجاب اسلامی نیز معلول برخی جریانات ظالمانه ای است از قبیل: میل به رهبانیت، عدم امنیت و عدالت اجتماعی، حسادت و خودخواهی مرد و خوی زنانگی و احساس او به اینکه در خلقت از مرد چیزی کم دارد. این علل یا به هیچ وجه تأثیری در پیدا شدن حجاب در هیچ نقطه ای از نقاط جهان نداشته است، ولی بی جهت آنها را به نام علت حجاب ذکر کرده اند، و یا فرضاً در پدید آمدن بعضی از سیستمهای غیر اسلامی تأثیر داشته است؟ اما در حجاب اسلامی تأثیر نداشته است، یعنی حکمت و فلسفه ای که در اسلام سبب تشریح حجاب شده، اینها نبوده است. همانطور که ملاحظه می شود مخالفان حجاب گاهی آن را زائیده طرز تفکر فلسفی خاص درباره جهان و لذات جهان معرفی می کنند و گاهی ریشه سیاسی و اجتماعی برای آن ذکر می نمایند و گاهی آن را معلول علل اقتصادی می دانند، و گاهی جنبه های اخلاقی یا روانی را در پدید آمدن آن دخالت می دهند و غیره.... اسلام در فلسفه اجتماعی خود به هیچ یک از این جهات نظر نداشته و هیچ یک از آنها با مبانی

مسلم و شناخته‌ی شده اسلام وفق نمی‌دهد. ریشه اجتماعی پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد را در میل زن به ریاضت یا میل مرد به استثمار زن، یا حسادت-مرد، یا عدم امنیت اجتماعی، یا عادت زنانگی نباید جستجو کرد، و لا اقل باید در پیدایش مسئله‌ی شرعی کمتر در این‌ها جستجو کرد. دقیق‌ترین علتها آن است که حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد بکار برده است. از طرف دیگر با تأمل و دقت در ویژگیهای جسمی-روحي زن روشن می‌شود که، حجاب و پوشش چه تاثیری در شخصیت فردی اجتماعی او دارد، و عدم پوشش و حجاب چه مسائلی را به دنبال خواهد داشت. مکانیزم وجود زن به گونه‌ای است که او را قادر می‌سازد وظیفه‌ی خطیر همسرمداری و مادری را به نحو احسن به انجام برساند، انجام این وظیفه خطیر و حساس، مستلزم داشتن صفات و خصوصیات ویژه‌ای است. صفاتی که مقدمه تشکیل اولین کانون اجتماعی یعنی «خانواده» را ایجاد می‌کند، و بشر را به سوی اجتماعی زیستن و تکامل سوق می‌دهد، و از تفرق و انزوا می‌رهاند و به او آرامش می‌بخشد. از امور لازم برای شکوفا نمودن استعدادهای بالقوه زن و جلوگیری از یک بعدی شدن شخصیت او و آزاد گذاردن تفکر و گرایش طبیعی او، حجاب و پوشش است، و زن وقتی با حجاب شد، از قید جلب نظر دیگران در قالب عشوه‌گری و خودنمایی در جامعه و اوهام منفی‌رهایی می‌یابد، و با آرامش خاطر بیشتری به انجام وظیفه خود می‌پردازد. بهترین وسیله‌ای که زن را از محدود شدن در مسائل جنسی آزاد می‌کند، حجاب است که به واسطه آن فرصت برای او ایجاد می‌شود که استعدادها و خلاقیت‌های خود را در هر زمینه بروز دهد. همچنین حجاب، بهترین وسیله آسایش-آرامش و سعادت است و با عمل به قوانین الهی است که فرد و جامعه می‌توانند از مواهب زندگی به بهترین نحو ممکن بهره‌گیرند.

## عنوان اول: تاریخچه حجاب و تطورات تاریخی

### تاریخچه حجاب

در ابتداء به طور اختصار از تاریخچه حجاب سخنی به میان می‌آید و بعداً به طور تفصیل به آن می‌پردازیم، قدر مسلم این است که قبل از اسلام، حجاب در میان بعضی ملل وجود داشته است، در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته است و از آنچه در قانون اسلام آمده است، سخت‌تر بوده است. در این زمینه «ویل دورانت» می‌گوید: «قبل از اسلام در ایران باستان حجاب بسیار سخت و شکننده‌ای بین زنان رایج بوده است، اما در هند معلوم نیست حجاب از چه زمانی نفوذ پیدا کرده است. آیا قبل از اسلام یا بعد از آن، به علت اختلاط با مسلمین بویژه ایرانیان». اما در مورد جاهلیت عرب نظرات متعدد است. عده‌ای می‌گویند: در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته و بوسیله اسلام پیدا شده است. ولی عده‌ای دیگر می‌گویند: حجاب وجود داشته است، از جمله دانشمند معروف «فرید وجدی» در دایرة المعارف قرن بیستم در ماده‌ی «حجب» بحث مفصلی راجع به حجاب دارد. و تاریخ آن را در ملل و اقوام مختلف متعرض شده، تا می‌رسد به تاریخ حجاب در بین قوم عرب قبل از اسلام و از «دایرة المعارف لاروس» نقل می‌کند که، اعراب از اقوامی بوده‌اند که قبل از اسلام پای بند به حجاب بوده‌اند و خود هم این نظریه را تأیید کرده و می‌گویند: «کمی قبل از اسلام تا حدودی حجاب در بین زنان سست شده بودم برخی از سلک فرومايگان به خودنمایی و تبرج می‌پرداختند.» ۱ در کتب آسمانی قبل، از قبیل تورات و انجیل امر به حجاب بوده، بلکه تاریخ چنان نشان می‌دهد که حجاب در کیش (فرس قدیم) وجود داشته است، به این صورت که: «زن خواهید و جفت گیرید و هم جفت وهم خوابه‌ی دیگری را نبینید و بر او منگرید و با او میامیزد.» ۲ عده‌ای مدعی هستند که حجاب رایج میان مسلمانان عادت‌ی است که از ایرانیان پس از مسلمان شدنشان به سایر مسلمانان سرایت کرده است. این سخن، سخن نادرستی است. چراکه قبل از اینکه ایرانیان مسلمان شوند آیات

مربوط به حجاب نازل شده است. و اینکه بعضی گفته اند: که حجاب از ملل غیرمسلمان (روم و ایران) به جهان اسلام وارد شده، این نیز سخن نادرستی است. فقط بعدها بر اثر معاشرت اعراب و مسلمانان با تازه مسلمانان غیر عرب، حجاب از آنچه در زمان رسول اکرم «صلی الله علیه و اله وسلم» وجود ----- ۱- دائرة المعارف، قرن بیستم، ج ۳، ماده «حج». ۲- تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۹، داشت، شدیدتر شد، نه اینکه اسلام اساسا به پوشش زن هیچ عنایتی نداشته است بلکه تاریخ قطعی اسلام برخلاف آن شهادت می دهد و بدون شک اسلام در این جهت تحولی بوجود آورده است. نویسنده کتاب تاریخ ایران درباره حقوق زنان می نویسد: «با همه توجهی که زن ایرانی به ویژه به عنوان مادر در داخل خانه از آن بهره مند بود. به ندرت در انظار عمومی ظاهر می شد. در نظام حقوقی ساسانیان با زن در همه موارد نه به عنوان عامل، بلکه به عنوان موضوع حقوقی رفتار شده است، لذا در سراسر آسیای غربی، نظریات تنیدی درباره موقعیت زن در انظار عمومی انتشار داشت و این، خود دلیل آن بود که اصولا عقاید در اساس ملایم تر اعراب به تدریج از بین می رفت و محجب کردن زنان و محدود کردن آنان در حرم جایگزین آن می شد. در نواحی دور دست ایران سنتهای قدیمی ساسانیان نیز بهر حال برقرار بود. بنابراین، زن در آزادی عمل خود بسیار محدود ماند. در دیلم در پایان قرن چهارم هجری قمری/ دهم میلادی زنان اجازه داشتند فقط شبها و در لباس سیاه از خانه خارج شوند. از طبرستان در کویر نمک گزارش شده است که هنوز در سال ۴۴۴ هجری/ ۱۰۵۲ میلادی هر زنی که با مردی از غیر خویشاوندان خود صحبت میکرد، مجازاتش مرگ بود. در گیلان مانند اغلب فرهنگهای ابتدایی، کارهای کشت و زرع به زنان واگذار می شد. این موقعیت سخت و غیر عادلانه در مورد زن نتیجه آن شد که اعراب تصور کنند قرآن نیز زنان را به مثابه وسیله ای در نظر می گیرد و اجازه می دهد که با زنان اسیر، بد رفتاری شود. این نوع محدودیت و در تنگنا قرار دادن زن بر خلاف برداشت دیگر نواحی مانند طبرستان بود، که هر ۱۴ (چهارده) روز یک بار بازار هفتگی تشکیل می شد و به پسران و دختران جوان این فرصت را می داد که با یکدیگر آشنا شوند. این بدان معنی بود که در بین این جمعیت روستایی- بیشتر زردشتی- حجاب هنوز به مرحله ی عمل در نیامده بود.» ۱- زنان مسلمان در مجامع و محافل دینی- اجتماعی شرکت دارند. در زمان رسول خدا، حضرت محمد «صلی الله علیه و اله وسلم» به مسجد می رفتند و در نماز جماعت شرکت می کردند، در مراسم حج همراه با انبوه مسلمانان عالم، حج به جای آورده و باید حج به جای آورند، و در آن کنگره بین المللی اسلامی شرکت می کردند، و از تواریخ اسلامی بر می آید که آنان در غزوات در کار امداد و درمان و کارهای تدارکاتی حضور جدی و فعال داشته اند و همانطور که حضرت محمد «صلی الله علیه و اله وسلم» از مردان بیعت گرفته است، از آنان نیز در کنار مردان مبارز و با تقوی تقدیر شده است. حضور جدی زنان در صحنه جامعه همراه با مردان، نباید حریم ها را بشکند و باعث اختلاط فساد انگیز بشود، بلکه همواره باید حریم ها در برخوردها محفوظ بماند تا دلها به وسوسه ی شیطان مبتلا نگردد. ----- ۱- تاریخ ایران در دوران نخستین اسلامی، تألیف برتولد اشیولر، ترجمه مریم میراحمدی، صفحات آغاز با تلخیص و گزینش.

## فصل اول: حجاب قبل از اسلام

به گفته بعضی از نویسندگان و تاریخ شناسان، زنان قبل از اسلام حجاب نداشتند، برخی دیگر معتقدند که زنان قبل از اسلام دارای حجاب بودند، و عفت آنها ثمره آزادیخواهی و استقلال طلبی آن روز عرب می باشد. در این زمینه نظرات متعددی بیان شده است از آن جمله: دکتر هیکل می نویسد: «قبل از اسلام، زنان حجاب نداشتند و زینت خود را آشکار می ساختند، بعدها اسلام این کار را حرام کرد.» ۱- جرجی زیدان، شرق شناس اروپایی، در جلد پنجم تاریخ خود، از موقعیت زنان در عهد جاهلیت سخن می گوید و می نویسد: «در آن دوره، زنان مقام مهمی داشتند، و عفت آنها ثمره آزادیخواهی و استقلال طلبی آن روز عرب می باشد زیرا زنی که با استقلال و آزادی خو گرفته، تحمل ننگ و عار نمی تواند، و بر عکس زنی که در ذلت و اسیری به سر برده و به قید حجاب و

پرده مقید گشته، زودتر تن به خواری می دهد. کاری که بر آن زن آزاد- مستقل ننگ می نماید، زن بدبختی که در قید اسارت است، آن را عار نمی شمارد... عربهای بدوی، که استطاعت کنیز گرفتن و همسر متعدد نداشتند، همسر یگانه خویش را ستایش می کردند، به ویژه که زن کمک مرد و شریک رنج و رأفت او در سفر و حضر بود.» ۲- ----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۶۲۱ به نقل از زندگانی محمد، ص ۴۳۳. ۲- تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۶۱۸. در جایی دیگر جرجی زیدان در مورد زنان قبل از اسلام می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده، و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی، در اروپا معمول بوده، و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است. و مقصود از حجاب، زندانی ساختن زن در خانه و جلوگیری از معاشرت با مردان است، باید گفت که، این وضع میوه ای از میوه های درخت تمدن اسلامی است و پیش از آن شایع نبوده، و همین که مسلمانان کاملاً با زندگی تجملی و عیاشی آشنا شدند، قضیه حجاب بیش از پیش شدت یافت، و راجع به آن دقتهای فوق العاده مبذول گشت. سابقاً گفتیم که زن بدوی عرب در همه چیز با مرد برابر بود، و چه بسا که از میان همان چادرهای صحرايي، زانی در آمدند که در امور بازرگانی و ادبی و خردمندی نابغه محسوب می شدند، ولی بعد از ظهور اسلام کنیزان و اسیران فراوان گشتند، و مردان هم خواهی های متعدد یافتند. طبعاً زن م مرد از هم بدگمان شدند و آن غیرت و علاقه مندی سابق را از دست دادند، و چون اختیارات مرد بیشتر بود، از اوایل سلطنت امویان، زنان در خانه محبوس گشتند، و خواجگان سفید و سیاه برای مراقبت رفتار آنان معین شدند، و در نتیجه جنگها و غزوات اسلامی روز به روز بر تعداد کنیز و غلام افزوده می شد، و هر مرد مسلمانی می توانست چند کنیز و غلام در اختیار داشته باشند. و چون نزدیکی با کنیزان و تعدد زوجات مانع شرعی نداشت، بالطبع بین زنان و مردان اختلاف فزونی گرفت و صفا و صمیمیت که قبل از اسلام بین زنان و مردان وجود داشت، اندک اندک رو به سستی نهاد... مردان در صدد محبوس ساختن زنان بر آمدند، و باگذشت زمان، از روی ترس و ناچاری به این نتیجه رسیدند که کارهایی که برای مردان حلال است، برای آنان حرام و نامشروع است. مردان، زنان خود را در پشت پرده می گذاشتند، و خود با کنیزان و غلامان سرگرم می شدند و بندرت با زن خود هم سفره و همنشین می شدند و او را موجودی مکار و حيله باز می پنداشتند، و افتخار مردان بر این بود که، زن را از حجله تاگور در خانه حبس کنند، در حالی که در قرآن به موجب آیه ۲۰ از سوره روم، به مردان توصیه شده است که با زنان با مهر و محبت رفتار کنند: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم موده و رحمه.» «از آیات الهی یکی اینکه برای شما از نوع خودتان جفت آفرید تا بوسیله آنان آسایش یابید، و خداوند میان شما و آنان دوستی و مهربانی برقرار ساخت» و نیز در سوره نساء، آیه (۳۲) چنین آمده است: «و عاشروهن بالمعروف» «بازنان به نیکی معاشرت کنید.» ولی عملاً اکثر مردان مراعی عدل و انصاف نبودند. زنان مسلمان تا اواخر قرن ۱۴ میلادی در تحت فشار شدید زندگی می کردند سرانجام در نتیجه اشاعه تمدن غرب، عده ای چون «شیخ احمد فارس الشدیاق» و «قاسم بک امین» در ترکیه و مصر و دیگر ممالک اسلامی، به نشر کتابها و مقالاتی در پیرامون حقوق زنان همت گماشتند، و به تدریج زنان شرق نیز در سایه اتحاد و اتفاق، حقوق و اختیاراتی کسب نمودند» ۱ در کتاب «محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت» نوشته کنستان ویرژیل گیورگیو، ترجمه ذبیح الله منصوری می خوانیم:

۲ «پیشوای اسلام در آخرین سفر حج خود، که معروف به «حجّه الوداع» است، در برابر جمعیت فراوانی که گرد او حلقه زده بودند، خطبه تاریخی مهمی ایراد کرد که به نام «خطبه وداع» معروف است. ضمن این نطق در مورد زنان چنین فرمود: ای مردم، اینک من راجع به زنهای شما صحبت می کنم، زنهای شما بر شما حق دارند و شما هم به زنهای خویش حق دارید، وظیفه آنها این است که، نگذارند شخصی وارد بستر شما شود (جز خود شما)، و کسانی که مورد محبت شما نیستند، به خانه راه ندهند، اگر آنها به این وظایف عمل نکردند، خداوند به شما اجازه داده است که در بستری جداگانه استراحت کنید، و همین که از شما اطاعت کردند و وظیفه خود را به انجام رسانیدند، به آنها غذای مناسب بخورانید، و لباس مناسب بر آنها بپوشانید، شما باید با زنهای خود، به بهترین



طرز رفتار نماید، چون آنها در خانه شما از ----- ۱- تاریخ تمدن اسلامی پیشین، ج ۵، ص ۱۰۲ به بعد؛ تاریخ اجتماعی ایران، ص ۶۵۴. ۲- ص ۴۱۸. خود اختیاری ندارند، باید با محبت رفتار کرد. زنهای شما، امانتی هستند که از طرف خداوند متعال به شما سپرده شده، و به شما اجازه داده اند که با کلام خداوند به آنها نزدیک شوید (یعنی مطابق قانون اسلام با آنها ازدواج کنید) و از خدا بترسید، و با زنهای خود به بهترین طرز رفتار کنید. «در آیه ۹۵ از «سوره ۳۳»، امر شده است که: «زنان و دختران محمد (صلی الله علیه و آله) و کلیه زنان مسلمان عبا یا چادری روی بدنشان داشته باشند، تا بدین وسیله شناخته نشده و مورد اهانت قرار نگیرند. «این مقررات و نظامات به احتمال قوی، به فاصله اندکی قبل از نزول آیه «حجاب» برقرار گردیده است. زیرا در ضمن این مدّت، کلیه زنان مسلمان خودشان را مستور نگاه می داشتند، ولی محدودیتشان بشدت دوران حکومت حجاب یا عزلت نبود..... روایتی وجود دارد حاکی از این که امرحجاب بدان جهت صادر شد که، دست یکی از زنان محمد (صلی الله علیه و آله) بادیست مردی که در یک سفره غذا می خورد تماس پیدا کرد، و بعضی اضافه می کنند که دست عایشه با دست «عمر بن الخطاب» تماس گرفت. این داستان به خصوص، ممکن است مجعول باشد، ولی با توجه به زندگی آزاد در چنان جامعه مملو از حماقت، ممکن است غیرت محمد (صلی) را برانگیخته باشد، تا از بی ادبیهای رایج جلوگیری نماید. ۲- -----  
----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۶۲۲. ۲- سعیدی غلامرضا، عایشه، همسر پیغمبر، ص ۵۱ به نقل از تاریخ اجتماعی ایران، ص ۶۲۷.

## فصل دوم: حجاب در جوامع متمدن غیر ایران باستانی

### اشاره

تاریخ، حیات بشر را از دیدگاههای مختلفی دسته بندی کرده و راجع به آنها سخن می گویند شاید بهتر این باشد که آن را به دو دوره «قبل از تاریخ و بعد از تاریخ» تقسیم کنیم. غرض از دوران قبل از تاریخ، دوره ای است که در آن از خط و نگارش به عنوان وسیله ارتباط بین انسانها خبری نبود، و اطلاعات و وقایع سینه به سینه نقل می شدند. و غرض از دوران پس از تاریخ یا دوران تاریخی مرحله ای است که در آن بشر قادر به حفظ فرهنگ بشری از طریق کتابت و نگارش شده بود و آثاری مکتوب و قابل انتقال از خود بر جای گذاشته و می توانسته مفاهیم و اسرار را به دیگران تفهیم کند. تتبع حجاب در این ادوار بسی مشکل است، چراکه از دوران قبل از تاریخ به علت فقدان خط و نگارش و عدم ارتباط بین بشر در مورد حجاب اطلاع و اثری در دست نیست. و برای اینکه بهتر درک کنیم در دوران تاریخی، حجاب به چه نحوی بوده و چه ارزشی در میان مردم داشته و چگونه با آن برخورد می کرده اند، باید دید گاههایی که بشر در طول تاریخ نسبت به زن داشته و دارد، مورد بررسی قرار گیرد و تحقیق شود زن در تاریخ حیات بشر چه جایگاهی و منزلتی داشته است.

### زن در تاریخ حیات بشر

او در تاریخ حقوقی زندگی دو دوره متمایز را گذرانده است: ۱- دوران جهالت و توحش انسانها که در آن او را به حساب انسانی والا در نظر نمی گرفتند و برخوردی بس خشن و ناجوانمردانه با او داشتند، رفتار با او رفتاری غیر انسانی و توقعات از او طاقت فرسا و ظالمانه بود. او مقدمه وجودی مرد محسوب و چون ابزاری در اختیار او بود. ۲- دوران تمدن و انسانی شدن حیات، که در آن کوشیدند برای زنان ارج و قربی قائل گردند، و از اندیشه کنیز بینی و برخوردی چون برخورد با حیوان دست کشیده و از خرید و فروش او به عنوان یک کالا خودداری کنند. اینکه کدام یک از دو دوره مذکور به نفع و مصلحت زنان بوده، مسأله ای است که در

خور بررسی همه جانبه است، اما شکی در آن نیست که زنان در سایه تعالیم انبیاء و خیرخواهی اولیاء و تلاش مصلحان نسبت به گذشته وضع و موقعیت آبرومندانه‌ای پیدا کردند، گرچه تا رسیدن به مقصد انسانی و نهایی که مورد امید رسالت‌ها و انبیای الهی بود، فاصله بسیاری داشته و دارند. آری، امروزه زن هم چون دیروز وجودی نیست که در حد حیوانی بوده و در اختیار صاحب و مالکی چون شوهر باشد، ولی چنان هم نیست که در همه جای جهان دارای استقلال در فکر و مشی، و به دور از استبدادها و ستمرانی‌های مردان باشد. هر چه هست نسبت به گذشته وضع بهتری دارد و مطالعه در تاریخ جوامع متمدن عهد باستان این دعوی را به اثبات می‌رساند. در این دو دوره حیات بشر که زن دارای چنین حقوقی است، واضح است وضع حجاب هم چندان درخشان و روشن نبوده است، بخصوص در دوران جهالت و توحش که زن را به حساب انسان والا و ارزشمند در نظر نمی‌گرفتند و در واقع از زمانی که پدر بر خانواده مسلط گردید و پدرسالاری حکمفرما بود، وجود زن ابزاری بود در اختیار مردان. به مرور زمان و طی سالیانی مفهوم «حجاب» - پرده نشینی - و مفهوم «عفت» به سبب عواملی همچون «بکارت» و «خریداری زن» که قیمت زن بکر از زن دیگری که ضعف اراده نشان داده و بکارتش را از کف داده بود، بیشتر شد و عوامل دیگری نظیر «عادت بودن» و غیره معنا پیدا کرد و احساس و عواطفی که در اعماق قلب بشر، خصوصاً زنها، فطرتاً وجود داشت، بیدار گشت و همچون خورشیدی که پرتوهای آن همه جا را فرا می‌گیرد، این چراغ همیشه روشن نیز پرتوهایش همه جا را نور افشانی کرد. در این زمینه ویل دورانت پیرامون بحث «یکی از عوامل اخلاق تمدن - اخلاق جنسی است» می‌گوید: «سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهمترین وظیفه اخلاقی به شمار می‌رفته است، زیرا غریزه تولید مثل همیشه مشکلاتی را به همراه دارد، و در نتیجه شدت وحدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شد. نخستین مشکلی که پیش می‌آید راجع به روابط بین زن و مرد قبل از ازدواج است و این که آیا این روابط باید مقید به قیودی باشد یا نباشد حیات جنسی حتی در میان حیوانات نیز آزاد و نامحدود نیست، و اینکه حیوان ماده جز در مواقع معین نر را به خود می‌پذیرد، معلوم می‌دارد که حیات جنسی در عالم حیوانات بسیار محدودتر از انسان است که شهوت فراوان دارد.... مفهوم «عفت» از آن چیزهایی است که تازه پیدا شده، آنچه دختر بکر در زمانهای ابتدایی از آن نگرانی داشته، از کف دادن بکارت نبوده، بلکه از آن می‌ترسیده است که مبدا شایع شود، فلان دختر نازاست. غالباً چون زنی پیش از ازدواج فرزندی می‌آورده، این عمل بیشتر به شوهر رفتن او کمک می‌کرده، چه آنگاه معلوم بوده است که این زن عقیم نیست و فرزندان خواهد آورد که وسیله‌ی جلب مال و ثروت برای پدرشان خواهد بود، حتی اجتماعات ابتدایی پیش از ظهور مالکیت به دختر بکر با نظر تحقیر می‌نگریستند و این را دلیل عدم توجه مردان می‌دانستند.... آیا چه شده است که بکارت که روزی قبح و گناهی محسوب می‌شده، امروز جزء فضایل به شمار می‌رود بدون شک هنگامی که مالکیت در جریان زندگی حکمفرما گردید، در امر بکارت هم این تحول به وقوع پیوست. هنگامی که مرد مالک زن شد، می‌خواست که این مالکیت برای مدت پیش از ازدواج هم امتداد پیدا کند و به همین جهت لازم شد که زن در دوران پیش از ازدواج هم برای شوهر و مالک آینده خود «عفت» را نگاه دارد. هنگامی که خریداری زن معمول گردید، قیمت زن بکر از زن دیگری که ضعف اراده نشان داده و بکارتش را از کف داده بود، بیشتر شد و این خود نیز به ارزش اخلاقی بودن «عفت» و بکارت کمک کرد. در این موقع نشانه امانت و وفاداری زن نسبت به شوهر شد، چه مردان به چنین امانتی محتاج بودند تا ترس و نگرانی آنان از این که اموالشان به بچه‌های ولدالزنا برسد، مرتفع گردید.»<sup>۱</sup> همچنین صاحب کتاب تاریخ تمدن در جایی دیگر از چگونگی پدید آمدن «پرده نشینی» و زمان آن سخن به میان آورده است می‌گوید: «حیاء و پرده نشینی هنگامی پیدا شد که پدر بر خانواده مسلط گردید، هنوز قبایل فراوانی هستند که از برهنه بودن تمام بدن خود هیچ خجالت نمی‌کشند، و حتی بعضی از پوشیدن لباس عار دارند..... از طرف دیگر در میان عده کمی از قبایل چنین رسم است که عمل جنسی را بدون شرم در مقابل یکدیگر انجام می‌دهند. نخستین مرتبه که زن حیا و شرم را احساس کرد، آن وقت بود که فهمید در هنگام



عادت نزدیک شدن او با مرد ممنوع است. همچنین هنگامی که ترتیب خریداری زن برای زناشویی رایج شد و بکر بودن دختر سبب استفاده و سود بیشتر پدر گردید. در نتیجه دور ماندن زن از مرد و مجبور بودن به حفظ بکارت این حس در وی ایجاد گردید که باید عفت خود را حفظ کند. این نکته را باید افزود که در دستگاه ازدواج بوسیله خریداری همسر، زن خود را اخلاقی موظف می‌داند که از هر رابطه جنسی که از آن به شوهر وی نفعی نمی‌رسد، خودداری کند، و از همین جا احساس «حیا و عفت» در وی پیدا می‌شود. و اگر لباس تا این زمان به علت زینت و حفظ بدن ایجاد نشده باشد، روی همین احساس لباس وارد میدان زندگی می‌گردد. در نزد بسیاری از قبایل زن هنگامی لباس می‌پوشد که شوهر کرده باشد، و این در واقع علامت مالکیت شوهر نسبت به وی می‌باشد، و مانعی است که دیگران را از وی دور می‌سازد. واضح است که آنچه مردم از انجام دادن آن شرم دارند، بسته است به «محرمات اجتماعی و عادات و آدابی» که در قبیله رواج دارد. تا گذشته بسیار نزدیک، زن چینی از نشان دادن پا و زن عرب از ظاهر ساختن چهره و زن قبیله طوارق از آشکار کردن دهان خود خجلت زده می‌شوند، در صورتی که زنان مصر قدیم و زنان هندوستانی قرن نوزدهم و زنان جزیره بالی (BALI) در قرن بیستم تا پیش از آمدن سیاحان شهوت پرست از بیرون انداختن سینه‌های خود هیچ گونه شرم و خجالتی احساس نمی‌کردند. بنابراین مسأله «حجاب» و «عفت» از همان دوران جهالت آغاز می‌شود و به مرور زمان در دوران بعدی- دوران تمدن و انسانی شدن حیات- بیشتر تجلی می‌کند، بخصوص در دورانی که پیامبری از طرف خداوند متعال مبعوث می‌شود تا رسالت نبوی خود را به طور احسن به پایان رساند. ----- ۱- تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۷۰ و ۷۱.

## فصل سوم: حجاب در ادیان

### اشاره

باورها و اعتقادات در عرصه جهانی دو دسته اند: دسته ای که دارای منشاء الهی و آسمانی اند، مثل اعتقادات مربوط به یهود- مسیحیت و حتی از جهاتی زرتشتی و آئین مقدس «اسلام» و دسته ی دیگر زائیده افکار فلاسفه- صاحب نظران، خیرخواهان مصلحان و احیاناً سیاست بازان- مدعیان دروغین، جاهلان، که ساخته دسته بشرند، مثل آئین کنفوسیوس، بودایی، برهمنی و نوع بهایی و قادیانی و.... عقیده و باور ما این است که، در ادیان الهی، آنها که به دور از تحریف و دست خوردگی هستند، به حمایت از زن برخاسته و او را آفریده ای الهی که مورد احترام خداوند است معرفی کرده اند. دلیل آن هم بسیار روشن است. زیرا خدا را بالاتر و بزرگتر از آن می‌بینیم که آفریده‌هایی چون زن و مرد داشته و یکی را بر دیگری بی حساب ترجیح دهد و یا به شکنجه و آزار و استثمار زن توسط مرد رضایت دهد. در مورد ادیان غیر الهی که انعکاسی از اندیشه و روحیه مردم است، مسأله ممکن است به صورتهای دیگری باشد. ما ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

### ۱- آئین کنفو سیوس

«آئین کنفوسیوس» آئینی است، که در چین و ژاپن و... طرفدارانی دارد و خود کنفوسیوس مدعی نبوت و رسالت الهی نبوده و پیروان او هم چنین ادعایی ندارند. او را بشری عادی ولی خبره و صاحب نظر معرفی می‌کنند. بعد معاد و قیامت، کیفر و حسابرسی، وحی و قانون خدایی در آن وجود ندارد. در این آئین زن انعکاسی از مرد و برای خدمت و جذب عطوفت شوهر آفریده شده است. گام‌های او فساد آفرین و جودی مرکز فتنه است. دارای ارزش و شخصیت قابل اعتنایی نیست، اختیار او مطلقاً با مرد است و از خود اراده ای و اندیشه ای را نباید بروز دهد. او جزو مایملک مرد است. همانند کالایی در اختیار او، در انتخاب همسر در ازدواج

صاحب رأی و نظر نیست. تکلیف او را دیگران معین می کنند. همه گاه باید در اطراف همسر باشد، برای اینکه دختران زودتر شوهر کنند و یا به جای دور نروند، پاهای آنان را به گمان خود زیبا و درحقیقت معیوب می کردند. او باید نسبت به مرد خضوع کند از او اطاعت و حرف شنوی کامل داشته باشد، برای جلب عطف شوهر باید به دیرها پناه برده، دعا کند و از ارواح نیاکان که خدایان او هستند، استمداد بطلبد، خلاصه معتقدند زن برای لذت مرد آفریده شده و بهترین زن کسی است که نسبت به مرد خاضع تر باشد، پر حرفی زن، بیمار شدن او، عقیم بودن او بی میلی شوهر نسبت به او، این حق را برای شوهر ایجاد می کرد تا او را در معرض فروش بگذارد. مسلماً زن در آئین کنفوسیوس که از چنین جایگاه برخوردار است و موجودی بی اراده و خرد و فاقد ارزش و شخصیت قابل اعتنایی است، باید پرده نشینی را اختیار کند، به دیرها پناه برد تا بتواند از این طریق عطف خانواده «شوهر» را جلب نماید و دارای منزلت انسانی گردد. چون این آئین بیشتر در کشور ژاپن رواج دارد، بطور مختصر و فهرست وار شمه ای از نحوه پوشش و لباس آنها و اینکه- چگونه لباس آنها غربی شد- متذکر می شویم.

## ۲- چگونه لباس ژاپنی ها غربی شد

در ژاپن تا قبل از دهه ۷۰-۱۸۶۰، (با این که اسلام هم در کار نبوده است) قبل از غربزدگی، مردان و زنان لباسهای بومی که عبارت بود از یک پیراهن بلند و گشاد که روی آن کمر بند پهن می بستند، می پوشیده اند. در سال ۱۸۶۸ یک تحول سیاسی مهمی رخ داد و در پی این تحول، یک حکومت مرکزی قوی (که ما را باید به یاد حکومت رضاخان بیندازد) روی کار آمد و می خواست با فئودالیسم مبارزه کند. این حکومت به تقلید از شیوه و روشهای غربی به پیشرفت و توسعه اقتصادی، علاقه مند بود. با استقرار حکومت مرکزی، خانواده سلطنتی، اعیان و اشراف همزمان با تقلید از رقص، موسیقی و عاداتهای اجتماعی غربی، لباسهای سنتی خود را کنار می گذاردند و لباس غربی می پوشیدند. از سال ۱۸۸۰ به بعد مدهای اروپایی به تدریج بخشهای حساس بازار را فرامی گیرد و به مرور زمان جای خود را در بین طبقات مرفه باز می نماید و قشرهای بالای جامعه، به تقلید از سرگرمی های اروپایی از قبیل «رقصهای دسته جمعی، گاردن پارتنی و مجالس موسیقی» می پردازند، و در تمام این مراسم انواع لباسهای شب غربی را به تن می کنند. در دهه ۹۰-۱۸۸۰ به دستور وزارت آموزش و پرورش تمام دانشجویان دانشگاهها و همه پژوهشگران مدارس عالی موظف و مجبور به پوشیدن اونیرمهای غربی شدند و به مرور زمان تمام پیشه وران معلمان، پزشکان، کارمندان بانک و غیره همگی به هنگام کار، لباسهای غربی به تن می کردند، ولی با وجود این اکثریت عظیمی از مردم ژاپن همچنان دلبسته ی لباس بومی خود بودند. آن عده قلیلی که به زور یا به دلخواه خود لباس «جدید» می پوشیدند، به محض رسیدن به خانه آن لباس را از تن بیرون می کردند و همان کیمونوی راحت خود را می پوشیدند. در حقیقت لباس غربی، لباس کوچه و خیابان بود. لباس ژاپنی تا مدتها لباس منزل به حساب می آمد. اکثریت مردم تا قبل از جنگ جهانی اول، لباس غربی را نپذیرفتند ولی بعد از جنگ جهانی اول، بر اثر توسعه اقتصادی در ژاپن، تقلید از غرب و شیوه غربی در زندگی عمومی مردم بیشتر راه یافت. همه مردم آرزوی زندگی به شیوه غربی داشتند. این تاثیر بقدری مؤثر واقع شده بود که در تمام خیابانها و مناظر عمومی، لباس غربی دیده می شد نه کیمونو که جزئی از اسلوب زندگی مردم ژاپن است! ----- ۱- اقتباس از کتاب فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۹.

## ۳- حجاب در آئین برهمنی

آئینی است در هند و طرفداران بسیار دارد. مردم آن از نظر فکری افرادی کم توقع نسبت به زندگی، بی رغبت به مال و به دور از حرص نسبت به مقام و جاه خویشند. در این آئین زن شخصیتی مستقل ندارد، دارای وجودی تبعی و جزء مایملک پدر یا شوهر

است. پدران و شوهران حق هرگونه دخالت و تصرف در فکر و اراده زن داشته و او حق نداشت از خانه خویش بی اجازه آنها بیرون رود و نسبت به بیگانه آشنایی داشته باشد، حتی شوهر به علت بی عفاف همسر می توانست او را طلاق دهد. در این زمینه «ویل دورانت» در کتاب تاریخ تمدن می نویسد: «در هند طبق قانوننامه «مانو»: شوهر می توانست همسرش را به علت بی عفاف طلاق بدهد.»<sup>۱</sup> مسأله سوزاندن زن به همراه جنازه شوهرم ریختن خاکستر او در رودخانه گنگ یا برهماپوترا در این آئین از روزگاران قدیم وجود داشته و تا نیم قرن قبل هم ادامه داشته است. علت این کار بدان خاطر بود که برای زن پس از مرگ شوهر وظیفه و رسالتی قائل نبودند. عضوی زائد و بی حساب بود و برای زنده ماندن او توجیهی نداشتند. مگر اینکه به نزد اقوام خود برود، و گرنه در خانه شوهر برای او جایگاهی نبود، و زمانی که به نزد اقوام خود باز می گشت، باز هم حق نداشت هرگز با شکمی سیر زندگی کند ناگزیر می بایست به قناعت و کم خوری پردازد و عبادت را پیشه خود سازد تا روزی که مرگش فرارسد. حق ازدواج مجدد از او سلب می شد حتی اگر مدت زندگی او با شوهر از سالی نمی گذشت و او جوان بود. در این زمینه ویل دورانت می گوید: «۲» رسم حجاب و یا پرده نشینی زنان شوهر کرده، بوسیله ایرانیان و مسلمین وارد هند شد و به همین جهت این رسم در نواحی شمال هند بیش از نواحی دیگر استحکام داشته است. شوهران تا اندازه ای برای محافظت همسران خود از دست درازی سایرین یک گونه رسم پرده نشینی شدیدی برقرار کردند. بنابر آن رسم، یک زن آبرومند، فقط می توانست چهره خود را به شوهر و فرزندان نشان بدهد، و در ملاء عام نیز تنها پس از در برکردن چادری سنگین می توانست راه برود. حتی پزشکی که او را درمان می کرد و نبضش را می گرفت، باید از پشت پرده چنین می کرد. در بعض محافل نشانه بی تربیتی بود که کسب از چگونگی وضع و حال همسر دیگری پرسد، یا در هنگام مهمانی با خانمهای منزل صحبت کنند.» در قانون نامه مانو به مردان چنین اخطار می شود: «زن طبیعتاً میل دارد مرد را اغوا کند، لذا مرد نباید در یک جای خلوت حتی با خویشاوندان نزدیک خود بنشیند، و نباید به بالاتر از قوزک پای دختر عابر نگاه کند.» بدین سبب در آیین های بشری، چون منشأ اعتقادات و اندیشه، بشری بود و مذهب هم از خواست و رأی مردم و انعکاسی از ذهنیت های آنان بود، لذا همان افکار و اندیشه های جاهلیت را در آن ملاحظه می کنیم و اگر قوانینی به نام حجاب یا پرده نشینی در آنها وجود دارد بخاطر یکسری عوامل همچون منافع مادی و شهوانی و یا تعصبات خشک که ناشی از افکار جاهلی آنهاست، نه برخاسته از نیروی خدادادی و فطرت آنها. ----- ۱- تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۰۸-۲- تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۰۸.

## فصل چهارم: حجاب در آیین پیامبران اولوالعزم

### اشاره

در عصری که فضائل و اخلاق نیک در زیر باورها و اعتقادات غلط مدفون بود و در کنار این باورها و اعتقادات جاهلی زن هیچ ارزش و منزلتی نداشت و ارزش او تنها در یک ابزاری در دست مردان خلاصه شده بود، در صورتی که او نیز همچون مردان، موجودی است گرامی و محترم، مخلوق و آفریده خدا، نه تنها ذاتاً عامل گناه مردان نیست، بلکه در مواردی بسیار عامل جلوگیری مرد از گناه و مایه حفظ عفت و سکون اوست. انبیای الهی از جانب خداوند متعال ظهور می کنند و در کنار رسالت خود که زنده کردن و بیدار نمودن فطرت توحید و خداجویی است، شخصیت زن را نیز احیاء می کنند و او را از منجلا ب باورهای غلط نجات می دهند. شاید و اگر هم اغراق نباشد یکی از رسالت های مهم انبیای الهی زنده کردن و معرفی کردن زن به عنوان این که او نیز انسانی پاک و خالص است که در جنبه رشد کمتر از مردان نیست و آنها هم می توانند به مقام قرب الهی برسند و جانشینان بر حق خداوند متعال بر روی زمین باشند.

## ۱- حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

در آئین مقدس حضرت ابراهیم «علیه السلام» مسأله پوشش زنان و حجاب حائز اهمیت بوده است. در آیه ۱۶ باب ۲۲ سفر تکوین تورات «براشت» وارد است که: «ابی ملک پادشاه فلسطین برای نقاب ساره و جهی پرداخت و خود حضرت نیز اقداماتی برای پوشاندن ساره نمود. ۱ نیز در باب ۲۴ سفر ----- ۱- به نقل از کتاب «زن به ظن تاریخ». تکوین، آیات ۶۴ و ۶۵ آمده است: «ربقاه- دختر بثوئیل- در برابر اسحاق که بر او نام محرم بود، خود را پوشاند.» ۱ همچنین در باب ۳۸ همین سفر به تارمار اشاره می کنند که: «در برابر بیگانه برقع پوشید» ۲. ----- ۱- همان منبع. ۲- همان منبع.

## ۲- حجاب در آئین یهود

در آئین یهود زنان از مزیای حقوقی برخوردار بوده اند، از جمله اینکه حق تصرف در اموال و دارایی خود داشته است و ولایت و سلطه پدر و شوهر به گونه ای نبوده است که او بصورت کلی بی اختیار و تابع باشد بلکه رعایت حال او تا حد زیادی می شده است. در این آئین حجاب و حفظ عفت مورد توجه بوده و به پوشاندن اندام از نامحرمان سفارش شده بود. در قانون تلمود آمده است: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانکه مثلاً- بی آنکه چیزی بر سر داشته باشد، به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت، یا با هر سخنی با مردان درد دل می کرد، یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشوند، در این صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» ۳- تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰.

## ۳- حجاب در آئین مسیح و نصرانیت

تمام آیات «تورات و انجیل» که درباره حجاب آورده شده مورد توجه و دقت مفسرین قرار گرفته، و مسائل را مطرح ساخته اند که بسیار جالب می باشد از جمله: در آیات ۳ الی ۱۷ باب ۱۱ رساله اول «پولس» خطاب به قرنایان چنین آمده است: اما می خواهیم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن مرد، و سر مسیح خدا. هر مردی که سر پوشیده عبادت یا ندبه می کند سر خود را رسوا می نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا یا ندبه کند، سر خود را رسوا می سازد که چنین است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی پوشد موی سر را نیز می برد، و اگر زن را موی چیدن یا تراشیدن قبیح است باید بپوشد ۰۰۰، از این جهت زن می باید پوشش بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان... آیا شایسته است که زن ناپوشیده دعای خدا بکند... و اگر زن موی دراز دارد، زینت است که موی به جهت پرده بدو داده شده است. پولس در رساله خود به قرنایان تصریح می نماید: چون زنان بی حجاب به کلیسا می رفتند، مارپولس آنان را نهی کرد تا موجبات هیجان شهوت و پریشانی حواس را کاهش داده باشد، و اینکه سر تراشیدن را با سر برهنه داشتن برابر شمرده، کنایه ای از عدم امکان تساوی مرد و زن در بسیاری از موارد و از جمله- سربرهنه کردن است- و در ضمن چون سر تراشیدن نشانی از توهین و تحقیر گناهکاران است که در کیفرخواستشان به چنین رسوایی محکوم می باشند، خواستند سر برهنگی زن را نیز تحقیر و توهین نمایند. مفسرین انجیل گویند: اینکه گفت، سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد، و سر مسیح خدا، مراتب بزرگی را نشان داده و محفوظ می دارد که رئیس مسیح، خداست و رئیس مؤمن، مسیح و رئیس مؤمنه شوهرش، و تنها سر زن می تواند برای شوهرش مکشوف بماند و حتی برای پیامبر نه. در باب ۱۴ در آیات ۳۴ و ۳۵ می خوانیم: «و زنان شما در کلیساها خاموش باشند که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن.» در آیات ۲۷ و ۲۸ انجیل متی است: «از قول حضرت مسیح- «علیه السلام» است: شنیده اید که به او گفته شده بود، زنا مکن، لیکن من به شما می گویم: هر کس به زنی نظر شهوت

اندازد همانند مردل خود زنا کرده است.» مفسرین آیات ۳۴ و ۳۵ را مورد تعمیق قرار داده و گفته اند: پولس حتی حرف زدن زن را در برابر بیگانگان ممنوع داشته و دستور می دهد، حتی مسائل دینیه خود را در خانه از شوهران سؤال نمایند، ولی قرآن چنین فرماید: «فلا یخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض» ۱ و مشابه آنچه حضرت مسیح «علیه السلام» فرمود «که زن در کلیسا با اجنبی حرف نزند.» در اسلام مسجد المرئه «بیتها» وارد شده، و نماز در خانه اش را برابر نمازی که مردان به جماعت در مساجد به جای می آورند، به سنجش و ارزیابی در آورده است. در آیه ۹ الی ۱۵ باب ۲ رساله اولای پولس به تیموتاوس چنین آمده است: «زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیاء و پرهیز نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانبها، بلکه چنانکه زنانی را می شاید که دعوی دینداری می کند به اعمال صالحه.» ضمن این مباحث و آثار پی می بریم که در آئین مسیح روی مسأله حجاب عنایت داشته اند و مورد توجه بوده است، حتی زمانی که دین مسیح «علیه السلام» تحریف شد و تعلیمات آن مورد تهاجم سوء قرار گرفت، رهبران دین مسیح باز روی مسأله حجاب تأکید داشتند، تا آنجا که این رهبران برای حفظ سیاست رهبری خود و تحکیم مبانی رهبانیت دیدند. اگر زن در پوشش باقی نماند، چون تنها وسیله عیش و کامرانی و شهوت انگیزی است و به علاوه که خود زن دارای احساسات سریع التأثر است، زودتر گرفتار احساسات شهوت و غضب و جنایت قرار می گیرد. خوشگذرانی - کامجویی - عیش و نوش جز با زن مفهومی ندارد، لذا آنها زن را به پوشش رهبانیت موظف نمودند که زن مسیحی باید پوشیده باشد، و عموم زنان هم از آنها تبعیت نمودند. زن مسیحی باید با روزه «صمت» لب و دهن و چانه و مو و بدن را بپوشاند تا از دستبرد چشمگیر شهوت دیگران مصون بماند. در نهایت این پوشش بقدری افراطی شد که زنان را از خانه داری دور ساخت و از ازدواج محروم نمود، و آن مقدار حظ و نصیب طبیعی را هم از آنها ممنوع ساخت. ریاضت و ترک دنیا زنان مسیح را در حجاب نگاه داشت. ۲ بنابراین در آیین مسیحیت از یک سو مواجهیم با قداست و تقدیس زن و از سوی با تحقیرها و توهین ها از یک طرف همه فرشتگان را به صورت زن مجسم کرده اند. با اینکه علم الادیان جنسیت خاص و مادی بودن فرشتگان را نفی می کند. از طرف دیگر برای نجات زنها از زیر بار ستم مردان آنها را در دیرها پناه داده و دیر نشینی و رهبانیت زنان را صلاح دیده است. ولی از دیدی دیگر آنان را بعدها برای خدمت به مسیحیت خوانده اند و بعدها دیرها مراکز آلودگی و فحشاء شد و به کاباره ها و فحشاخانه های بزرگ تبدیل شدند که تمام مردان و زنان بدون هیچ ممنوعیتی با هم وارد آنجا می شدند و هزاران تخم فساد و آلودگی با خود در جامعه می پراکنند، که این مراکز به مرور زمان از غرب به شرق هم سرایت کرد و مانند یک بیماری مسری تمام جوامع را فراگرفت. ----- ۱- صدا را نازک نگیرید، صدا را با اداء طوار صوتی و حالت آمیخته به ناز در نیاورید که دلهای از معنویت دور و بیمار در شما طمع کند؛ سوره ی: احزاب آیه ۳۲/ ۲- زن به ظن تاریخ، بنفشه حجازی.

### فصل پنجم: حجاب در قرون وسطی

در قرون وسطی زنان به پیروی از رهبران خود پرده نشینی و رهبانیت را برگزیدند تا از این طریق از دستبرد و حيله شهوت پرستان مصون و در امان باشند. رهبانیت آنها بقدری افراطی می گردد که ریاضت و ترک دنیا آنان را از بهره های طبیعی بی نصیب می گرداند. بر اثر تحریف آیین مسیحیت و تعالیم آن، مسأله پوشش و حجاب نیز بی بهره از اندیشه های جاهلی نبوده و به مرور زمان به دیار فراموشی سپرده می شود. تا آنجایی که یک زن مسیحی همانند برخی زنان مسلمان هنگام نماز و در پیشگاه باری تعالی - در حضور امام - در برابر روحانی حتی در مساجد و امام زاده ها و در تشیع جنازه و... حجاب می پوشند، نه به این معنی است که امام یا روحانی نامحرم و بیگانه است و بقیه مردم محرم و خودی، بلکه این معنی را می رساند که قانون برای وی قابل قبول نیست و شرم حضور سبب پوشیدن وی شده، یعنی درحقیقت کسی که در معابر و خیابان بی حجاب است بر همه محرم و در مساجد و مشاهد مشرفه نقابدار است و با همه بیگانه. !! اما در این قرون آثاری از پوشش و حجاب موجود است و هنوز نحوه پوشش و لباسها تغییر

نکرده است. اگر سری به موزه های لباس در کشورهای اروپایی و غربی بزنیم، مشاهده می کنیم که لباسهای اقوام اروپایی در قرون وسطی و حتی تا مدتها بعد از آن چه مردانه و چه زنانه عموماً از این لحاظ شبیه لباس امروزی اقوام هنوز غربی نشده سایر ممالک دنیاست یعنی گشاد و بلند است. ولی اگر به کشورهای اروپایی، امریکایی و به شهرهای غرب زده جهان نظر افکنیم چه خواهیم دید لباسهای «تنک»، کوتاه و چسبیده به بدن.»

## فصل ششم: حجاب غرب در دوران رنسانس تا قرون معاصر

### جایگاه و منزلت زن در زمان رنسانس

در زمان رنسانس، تجلی زن یکی از درخشانترین مراحل آن زمان بود. مقام او در تاریخ اروپا معمولاً با ثروت بلند شده است. ویل دورانت در این زمینه می نویسد: دختری از خانواده خوب دقیقاً برای تحصیل و نگهداری یک همسر سعادت مند تربیت می شد. این موضوع اصل عمده برنامه تحصیلی او بود. تا چند هفته پیش از ازدواجش در خانه یا در یک صومعه نسبتاً مجزا می زیست و از مربیان یا راهبان تعلیماتی می آموخت که به مردان طبقه خودش، به جز دانش پژوهان، داده می شد... عده کمی از زنان دانشمند می شدند و در مجامع عمومی با مردان به بحث درباره مسائل فلسفی می پرداختند. اما زن تحصیل کرده دوران رنسانس جنبه زنانگی و مسیحیت خویش را حفظ می کرد، و نیز اصول اخلاقی خود را و این به او وحدتی از فرهنگ و خصلت می داد که تاب مقاومت او از یک مرد رنسانسی بالاتر سلب می کرد... زن رنسانسی وقتی خبر آشوبی را می شنید، از ترک کردن اطاق خود امتناع می کرد، در برابر عقاید بردبار بود، و می توانست کلمات واقع بینانه را بدون از دست دادن نزاکت یا دلربایی خود بشنود. زنان متعین دوره رنسانس به واسطه هوشمندی یا تقوای خود، مقام بلندی برای خویش احراز کردند. به همین سبب زنان این دوره، جنسیت خود را از قیود قرون وسطایی و تحقیر در برابر راهبان می رهانند و آن را آنقدر بالا می بردند که تقریباً مساوی مردان شوند، تا جایی که با مردان درباره ادبیات و فلسفه بحث می کردند، و مردان باسواد آن عصر دلربایی چنین زنی را شدیداً حس می کردند. نشر و نوع پوشش در این دوره به حسب طبقات فرق می کند و زنان رنسانسی دارای پوشش یکسان نبودند. زنانی که جزء طبقات ثروتمند و شهری بودند، گیسوان خود را تقریباً به رنگ-بور-رنگ می کردند و بدون پوشش آنها را ظاهر می نمودند. زنان روستایی که زیبایی خود را از دست داده بودند، گیسوان خود را کوتاه میکردند و برای فروش عرضه می کردند و در مناسبتهایی از کلاههای مخصوص استفاده می کردند. جامه زنان به نحوی بود که بیشتر اندام آنها نمایان بود. و این برهنگی و عریانی گاه به اندازه ای بود که برخی از زنان اگر کفش خود را از پای در می آوردند، بکلی عریان می شدند، به همین جهت واعظان آن زمان از این برهنگی و عریانی که موجب جلب نظر کردن دیده هوسناک مردان به خود می شد، شکوه داشتند. ویل دورانت در صفحه ۸۸ کتاب تاریخ تمدن نقل می کند: «اگر از روی تک چیره ها قضاوت کنیم، جامه زنان پر زینت، سنگین و ناراحت بود. مخمل، حریر و پوستهای قیمتی با چین های درشت از شانها آویزان بود، یا وقتی که شانها هابرهنه بود- از گیره ها و حلقه هایی روی سینه می آویخت...» اما این برهنگی و بی عفتی هر زن رنسانسی را شامل نبود، این برهنگی بیشتر در خانواده های ثروتمند ظاهر بود، چرا که عامل اساسی انحطاط اخلاقی دوران رنسانس، ازدیاد ثروتی بود که اروپاییان بر اثر تجارت میان مغرب اروپا و شرق بدست آورده بودند، بر اثر گسترش ثروت، گناه بیشتر رواج داشت و مردان و زنان از اخلاقی که زائیده فقر و ترس بود، و حال با غرائز و وسائل آنان منافات داشت اعراض می کردند، در این میان، خانواده های اصیل عفت و پاکدامنی را هرگز فراموش نکرده اند و دختران خود را تا حدی از مردانی که به خاندان خودشان تعلق نداشتند، نسبتاً مجزا و دور نگه می داشتند، و قبل از زناشویی به آنها مزایای عفت تعلیم می شد، گاه این تعلیم آنچنان مؤثر می افتاد، که اگر به زنی تجاوز می شد، آن زن از شرم، دست به خودکشی می زد. ویل دورانت می



گوید: «زن جوانی پس از تجاوزی که به ناموسش شد، خود را در آب غرق کرد. آن زن بی شک منحصر به فرد بوده است، زیرا پس از او اسقفی در صدد برآمد تا مجسمه ای از او برپا دارد.» ----- ۱- تاریخ تمدن، ترجمه فارسی، ج ۱۷، ص ۸۶ ستا ۸۹.

## حجاب غرب در قرن معاصر

### تنزل و سقوط انسان در فرهنگ غرب

بیش از چهار قرن است که در اروپا خدا از صحنه زندگی غایب و محو شده و در کلیسا عزلت گزیده و تنها به آن جا اختصاص داده شده است. معنویت و انسانیت به حاشیه زندگی خزیده، و اسکلت و استخوان بندی فرهنگ و تمدن غرب، یک استخوان بندی مادی شده است. تاریخ چهار قرن اخیر غرب تاریخ نفی ارزشهای معنوی و متعالی است و تمدن غرب، جلوه یک زندگی است که در آن دیگر معنویت اصالت ندارد و انسان دیگر موجودی نیست که بتواند خلیفه خدا در زمین شود، در این تمدن، انسان از نظر وجودی هیچ فرقی با حیوان ندارد. چرا که این نظام، ماده را اصل می داند و هر ارزش فراتر از ماده را غیر علمی می شمارد و آن را توهم و خیال و روبنا حساب می کند. در چنین فرهنگی ارزش و اعتبار هر چیزی با این ملاک سنجیده می شود، که چقدر می تواند به انسانی که اساساً حیوان مادی است، لذت ببخشد و یکی از چیزهایی که می تواند به او لذت ببخشد، «تن انسان» است. انسان به غیر از و جز «تن» چیز دیگری نیست و این تن یکی از مهمترین آبخورهای لذت اوست. او در فرصت محدودی که تا مرگ دارد، باید از همه لذتها و از جمله این لذت، تا می تواند بهره مند شود. از نظر غرب، «انسان» ماشینی است که محرک او جز منافع اقتصادی نیست، دین و اخلاق و فلسفه و علم و ادبیات و هنر همه روبناهایی هستند که زیر بنای آنها طرز تولید و پخش و تقسیم ثروت است، همه اینها جلوه ها و مظاهر جنبه های اقتصادی زندگی انسان است. بعضی از غربی ها برخلاف عده ای دیگر که محرک انسان را منافع اقتصادی می دانستند، محرک و انگیزه اصلی همه حرکت ها و فعالیت های انسان را عوامل جنسی می دانند. آنها معتقدند اخلاق، فلسفه، علم و دین، هنر، همه و همه تجلیات و تظاهرات رقیق شده و تغییر شکل داده عامل جنسی وجود انسان است.

### نکته مهم

مسأله مهم در جوامع غربی این است که آنها به تعبیر قرآن، «خود را فراموش» کرده اند، از درون بینی و توجه به باطن و ضمیر خود غافل شده، و توجه خویش را تنها به دنیای حسب و مادی محدود کرده است. این طرز تفکر و بینش درباره انسان باعث شده که هر چه تمدن پیشرفت می کند و عظیم تر می گردد، انسان متمدن به سوی حقارت می گراید، این طرز تفکر درباره انسان موجب گشته که انسانهای واقعی را همواره در گذشته باید جستجو کرد و دستگاه عظیم تمدن امروز به ساختن هر چیز عالی و دست اول قادر است، جز به ساختن انسان. گاندی رهبر فقید هند می گوید: غربی برای آن مستحق دریاقت لقب «خدایی زمین» است که همه امکانات و موهبتهای زمین را مالک است، او به کارهای زمینی، قادر است که ملل دیگر آنها را در قدرت خدا می دانند، لیکن غربی از یک چیز عاجز است و آن تأمل در «باطن خویش» است، تنها این موضوع برای اثبات پوچی درخشندگی کاذب تمدن جدید کافی است. تمدن غربی اگر غریبان را مبتلا- به خوردن مشروب و توجه به اعمال جنسی نموده است، به خاطر این است که غرب به جای «خویشتن جویی» در پی نسیان و هدر ساختن «خویشتن» است. ۱. به همین دلیل، قوه عملی غربی بر اختراع و اکتشاف و تهیه ابزار و وسایل مدرن و جنگی، ناشی از فرار او از «خویشتن» است، نه قدرت و تسلط استثنایی وی بر خود... ترس از تنهایی و

سکوت، و توسل به ثروت و پول، غربی را از شنیدن ندای «باطن» خود عاجز ساخته است. محرک او در فتح و تسخیر جهان، ناتوانی او در، «حکومت به خویشتن» است. به همین علت غربی پدید آورنده آشوب و فساد در سراسر دنیاست... وقتی انسان روح خود را از دست بدهد، فتح دنیا به چه درد او می خورد... کسانی که انجیل به آنان تعلیم داده است که در جهان مبشر حقیقت و محبت و صلح باشند خودشان در جستجوی طلا- و برده به هر طرف روانند. به جای اینکه مطابق تعلیم کتاب آسمانی «انجیل» در مملکت خداوند در جستجوی بخشش و عدالت باشند، برای تبرئه سیئات و کردار سوء خود از حربه «مذهب» استفاده می کنند، و به جای نشر کلام الهی بر سر ملتها بمب می ریزند.»<sup>۲</sup> لذا در چنین فرهنگی که در آن، انسان پوک و پوچ است و از معنویت به دور است، رمز و رازی در وجود او نهفته نیست، و هر چه هست همان «تن و جسم» است و «دست و چشم» لباس چه شکلی می تواند داشته باشد پیدا است که «لباس» وسیله ای برای پوشش نیست، بلکه برای «آرایش تن» است. در چنین حال و هوایی که شخصیت زن نمایش «جسم» اوست، لباس او باید تنگ باشد، تا هم چون «لعاب» نازکی روی جسم او کشیده شود، و خصوصیات جسمانی او را محو نسازد، و باید کوتاه باشد، تا هر چه بیشتر تن او را نپوشاند. لباس نه خانه تن که «پوست دوم» اوست، و لباس به تن می کند تا به کمک آن بعضی از اندام خود را «قالب» و بعضی دیگر را «قاب» بگیرد. آنچه مدل لباس را تعیین می کند، روانشناسی جنسی است و این تنها لباس زنان نیست که تابع رابطه «چشم و جسم» است که لباس مردان نیز هست. کت و شلوار مردانه غربی که امروزه همه مردان می پوشند، این اندازه چسبیده به تن و به اصطلاح «قالب تن» است. این هم ناشی از مفهوم مسأله جنسیت در غرب است. این میل به «نمایاندن تن» است که حتی لباس مردان را این اندازه تنگ می سازد و به تن می چسباند. -----

--- ۱- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۰. ۲- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۳.

### زن در جامعه غربی و رابطه او با پوشش

بینش مادی و دنیوی غربی که از افق نزدیک خور و خواب و خشم و شهوت دورتر نمی رود، یک نظام اقتصادی متناسب با خود نیز ایجاد کرده است، که به منزله وسیله ای است تا جهان را با آنچه در آن است اعم از طبیعت و حیوان و انسان، هر چه بیشتر به «مصرف کردن و مصرف شدن» وادارد. زن در این جامعه که محکوم چنین «نظام اقتصادی» است، وسیله ای است که باید مصرف کند و مصرف شود. زن که فقط «جسم» است و «تن» باید مصرف کند و مصرف شونده باشد. به همین سبب شکل لباس او را نیز «جسم و تن» معین می کند. زن مظلوم ترین قربانی سرمایه داری غرب و در عین حال برنده ترین سلاح دست همین سرمایه داری است. اینک امروزه در غرب «برهنگی و عریانی» به جای زیبایی نشسته و «سکس» جای «عشق» را گرفته، ابتذال و تحریک جنسی نام «هنر» به خود گرفته است، زن به صورت حیوانی در آمده است که باید از جنسیت او، بی هیچ قید و شرط و حد و مرزی بهره گرفت. این حیوان که خود افسارش به دست دنیاداران حریص است، به نوبه خود افسار مردان را در دست دارد و این افسار، همان «نگاه مردان» است که آنان را غافل از همه چیز، برده وار به دنبال زنان می کشد و کار به جایی می رسد که اگر زندگی زن بسته به آن است که او را نگاه کنند، مرد نیز برای آن زنده است که زن را نگاه کند و از «نگاه» تا «گناه» راهی نیست. فاصله این دو حتی از تفاوت این دو کلمه نیز کمتر است که «نگاه» در حقیقت همان «گناه» است. نتیجه زن در نظام غربی، نه تنها وسیله ای برای مصرف شدن و مصرف کردن خود می شود، که وسیله ای برای مصرف هر چه بیشتر هر چیز دیگر می شود. برای اینکه لوازم خانگی یا ابزار آلات بهتر و بیشتر به فروش برسد، باید تصویر نیمه عریان یک زن در کنار آن باشد. مثلاً برای این که «لاستیک تراکتور» بیشتر به فروش برسد، باید تصویر نیمه عریان یک زن در کنار آن باشد، یا همه فروشندگان در فروشگاههای بزرگ باید از میان زنان جوان انتخاب شوند، و حتی در تبلیغات انتخاباتی مجالس قانونگذار «سکس و زن» وسیله تبلیغ کاندیداها قرار می گیرد. در چنین جامعه و فرهنگ که زن فقط «جسم» است و یک شیء است که مرد او را دائماً در دو کفه ترازوی «چشمان» خود می سنجد و



ارزیابی می کند، مفهوم پوشش و حجاب چه معنایی دارد. او که فرسنگها و در واقع نقطه مقابل پوشش قرار گرفته است، چگونه می خواهد این مسأله مهم و حیاتی را درک کند

### بازتاب و عملکرد سیستم افکار غربی در کشورهای مسلمان

بینش مادی و دنیوی نظام اقتصادی غرب تنها منحصر به سرزمین غرب نبود بلکه کشورهای جهان سوم نظیر الجزایر، ایران... را بخاطر توسعه اقتصادی خود و دست یابی به منابع و درآمدهای مهم و استراتژیکی این کشورها، فرا گرفت و فرهنگ معنوی و الهی آنها را تحت تأثیر فرهنگ غیر الهی و سرمایه داری تسخیر نمود، تمام ملکات و کمالات و روحیه معنوی آنها را سلب نمود و جز حیوانیت برای آنها چیز دیگری جایگزین نکرد.

### الجزایر و رابطه آن با حجاب

در هر جامعه، پوشش و نحوه حجاب که اساسی ترین شکل و قالب یک جامعه است، را می توان در ابتداء امر از روی نوع خصوصیات آن جامعه و فرهنگ آن را شناخت. مثلاً در جامعه عرب «چادری» که زنها بر سر می کنند و خود را با آن می پوشانند، مشخصه جامعه عرب می باشد. یکی از سنن پوشاکی جوامع ملی تونس، الجزایر، مراکش، لیبی و ایران «چادر» می باشد. در الجزایر چادر در عین اینکه نشان دهنده جامعه الجزایری است، همچنین ترکیب خاص محیط زنها نیز می باشد. زنان الجزایر، بهترین ساتر خود را چادر سفید یکنواختی می دانند، که همه آنها به صورت لباس متحدالشکلی دیده می شوند که هیچ تغییری در آن دیده نمی شود. به طور کلی و روشن علامت مشخص جامعه الجزایر «چادر نماز» است. به هر جهت، زن الجزایری در نظر بیننده «زنی است که خود را درون چادری می پوشاند.»

### محور مبارزه عظیم

بین سنوات ۱۹۳۵ - ۱۹۳۰ عده ای از مسئولین اداری فرانسوی در الجزایر مأموریت داشتند اصالت ملت الجزایر را نابود سازند. از طرف مراجع مربوطه موظف بودند مطلقاً تمام اصالت ملی را تجزیه کرده از بین ببرند. به همین جهت حداکثر کوشش خود را بر مسأله تغییر و نابودی «چادر» تمرکز داده، آنرا به منزله علامت اصالت ملی زن الجزایری تلقی کردند. در واقع این یعنی نابودی حجاب روش تمسکی بود برای رسیدن به همه چیز. در این زمینه ضرب المثلی است که گوید: «زنها را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد.» جامعه شناسان غرب معتقدند: جامعه عرب، جامعه ای برونگرا و متقید به آداب و تشریفات و متکی بر شخصیت جلوه می کند، در جامعه الجزایر که خطوط مشخصه ی آن پدرسالاری مطلق است، در ورای پدر سالاری ظاهری، مبنایی اساسی از مادر سالاری نیز وجود دارد. زن الجزایری در این جامعه رابطه بین نیروهای مخفی می باشد که اهمیت اساسی به خود می گیرد. به همین جهت دستگاه استعمار فرانسه، معتقد است: اگر بخواهیم به تار و پود جامعه الجزایری هجوم بریم و آنها را از بین ببریم و استعداد مقاومت او را مغلوب سازیم باید ابتدا زنها را تحت سلطه قرار دهیم. آنها معتقدند که باید برویم و زن را در پشت «چادری» که خود را با آن می پوشاند و در داخل خانه مرد او را مخفی می کنند، جستجو می کنیم. لذا «موقعیت و وضعیت زن» اساس و رکن فعالیتها قرار می گیرد، دستگاه استعمار بعد از آنکه تشخیص داد که «زن» محور اصلی و نقش اساسی مبارزه است، تمام کوشش و سعی خود را صرف، تسلط بر زنها و کنترل آنها می کند. برای این مبارزه مبلغ هنگفتی را اختصاص می دهد و امکانات فراوانی را آماده می سازد. آنها برای تحریک زنها شایع می کنند که متأسفانه زن الجزایری از طرف مرد به یک موجود بی تحرک، یک چیز بی ارزش تبدیل گردید، و حتی از بشریت خارج شده است. از این رو زنان الجزایری را دعوت می کنند تا در

تحول سرنوشت خویش «نقش مهم و اساسی» به عهده بگیرند، و آنها را ملزم می‌کنند که نقش تابعیتی را که قرن‌ها و سال‌ها نسبت به مردان داشته‌اند، درهم ریخته، بدان پشت پا بزنند. این رؤیای رام کردن جامعه الجزایری به کمک «زنان بی‌حجاب که شریک جرم اشغالگرند» تا سال ۱۹۵۹ از مغز رجال سیاسی استعمار بیرون نرفته است. مردان الجزایری نیز به نوبه خود، هدف انتقادهای کارفرمایان و دوستان اروپایی خود قرار می‌گیرند. یک کارگر اروپایی در منطقه کار یا کارگاه و یا اداره در روابط فردی خود از دوست کارگر الجزایری خود بارها می‌پرسید: «آیا زن تو چادری است چرا تصمیم نمی‌گیری مثل اروپاییها زندگی کند چرا زنت را به سینما، مسابقه و کافه نمی‌بری» و از طرف دیگر کارفرماهای اروپایی صرفاً به پرسش و یا دعوت اقناع نمی‌شوند، بلکه سعی می‌کنند تا الجزایری را در گوشه بن بستی به گیر بیندازد و از او اتخاذ تصمیم دردناکی را متوقع و یا انتظار ندارد. به مناسبت یک عید مثلاً- نوتل یا ژانویه- یا صرفاً به مناسبت یک جشن اختصاصی مربوط به مؤسسه کار فرما «کارمند الجزایری را به اتفاق زنت» دعوت می‌کند، این دعوت، یک دعوت عمومی نیست، بلکه هر الجزایری با مشخصات و نام، به دفتر هیأت مدیره خوانده می‌شود و در آنجا از او دعوت می‌شود که همراه «خانواده» خویش به جشن حاضر شود. به او گفته می‌شود که مؤسسه مانند یک خانواده بزرگ است، لذا درست نیست که او تنها و بدون همسر حاضر شود. الجزایری در برابر چنین دعوتی گاهی با لحظه‌های سختی مواجه می‌شود. به اتفاق همسر آمدن یعنی «بی‌بند و بار کردن همسر» و به نمایش گذاشتن او یعنی «رها کردن یک روش مقاومت» و از طرف دیگر تنها رفتن یعنی امتناع از جلب رضایت کارفرما و احياناً بیکار شدن بنابراین اروپایی برای اقناع و مغلوب کردن الجزایری کمینگاه‌های بسیاری گسترده است، و او را دچار تناقض و انجام کار عجیب و غریب می‌کند، و مجبور می‌کند که یا بگوید: «زن من چادر دارد و بیرون نمی‌آید» یا اینکه تسلیم آنها شود و بگوید: «چون شما میل داشتید زن مرا ببیند، او را آوردم، اینهاش». این رفتار فسادآمیز نشان دهنده تأثیرگذاری استعمار و تأثیرپذیری استعمارزده است.

### نتیجه بی‌حجابی زن الجزایری

مسئله نیروی اشغالگر که تمام امکانات و فعالیت خود را در مسأله چادر زنان الجزایری متمرکز کرده است، نتایجی هم بدست می‌آورد. استعمار در گوشه و کنار الجزایر، موفق می‌شود زن را به اصطلاح «رهائی بخشید» و در واقع بی‌حجاب نماید. از آن پس زنان «نمونه ای و آزمایشی» با چهره زننده و بدن عریان در محیط الجزایر (تحت سلطه فرانسه) حرکت می‌کنند. به دنبال این حرکت مرموزانه و مزدورانه استعمار یک سری از تعلیمات جدید بوجود می‌آید. اروپایی‌ها که از این راه پیروز شده‌اند، هر لحظه نگران این هستند که مبادا تلاشهایشان بی‌ثمر گشته و زنان به وضع اولیه برگردند. لذا این زنان را مانند کسی که به مذهب جدیدی گرایش پیدا کرده، تحت مراقبت و نظر دارند و اعمال و رفتار آنها را کنترل می‌کنند. از طرف دیگر استعمار و مسئولین حکومتی بعد از هر موفقیتی بیشتر متوجه می‌شوند که، زن الجزایری «تکیه گاهی» است برای نفوذ غربیان در جامعه بومی هر چادری که از سر زن برداشته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید. پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امید حمله و ر شدن اشغالگر ده برابر می‌گردد. افتادن هر چادری و تعویض هر پوششی، نشانگر این است که «الجزایری» به انکار وجود خویشتن آغاز کرده و هتک ناموس را از جانب اشغالگر پذیرفته است. با هر چادری که رها می‌شود، گویی جامعه الجزایر خویشتن را به مکتب ارباب خود تسلیم کرده و تصمیم می‌گیرد تحت رهبری وسلطه اشغالگر عادات و رسوم خود را عوض کند. واکنش زن الجزایری در آزمندی استعمارگر بر مسأله کشف حجاب قابل توجه است که سیاست استعماری در تجزیه جامعه الجزایری در زمینه فردی در ابتدا مسأله زنان را در ردیف اول مورد اهمیت قرار می‌دهد. لذا آزمندی استعمارگر و روشهای مبارزه او بطور طبیعی موجب واکنش مردم الجزایر می‌شود. این واکنش به آنجا کشانده می‌شود که یک مسأله بی‌اهمیت را که فقط صورت ظاهری و جلوه ای از فرهنگ بومی است، مورد اهمیت قرار گرفته در مقابل آن موضع گیری شود. حرص استعمارگر

برکشف حجاب زن الجزایری و غلبه او بر چادر باعث می گردد که این مسأله «تکیه گاهی» الجزایری قرار گیرد. چادر که در مجموعه ی فرهنگ الجزایری عنصری مرده است اما حملات و غلبه بر آن، به این عنصر مرده، حیات و زندگی می بخشد. در برابر این حملات استعمارگران، زنان الجزایری به مقابله و واکنش برخاسته، چادر را تقدیس می کنند. همانقدر استعمارگر علاقه به «نابودی چادر» و بی حجابی دارد و ابراز تنفر از آن می نماید، به همان اندازه تهدیدات و درخواستها موجب می شوند که الجزایریها از خود مقاومت نشان دهند و «چادر» را به عنوان یک عنصر ممتاز در وجود خود نگه دارند و از آن محافظت نمایند، تا سال ۱۹۵۵ در الجزایر مبارزات منحصر به مردان بود و زنان هیچ نقش نداشتند. اما با پیشرفت زورگویی اشغالگر، درندگی او و تعلق خاطر کلی که به ضبط سرزمین الجزایر داشت، رهبران الجزایری را بر آن داشت که از هیچ نوع مبارزه ای نگذرند. به همین جهت یک مبارزه همه جانبه و یک بسیج عمومی را ایجاد کردند. بدین منظور شرکت زنان را در این مبارزه الزامی دانستند و این شرکت برای زنان آزادانه نبود، بلکه با قیودی همراه بود. شرکت زنان باید به صورتی باشد که با حیثیت جنگ انقلابی هماهنگ باشد (با آرمانهای انقلابی) و از طرف دیگر یک زن همسان مردان فداکار و مسؤول یک عنصر فعال و ایده ال باشد، و دقیقاً بتواند از عهده فعالیتهایی که بر او واگذار می شود، برآید. بنابراین انقلاب الجزایر از زمانی اوج گرفت و پیش رفت که زن و مرد الجزایری که مدتها تحت نفوذ فرهنگ استعمار و روشها، لباسها، مدلهای استعماری بودند- به خودشان برگشتند و شروع به حیا ملت و فرهنگ خود نمودند و این زنان الجزایری بودند که با حفظ شخصیت اسلامی خویش نقش انقلابی خود را در همکاری با گروه های انقلابی مسلح الجزایر ایفاء نمایند و با حفظ حجاب در این صحنه خدمت بزرگ موفق گردند.

## عنوان دوم: موقعیت پوشش و حجاب از ایران باستان تا کنون

### فصل اول: پوشش زنان در عهد هخامنشی

به هنگام بررسی پوشش و حجاب زنان عهد باستان، به «اظهار نظرهای بسیاری برمی خوریم. به نقل از کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» زنان عهد هخامنشی چهره شان کاملاً دیده می شود. گیسوان بلندشان را پشت سر می آویختند و پیراهن شان مانند مردان پارسی بود. ۱. مؤید این مطلب اینکه اخیراً در مقبره های «پازیریک» واقع در اتحاد جماهیر شوروی سابق قطعه فرش کوچکی مشتمل بر مربع بدست آمده، که یکی از مستشرقین روسی به نام «رود نکه» آن را متعلق به عهد هخامنشی می داند. روی هر مترمربع صحنه ای مشتمل بر چهارزن که در مقابل آتشدان مشغول انجام مراسم مذهبی هستند، دیده می شود. در این نقوش، لباس زنان به رنگ زرد، قرمز و قهوای نشان داده شده است. بدن آنها سفید، چشم ها قهوه ای و موی آبی است و روی لباس آنان تزئیناتی دیده می شود. این فرش ظریف که هر سانتیمتر مربع آن از یک طرف بیست و دو گره و از طرفی دیگر بیست و چهار گره است، نشان میدهد که زنان آن عهد چهره خود را نمی پوشانیدند. ولی چنان که این فرش نشان می دهد زنان آن عهد از پارچه شل مانند می که روی سر می انداخته اند و حالتی شبیه به چادر داشته است، استفاده میکردند. ۲. ----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۶۲۲. ۲- زن به ظن تاریخ، ص ۱۱۵ و ۱۱۴.

### فصل دوم: پوشش زنان عهد اشکانی

#### اشاره

زنان در عهد اشکانی چنان که از نقوش و آثار بدست می آید دارای حجاب بوده اند، به طوری که علاوه بر اینکه پیراهن های بلند می پوشیده اند، بر روی آنها چادر هم سر میکردند، حتی بعضی از آنان در زیر چادرهای خود بر سر تاج های مخصوصی می

گذاشته اند.

### پیراهن زنان اشکانی

زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می کردند، با شنلی که بر سرافکنده می شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می آویختند. از پوششهای بسیار گرامی داشته سرکه شیوه ای نسبتاً پیچیده و بغرنج داشتند «نیم تاج» فلزی بود با دستاری بلند بر فراز آن که شنل یا نقاب بر روی آن افکنده یا بسته می شد مو را به شیوه یونانیان آرایش می کردند و از میان سر فرق باز می کردند. از دیگر لباسهای زنان اشکانی، پیراهن بلند تا به روی زمین، گشاد، پرچین آستین دار یا بدون آستین و یقه راست بوده است. پیراهنی دیگر داشته اند که روی اولی می پوشیدند. قد این پیراهن دوم نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سرمیکرده اند. پیراهن ها از پارچه های منقش، مخصوصاً قلابدوزی شده، تهیه می شده است. کفش ساده به پا می کردند. کمربند آنان منحصر به نواری بود که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر سینه ها می بستند. ۱ -----  
-- ۱- زن به ظن تاریخ، ص ۱۴۱.

### تاج زنان اشکانی

در موزه لوور، نقشی سنگی از زنی وجود دارد که از پالمیر پیدا شده است که تاجی جالب بر سردارد. تشکیلات تاج چنین است: دو روبرو صفحه ای فلزی مستطیل با نقوش برجسته دارد. در طرفین این صفحه جواهری بردو صفحه نصب است و این سه صفحه با هم چون کمربندی قسمت پایین تاج و بالای پیشانی را محاصره کرده اند. گیسوان این بانو ازدو طرف به سوی بالا و پشت سر جمع است. خود تاج از چندین رج کلاف حلقه ای روی هم چیده، تشکیل شده است، همه دو پهلو و پشت تاج را چادری گشاد پوشانده و سر و سینه او از میان آن، پیداست. ۱ ----- ۱- همان منبع، ص ۱۴۲.

### چادر زنان اشکانی

چادر زنان اشکانی به رنگهای شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلز بیضی منقوش یادگمه که بوسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بنداست. این چادر، به نحوی روی سر می افتاد، که تاج را در قسمت عقب و پهلوها می پوشانیده است. ۲- همان منبع، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

## فصل سوم: حجاب و پوشاک زنان عهد ساسانی

### اشاره

در دوره ساسانیان، وضع عمومی زنان مانند قرون پیش بود، یعنی غیر از زنان وابسته به طبقه اشراف که کمتر در بین مردم ظاهر می شدند، سایر زنان بدون پرده و حجاب زندگی می کردند. در مقایسه چندین نقش سنگی، به نظر می رسد که بانوان ساسانی، پیراهن بلند بسیار پرچین و گشاد می پوشیده اند و آن را با نواری در زیر سینه ها جمع کرده، می بستند.

### چادر زنان عهد ساسانی

زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین بر سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی

در بشقاب های نقره ای ساخته شده، می نماید که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده دارند.

## پوشش دیگر زنان عهد ساسانی

در طرح بشقابی که شاهزاده ای را در «بزم» نشان می دهد، دو زن را ساخته اند که هر یک دستمالی روی دهان خود به پشت سر بسته اند، و هر یک شلواری چون شلوار مردان به پادارند. «قبایی» پوشیده اند که تا به وسط ساق پا می رسد و قبا در جلو دامن سه چاک و در پشت نیز سه چاک دارد. بر سراسر دور دامن و چاک ها حاشیه بسته اند. ۱. در حدود چهارصد سال ساسانیان در ایران حکومت کردند. در زمان خسرو پرویز که مردی خودخواه بود و یکی از پادشاهان این سلسله بود پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) برای دعوت خسرو پرویز به اسلام، نامه ای به او نوشت. اما خسرو پرویز نامه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را پاره کرد. در همین زمانها بود که روز به روز وضع کشور بی نظم و بی سامان تر می گردد. به مرور ایام، در زمان خلافت یزدگرد سوم - نوه ی خسرو پرویز - خبر ظهور اسلام به گوش ایرانیان می رسد، از طرف دیگر مردم بخاطر وضع آشفته کشور از دستگاه حکومت ناراضی بودند، از سوی دیگر در مرزهای ایران، میان ساسانیان و اعراب مسلمان جنگهایی رخ می دهد. سرانجام سلسله ساسانیان به علت «قدرت ایمان سپاه اسلام» و «ناراضی بودن مردم ایران از پادشاه ساسانی» شکست می خورند، و تیسفون پایتخت ایران به دست مسلمانان در این جنگ فتح می گردد. مسلمانان با این فتح و پیروزی برای مردم ایران «یگانه پرستی، آزادی و برادری» را به ارمغان می آورند. مردم ایران به جهت برخورد و رفتار حسنه مسلمانان شیفته اخلاق و تعالیم اسلام می شوند. از این طریق اسلام آوردند. در برابر تعالیم اسلام از جمله «مسأله پوشش و حجاب» سر تعظیم فرود آوردند و تسلیم اوامر حق گشتند. با گذشت زمان، تمام تعالیم اسلام چون بذری همه جای ایران را فرا گرفت. از این طریق تمام مردم ایران بخصوص زنان زیر لوای اسلام و تعالیم آن، مقام قرب الهی را دریا فتند، و برای رسیدن به آن مقام سعی ها کردند. البته همانطوری که در مباحث قبلی گفته شد، زنان ایران بی حجاب و بدون پوشش نبودند، بلکه در هر عهدی پوشش مخصوص به خود داشتند که با ظهور اسلام حجاب آنها کامل گشت. در بخش «حجاب در عربستان» در مورد نظر اسلام درباره «حجاب و نحوه پوشش» سخن به میان آمدم، به علت عدم تکرار از بررسی آن در اینجا صرف نظر می کنیم. اما متأسفانه مسأله حجاب و نوع و پوشش اسلامی زنان تدام و نیافت. به مرور زمان فرمانروایی همچون مغول، تیمور... در گوشه و کنار مملکت اسلامی روی کار آمدند و خلافت را بدست گرفتند. آنها برای رسیدن به منافع مادی و شهوانی خود از هیچ چیز دریغ نکردند. از جمله «مسأله پوشش زنان» را نیز مورد هجوم قرار دادند که آخرین این هجومها از ناحیه رضاخان بود. و از این طریق بسیاری از تعالیم والای اسلام یا به دیار فراموشی سپرده شد و یا اینکه بطور کامل صورت نمی گرفت، با فضل الهی در صفحات بعد موضوع حجاب را نیز در این مورد ارزیابی می کنیم. ----- ۱-

زن به ظن تاریخ ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

## فصل چهارم: حجاب زنان ایرانی در عصر مغول

به نظر اشپولر «وضع و موقعیت زن نزد مغولان به مراتب آزادانه تر از جوامع عرب بوده است.» زنان مغول لااقل تا پایان قرن هفتم بی حجاب بودند. همسران بزرگان مغول، خصوصاً زنان اصلی فرمانروا، برای خود خیمه اختصاصی داشتند... موقعیت ممتازی که زنان نزد مغولان داشتند، در ایران بی تأثیر نبود، نقشی را که زنی چون ترکان خاتون در فارس به عهده داشت، و این که زنی در فارس به اتابکی رسید، حاکی از تغییر و بهبود نسبی وضع زنان است. این دگرگونی تا آن درجه بود که فخرالدین کرت فرمانروای هرات در حدود سال (۱۰۰۳ میلادی) خود را ناگزیر دید که با صدور قوانینی، لزوم «حجاب زنان» را که می رفت نقصان یابد، بار دیگر تأکید کند. ۱. و کلاویخو در سفرنامه خود در مورد «زنان در عهد مغول» می نویسد: «... در بعضی کاروان سراها که در آنها وسایل و

لوازم آرایش و عطریات زنان فروخته می شود، زنان به دکانها و حجره های آنان می آیند تا از آنها بخرند، زیرا این زنان عطر و روغن زیاد به کار می برند. جامه زنان در خیابان عبارت است از پارچه سفید که سراپای را می پوشاند و نقابی از موی اسب برچهره می افکند تا هیچ کس آنان را نشناسد. «لباس زنان در این دوره عبارت بود از: نیم تنه بلندی که در طرف چپ با یک دکمه و طرف راست با سه دکمه بسته می شده، و در روی سینه استر داشته است. همه زنان شلوار می پوشیدند و دارای پوششهای یک شکل بودند. طرز پوشاک زنان شوهردار، از نوع لباس دختران متمایز بوده است، که تمایز بیشتر در داشتن یا نداشتن کلاه بود، و زنان نمی توانستند بدون بر سر گذاشتن کلاه در ملاء عام ظاهر شوند. زنان شوهردار در روی پیراهن خود چیزی شبیه «کیمونی چینی» که بسیار گشاد بود، و جلوی آن تا پایین باز و آستینها نیز بسیار گشاد بود، و تا نوک پاها می رسید می پوشیدند. کلاهی که بر سر داشتند از جنس حصیر یا پوست درخت بود که انتهای آن در قسمت گوشها مربع شکل می شد، و هر چه پایین تر می آید گشادتر می گشت به دور این سرپوش پارچه ای چین دار دوخته شده بود که تا شانه می رسید. -----

۱- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۶۹۸ به نقل از کتاب تاریخ مغول در ایران، ص ۳۹۶.

### فصل پنجم: وضع حجاب در عهد تیمور

در دوران تیمور، زنان مخصوصاً- زنان غیر مسلمان- از حقوق و امتیازات بیشتری برخوردار بودند و زنان با روی باز و بدون حجاب در مجالس شرکت می کردند. کلاویخو درباره زنان عهد تیمور می نویسد: «شاهزاده خانمها برخلاف زنان مسلمه با روی باز و بدون حجاب در مجالس شرکت می کردند. زنان حرمسرا و شاهزاده خانمها مجاز بودند که خود سرانه مجلس جشن و سرور تشکیل داده، از مردان دعوت نمایند» ۱ ----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۰۲ به نقل از سفرنامه کلاویخو، ص ۱۶۱.

### فصل ششم: زنان در عهد اوزون حسن

کاترینوزنو، که در عهد اوزون حسن به ایران آمده است در مورد پوشش زنان این عهد می نویسد: در میان آنان رسم و عادت بر این است که بانوان راکسی نبیند، و اگر دیده شوند این بدان ماند که در میان ماکسی زنا کرده باشد. از این رو هنگامی که زنان ایرانی در شهر و دژ گردش می کنند، یا بر اسب سوار می شوند تا با شوهران خود به جنگ روند، روی خود را با توری که از موی اسب بافته اند، می پوشانند. و این تورچنان ضخیم است که از میان آن به آسانی می توانند دیگران را ببینند، اما روی شان راکسی نمی بیند...» ۱. ----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۰۲ به نقل از سفرنامه های ونیزیان در ایران، ص ۲۱۳.

### فصل هفتم: وضع پوشش زنان در عهد صفویه

در عهد صفویه، در اثر رواج تعصب و دخالت روحانیون، زنان ایران بسیار محدود و محجوب بودند، استاد فلسفی می نویسد: در زمان شاه طهماسب اول، که مردی متدین و درامر به معروف و نهی از منکر، سخت متعصب بود، زنان ایران بسیار محدود و محجوب بودند، از خانه مگر به حکم ضرورت، بیرون نمی آمدند و در کوی و برزن پیاده نمی گشتند، حتی در سواری نیز به فرمان شاه آزاد نبودند. شاه طهماسب فرمان داده بود که: «... در هیچ قسمت، زن بر اسب ننشیند، و اگر ضرورت اقتضاء کند، تا ممکن باشد بر زین سوارنشود، و لجام بدست نگیرد. و هر چند عجزه باشد در کنار معرکه قلندران و بازیگران مقام نکند...» ۱ بنابر بعضی از اقوال: در عهد صفویه، روبند بر روی انداختن و چادر به سرکردن، که از دوران پادشاهی شاه طهماسب رواج گرفته بود، در عهد دیگر سلاطین صفویه ادامه یافت. ۲ «شاه عباس» برخلاف جدش تا حدی به زنان آزادی داد، به طوری که در زمان او جز زنان



بزرگان و رجال کشور که بسیار کم از خانه بیرون می آمدند، زنان سایر طبقات در کوچه و بازار دیده می شوند. و حتی برای آنکه زنان هم از تماشای چراغان و آتش بازی و جشن های شبانه محروم نمانند، ایشان را در این گونه تفریحات وارد می کردند و یک یا چند شب از چراغان و آتش بازی ها را مخصوص زنان می ساخت. از سال ۸۱۰ هجری قمری نیز دستور داد که روزهای چهارشنبه هر هفته گردش چهارباغ و پل سی و سه چشمه اصفهان منحصر به زنان شهر باشد تا بتوانند با روی گشاده و بی نقاب در آنجا تماشا و تفریح کنند.»<sup>۳</sup> یک جهانگرد به نام «پی ترو دولواله» ضمن توصیف شکار شاه عباس در ماه جمادی الثانی سال ۱۰۲۷ در اطراف فیروزکوه می نویسد: «شاه عباس گاه با زنان خود تنها به شکار می رفت و در این گونه شکارها، زنان با روی باز بر اسب می نشستند، و مانند مردان با تیر و کمان یا شمشیر و تفنگ به شکار می پرداختند. شاه، زنان حرم را نیز به تماشا می برد. در این شب سربازان و مأموران شاه تمام مردان را از بازارها و میدانها و کوچه هایی که چراغان شده بود دور می کردند، و حتی کاسبان این قسمتها نیز دکانهای خویش را به زنی از نزدیکان خود می سپردند، و از آنجا دور می شدند...»<sup>۴</sup> -----

----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۰۳. ۲- زن به ظن تاریخ، ص ۱۹۷ و ۱۹۸. ۳- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۰۴ به نقل از زندگانی شاه عباس اول، ج ۲، ص ۲۳۱ و ۲۵۶. ۴- تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۰۴.

## فصل هشتم: حجاب زنان در عهد قاجاریه

### اشاره

در دوره قاجاریه تا حدی از تعصبات و حدود و قیود کاسته می شود. در این دوره، هر چند تعصب و سختگیری نسبت به مردان و زنان مانند دوران صفویه نبود، ولی به طور کلی در این دوره نیز قدم مؤثری در راه «آزادی زنان» برداشته نشده، با این حال از دوره فتحعلی شاه به بعد، در اثر آمد و رفت اروپائیان و مسافرت بعضی از افراد طبقات مرفه و ممتاز به اروپا به تدریج فکر «آزادی زنان» در ذهن مردم ترقیخواه و به ظاهر روشن بین ایران راه یافت. کنت گوینو در این زمینه میگوید: «در عهد ناصرالدین شاه حجاب زنان چندان جدی نبود، و این ملت با هوش و ظریف که برای هر مشکلی یک راه حل پیدا کرده، خیلی خوب با موضع حجاب کنار می آید و در گردشگاه های عمومی و باغها و مجالس روضه و تعزیه، زن و مرد تقریباً خوب یکدیگر را می بینند.»<sup>۱</sup> -----

----- ۱- تاریخ اجتماعی ایران، به نقل از «سه سال در ایران، ص ۶۲».

### از چه زمانی بی حجابی به ایران روی آورد؟

از اواخر دوره قاجاریه به بعد زمره هایی توسط آزادیخواهان و متجدد دین برای «آزادی زنان» و «رفع حجاب» از آنان، آغاز شد. پروین اعتصامی در این زمینه می گوید: در عدالتخانه انصاف زن شاهد نواست در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود در قفس می آرمید و در قفس می داد جان در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود از زروزیورچه سود آنجا که نادان است زن زیور و زربرده پوش عیب و نادانی نبود بعد از برقراری مشروطیت، کم کم صحبت «رفع حجاب» به میان آمد، مدارس دخترانه توسط زنانی پیشقدم باز شد و در این زمان پای زنان ایرانی به فرنک (اروپا) باز شد، و فکر آزادی زن به سبک غربی و رفع حجاب توسط زنان فرننگ رفته توسعه پیدا کرد. رفع حجاب جزء یکی از برنامه های آموزش و پرورش مدرسه های دخترانه بود. دخترانی هم که به این نوع مدارس می رفتند، تحت تأثیر این برنامه ها قرار گرفته و آرزوی بی حجابی می کردند. به مرور زمان انجمنهای مختلف زنان به این منظور تشکیل شد، که از آن جمله: «شرکت خواتین اصفهان» (اصفهان ۱۲۹۷ هـ ش) و «شرکت آزمایش بانوان» (رشت، ۱۳۰۰ هـ ش) که زنانی چون جمیله صدیقی و سکینه شبرنگ از مؤسسين آن بودند و «انجمن نسوان وطنخواه» (تهران ۱۳۰۰ هـ ش) به مدیریت

محترم اسکندری و هم چنین «بیداری نسوان» (تهران ۱۳۰۵ هـ ش) و «انجمن ترقی نسوان» (تهران ۱۳۰۶ هـ ش).

## فصل نهم: رضا خان و مسأله کشف حجاب

### اشاره

با روی کار آمدن آخرین پادشاه قاجار- احمد شاه- که فردی ضعیف و فرزند محمدعلی شاه مخلوع بود، سلسله قاجار که شاهان مقتدری داشت، به ضعف گرائید و پایه های آن متزلزل گشت. سلطنت احمد شاه با جنگ بین الملل اول و سپس انقلاب بلشویکی روسیه مصادف شد. دولت احمد شاه از دو طرف در خطر بود. از یک طرف نیروی نظامی ایران که به قشون نظامی قزاق معروف بود، تحت نظارت و فرماندهی افسران روسی قرار داشت. ۱. یکی از برجسته ترین افسران قزاق «رضا خان» بود که از چهارده سالگی وارد نیروهای نظامی شد و مستقیماً زیر نظر فرماندهان روس انجام وظیفه می کرد. از سوی دیگر قسمتی از خاک ایران در اشغال نیروهای انگلیسی بود که با وقوع انقلاب در روسیه، انگلیسها احساس خطر کردند. کوشیدند ----- ۱- قبل از انقلاب بلشو یکی در روسیه، روسها از قدرت و نفوذ زیادی در ایران برخوردار بود و مناطق شمالی ایران عملاً تحت سلطه و نفوذ آنها بود. ضمن قطع نفوذ روسها در ایران، نیرویی برای مقاومت در برابر حکومت جدید روسیه در این منطقه فراهم آوردند. «رضا خان» افسر قزاق در همین جریان توجه انگلیسی ها را به خود جلب کرد و با توصیه آنها به فرماندهی نیروهای قزاق گمارده شد. در این موقع رضا خان به حمایت انگلیس ها که در آن موقع از حکومت وقت راضی نبودند و خواستار یک دولت قوی در ایران بودند تا در عین حفظ منافع وسیع آنها با خطر کمونیسم هم مقابله نماید دست به کودتایی زد و از احمد شاه خواست که یکی از دو راه- تأیید حکومت کودتا و یا استعفای- را انتخاب کند. احمد شاه تأیید حکومت کودتا را ترجیح می دهد، و لی عملاً تمام قدرت و اختیار خود را از دست می دهد. سرانجام رضاخان بعد از چهار سال سلسله قاجار را برمی اندازد و خود در سال ۱۳۰۴ توسط مجلس مؤسسان به سلطنت برگزیده می شود. رضاخان هم این سلطنت را به نام پهلوی ۱ برای خاندان خود موروثی ساخت. این مرد عامی در مدت سلطنت خود که بیش از شانزده سال بطول انجامید، دست به کارهایی زد که بعدها پسرش آنها را ادا مه داد. بسیاری از این کارها مخالف شعائر مذهبی جامعه ایران بود، که از آن جمله می توان به «کشف حجاب و وادار ساختن زنان به برداشتن --- ----- ۱- انتخاب نام «پهلوی» برای این سلسله هم نکته قابل توجهی بود. پهلوی نام زبان باستانی ایران است و رضاخان با انتخاب این نام برای خود، نشان داد که سنن باستانی ایران را برسنتهای اسلامی مسلط بر جامعه ایران ترجیح می دهد. چادر و تقلید از طرز لباس پوشیدن غربی ها و تعطیل مراسم عزاداری و روضه خوانی» اشاره کرد. البته رضاخان خود به تنهایی در نابودی شعائر مذهبی به خصوص «کشف حجاب زنان» دخالت نداشت بلکه از پشت صحنه استعمار پیر انگلیس و دیگر رقبای آنها با او دست داشتند و از حمایت او دریغ نمودند. این ابرقدرتها چون بعد از جنگ جهانی دوم به صنعت و تکنولوژی پیشرفته ای دست یافته بودند و روز به روز کارخانجات و صنایع آنها افزوده می شد، انبارهای تولید کنندگان و سرمایه داران پر از تولیدات و مواجه با کمبود بازار مصرف داخلی شدند، در صدد بازاریابی جهانی برآمدند ولی تحقق این بازاریابی منوط به دو شرط بود: ۱- محظورات سیاسی وجود نداشته باشد، تا صاحبان صنایع بتوانند بدون هیچ مانعی کالاهای خود را در این بازارها بفروش برسانند. ۲- تقاضا وجود داشته باشند. استعمارگران و سرمایه داران برای تحقق شرط اول به قدرت نظامی- سیاسی متوسل شدند تا بدین وسیله بتوانند کالاهای بنجل؟ خود را در کشورهای دیگر بخصوص جهان سوم سرازیر نمایند و مواد اولیه و منابع طبیعی و زیرزمینی آنها را به یغما ببرند و برای اینکه شرط دوم محقق شود، وابستگی فرهنگی و غریزدگی شدیدی را در این کشورها رواج دادند و با تحمیل طرزفکر و زندگی غربی کوشیدند برای تولیدات خود تقاضا ایجاد نمایند. از طرف دیگر اعتقادات ملی- مذهبی این



کشورها سد و مانع بزرگی برای سوداگران استعماری به حساب می آمد، زیرا مسلمین با اعتقاداتی که داشتند به آسانی فریبنده فرهنگ غربی از قبیل: قمار، میگساری، مصرف فرآورده های غربی و... نمی شدند، به همین جهت استعمارگران اندیشیدند که اعتقادات اسلامی و تعصبات دینی و مذهبی مسلمانان را از بین ببرند یا متزلزل کنند. در این زمینه «مسترهمفر» جاسوس معروف انگلیس در خاطرات خود چنین می نویسد. «زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست، که در این صورت باید زنان مسلمان را فریب داده، از زیرچادر بیرون کشید، با این بیان که حجاب یک «عادت» است از خلفای بنی عباس، و یک برنامه اسلامی نیست! و لذا مردم زنان پیامبر را می دیدند که با زنان صدر اسلام در هر کاری با مردان شرکت می کردند. پس از آنکه زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان، فساد رواج یابد.»<sup>۱</sup> برای انجام این برنامه خطرناک یکی از مؤثرترین گامها از بین بردن «حجاب زنان مسلمان» توسط حکام دست نشانده داخلی بود. این اقدام خیانتکارانه در افغانستان توسط «امان الله خان» در ترکیه به وسیله (اتاتورک) و در ایران با عمل (رضا خان) انجام گرفت. که در هر سه کشور پی آمدهای شوم فرهنگی- اقتصادی- سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشت و مختصراً به این پیامدها می پردازیم: ----- ۱- یادداشتهای مسترهمفر، ص ۵۴.

### ۱- پیامدهای بی حجابی

#### ۲- پیامدهای فرهنگی و عقیدتی بی حجابی

در یک جامعه لباس هر انسان همچون «پرچمی» است که ملیت و مذهب- سنت و فرهنگ او را مشخص و روشن می کند. جوامع مختلف متناسب با بینشی که از هستی دارند و ارزشی که برای زندگی قائلند، سبک و اسلوب خاصی برای لباس پوشیدن انتخاب می کنند. چراکه لباس پوشیدن شأنی از شؤون انسان است و در هر ملتی رابطه مستقیمی با معنا و تعریف انسان در آن ملت دارد. در تمدن غرب که بینش آنها مادی است و معنویات از آنجا رخت بر بسته است، انسان نیز نوعی حیوان محسوب می شود و زندگی انسان در همین چند سال عمر او خلاصه می شود و دیگر هیچ. بدیهی است که هدف اصلی تنها «لذت طلبی» است و یکی از چیزهایی که می تواند به انسان لذت بخشد، «تن و جسم» انسان است. بنابراین در چنین تمدنی پیداست که لباس نیز وسیله ای برای پوشیدن تن نیست، بلکه برای آرایش آن است. در بینش اسلامی و کشورهای اسلامی، انسان تنها در «تن» خلاصه نشده، بلکه به مراتب والاتر از آن است. انسان یک موجود «خداگونه» است که هدفش تنها لذت طلبی نبوده، بلکه کمال خواهی معنوی است. به همین جهت تفاوت لباس در واقع تفاوت «دو جهان بینی» است و تبدیل و تغییر آن موقوف به تغییر و تعویض جهان بینی می باشد. از همین رو برداشتن «چادر» و «روسری» زنان و دختران متجدد و غربزده را ناچار به اتخاذ روش و مسلک دیگری نموده و ایشان را در مقابل دین و عقیده و فرهنگ خودی قرار می دهد. بنابراین یکی از پیامدهای شوم بی حجابی به بوجود آمدن «عقده و کینه ای» شدید نسبت به دین و اعتقادات مذهب و نظامی است که حجاب را برای زنان لازم و واجب دانسته است و هدف اصلی و اساسی استکبار جهانی و حکام دست نشانده آنان در کشورهای تحت سلطه از ابداع و اشاعه برهنگی و بی حجابی در بین زنان ناآگاه، در همین معنا مفهوم پیدا می کند.

#### ۳- پیامدهای اجتماعی

عمده ترین پیامدهای بی حجابی ایجاد تضادها و تنش اجتماعی بود که باعث فاصله بین قشر جوان غربزده با کل جامعه می شد. زنان و دخترانی که «روسری» و «چادر» را نفی می کنند، در واقع بین آنها و افراد نسل گذشته دیواری ایجاد می شود و باعث فاصله

گرفتن آنان از نسل پیشین (مادرو مادر بزرگ و...) فراهم می‌گردد. از یک سو نسل پیشین، این عده را منحرف «بی‌دین و لا مذهب» تلقی می‌کند و از سوی دیگر اینان بزرگان خود را «عقب افتاده» و «مرتجع» و «خرافات» می‌پندارند، لذا فاصله نسلی بیشتر و تنش‌های اجتماعی میان جامعه زیاد می‌شود. این جو باعث می‌شود تا همراه با رفع «حجاب» دختران غربگرا در برابر کل ارزشها و شیوه زندگی بزرگان خود عقده‌ای گردند و بدین جهت خود را در تقابل منش‌ها و گرایش‌ها و ارزشهای اجتماعی و خانوادگی دیده، در نتیجه در صدد مقابله و یا فرار از سنتها و معیارهای فوق برآیند. از آثار و پیامدهای دیگر بی‌حجابی در اجتماع، سست شدن «پایه‌های خانواده» و افزایش «میزان طلاق» از یک سو و گسترش فساد، فحش‌های و بیماریهای روانی و اخلاقی از سوی دیگر می‌باشد. در رژیم پهلوی یکی از علل و عوامل عمده افزایش طلاق و نابودی خانواده به جهت کشانیدن استمتاعات و التذاذهای جنسی زن و مرد به خارج از محیط خانواده و برداشته شدن حجاب و عفاف از میان زنان بود. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می‌گویند: «کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند: حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است، بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن (تمامی) نیروی اجتماع است.» حجاب و عفاف برای دختران و زنان جوان- حتی غیر مسلمان- به مثابه یک مانع ظاهری و سلاح مؤثر در پیشگیری از سرایت فساد و فحش‌های و مقابله با نا امنیهای اجتماعی و... به شمار می‌آید و به همین جهت رعایت حجاب و قائل شدن حائل بین زنان و مردان حتی قبل از ظهور اسلام در میان قبایل، طوایف و ادیان مختلف مورد توجه و مورد قبول بوده است.

#### ۴- پیامدهای اقتصادی بی‌حجابی

استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: «آیا اگر زن ساده و سنگین بدنال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم‌چران و بی‌اراده تبدیل کند عجب! به بهانه اینکه حجاب نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است با بی‌حجابی و بی‌بندوباری تمام افراد زن و مرد را فلج کرده‌اند.» نقش اجتماعی و اقتصادی این گروه از زنان عبارت است از: اسراف، تبذیر و افراط در خرید و مصرف لوازم آرایش، کیف-کفش-لباس و کالاهای غیر ضروری و هم چنین رونق بخشیدن به بازارهای مصرف محصولات سرمایه‌داران غربی و تقویت بنیه مالی زراندوزان داخلی و در نتیجه تضعیف و رکود فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در کشور لازم به تذکر است که به نظر اسلام فعالیت اقتصادی زن در بیرون از محیط خانواده تازمانی که منجر به انهدام کرامت، شخصیت والای او نشده و احیاناً وسیله اشاعه و ترویج فساد و رکود فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در جامعه نشود، مقبول و مشروع و در غیر این صورت مطرود و محکوم است.

#### ۵- ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴، اعلام رسمی رفع حجاب از زنان مسلمان از طرف رضاخان

شاه (رضاخان) در این روز به اتفاق همسر خود و دو دختر بزرگش که با لباس اروپایی و بدون حجاب به دانشسرای عالی رفت تاگواهی نامه فارغ التحصیل‌ها را به دست خود به دانشجویان بدهد. در این مراسم شاه خطاب به دانشجویان و فارغ التحصیلان می‌گوید: «من بی‌اندازه خوشحالم زنانی را در اینجا می‌بینم که در نتیجه تحصیل و آموختن دانش آمده‌اند و وضع و موقعیت حقیقی خود را ببینند، حقوق و منافع خودشان را بفهمند، همانطوریکه خانم تربیت خاطر نشان ساخت زنان کشور ما به علت کنار ماندن از جامعه» قادر نبودند استعداد و لیاقت ذاتی خودشان را نشان دهند. در حقیقت من باید بگویم، آنها قادر نبودند وظیفه‌ای را که نسبت به کشور محبوبشان برعهده داشتند، انجام دهند و با خدمت و صمیمیت خود را آنطوریکه باید و شاید بشناسانند، اما در حال

حاضر علاوه بر حق شخصی مادری، می توانند از حقوق و مزایای دیگر اجتماعی بهره مند گردند. ما نباید تصور کنیم که ممکن است نیمی از افراد ملت را به حساب نیاوریم و یا به عبارت دیگر نباید این نیت را داشته باشیم که نیمی از قوه عامله مملکت بیکار و عاطل و باطل بماند.... شما زنها باید این روز که روز سعادت و موفقیت شماست، روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید.... شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته اید باید بفهمید، وظیفه شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست، زیرا شما مریبان فرزندان این مملکت هستید و شما باید که باید نسل آینده را تربیت کنید.»<sup>۱</sup> رضاخان و دستگاه حاکمه او برای اجرای مأموریت مسخ فرهنگی ملت مسلمان ایران، اقدامات خشونت باری را انجام دادند، که این اقدامات بشرح ذیل است:

## ۶- اقدامات خشونت بار رضاخان

۱- ممنوعیت استفاده از کلاه پهلوی و اجبار در استفاده از کلاه تمام لبه یا شاپو و صدور فرمان «متحد الشكل نمودن البسه» در ۸ بهمن ۱۳۰۷ صادر شد و دستور جلب اشخاص بدون کلاه یا با کلاه پهلوی. ۲- فروغی، رئیس الوزراء- حداکثر مدت برای انعقاد مجالس ترحیم را دو ساعت تعیین و اعلام نموده است. ۳- برگزاری مجالس عزاداری و روضه موكول به کسب اجازه از شهربانی گردید که غالباً از دادن اجازه خودداری می نمودند. ۴- محصلین دختر مدارس از داشتن حجاب ممنوع شدند. ۵- کلیه کارگزاران حکومتی در هر منطقه ای موظف شدند همراه با همسران بدون حجاب خود در مراسم حاضر شوند. ۶- افسران ارتش از راه رفتن با زنان با حجاب ممنوع شدند. ۷- استانداران و فرمانداران و بخشیداران موظف به انعقاد مراسم متعدد و دعوت از روحانیون و افراد صاحب نفوذ به آن مراسم همراه ----- ۱- رضا شاه... یا ایران نو- ال پی ابول ساتن (مستشرق انگلیسی)، ترجمه عبدالعظیم صبور. با زنان بدون حجاب شدند. ۸- معلمان مجبور به حضور در کلاسهای بدون حجاب بودند. ۹- به نیروهای شهربانی دستور داده شد که با توسل به قوه قهریه حجاب را از سر زنان بردارند و حتی روسری نیز ممنوع شد. ۱۰- کلیه وسایل مسافرتی از قبیل قطار و وسایل درون شهری مثل ماشین ها و در شگه ها الزاماً از سوار کردن زنان با حجاب خودداری می نمودند. ۱۱- مأموران موظف به جلوگیری از حضور زنان باحجاب در اماکن زیارتی و مساجد بودند. ۱۲- از حضور زنان باحجاب در پارک ها، سینماها- تئاترها و هتل ها و سایر مراکز عمومی جلوگیری میشد. ۱ آنچه در تمام اقدامات فوق مورد توجه رضاخان بود پیشرفت برنامه «کشف حجاب» به هر صورت بود هر کس از دستورات سرپیچی نمود، مورد آزار و شکنجه تبعید و انفصال از خدمات دولت قرار می گرفت. ----- ۱- حکایت کشف حجاب، ص ۱۰.

## ۷- نظر امام خمینی در مورد روز ۱۷ دی

در این زمینه امام خمینی «قدس سره» در تاریخ ۱۷/۱۰/۵۷ می فرماید: «امروز هفده دی است. من یادم هست که هفده دی چه شرارتی کرده این آدم، چقدر به این ملت فشار آورد، چه اختناقی ایجاد کرد، چه محترمانی را هتک کرد، چقدر سقط جنین شد. در هفده دی چقدر مأموران این دژخیمان به این مردم تعدی کردند و به زنها تعدی کردند و زنها را از توی خانه بیرون کشیدند، این مال پدرشان که من نمی توانم شرحش را بدهم، آن کارهایی که کرده است نمی شود شرحش را داد. این در آن عالم معلوم می شود. این عالم نمی توانیم ما بفهمیم، نمی توانیم بفهمیم چه جانوری بود.»<sup>۱</sup> ----- ۱- صحیفه ی نور، ج ۴، ص ۱۵۳ به نقل از بیانات امام خمینی (ره) در مورد تبلیغات شیطنت آمیز شاه.

## ۸- هتاک و خشونت برای مبارزه باحجاب

در خاطرات صدر الاشراف آمده است: «در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی دادند و در معابر پاسابنها از اهانت و کتک زدن به زنهاییکه چادر داشتند با نهایت بی پروایی و بی رحمی فروگذار نمی کردند. حتی بعضی از مأمورین به خصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود، از سر آنها کشیده پاره پاره می کردند و اگر زن فرار می کرد او را تا توی خانه اش تعقیب می کردند، و به این اکتفای نکرده، اتاق زنها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می دیدند، پاره پاره می کردند یا به غنیمت می بردند.»<sup>۲</sup> محمدرضاشاه راجع به کشف حجاب در کتاب «مأموریت برای وطنم، اشاره دارد، می گوید «اقداماتی که پدرم برای ترقی و پیشرفت معنوی بانوان به عمل می آورد، طبعاً با مخالفت‌هایی مواجه می گردید، ولی با آن شهامت و دوراندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را همواره می ساخت. چنانکه مثلاً در سال ۱۳۰۷ که مادرم به زیارت عتبه منوره «حضرت معصومه علیها السلام» به قم مشرف شده بود، با وجود آنکه خود و همراهانش در نقاب بودند، ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود، از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن و توهین قرار گرفتند. به مجردیکه این خبر به تهران رسید، پدرم با چند کامیون سرباز به آن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصاً تنبیه فرمود... پدرم در آغاز به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۷ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه های خود و مجالس مهمانی به لباس اروپایی درآمدند وعده کمی هم جرأت کرده، بدون حجاب در خیابانها ظاهر می شدند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموزان داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانیکه حجاب داشتند، راه نمی رفتند. بالاخره در سال ۱۳۱۴ روز هفدهم دی پدرم با اعلام «کشف حجاب» قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادرم و خواهرانم خواست که بدون حجاب همراه، وی در یکی از جشن های مهم رسمی کشور حاضر شوند. جشن مزبور به مناسبت اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانشسرا فارغ التحصیل شده بودند، برگزار می شد و موقع بسیار مناسبی برای این تصمیم عمومی بود. تا آنجائیکه اطلاع دارم این اولین باری بود که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می جستند و پر واضح است که موقعیت در این آزمایش بزرگ مرهون ابتکار پدرم و تا درجه ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه و مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود، قیام کنند. اما رضاشاه می دانست که بسیاری از مردم ترقی خواه کشورم روحانیون دانشمند و کسانی که در خارجه یا در تهران در مدارس خارجی تحصیل کرده بودند، طرفدار تصمیم عاقلانه او هستند. اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد. به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادرو نقاب نداشت و اگر زنی با روبنده و چادر در کوچه پیدا می شد، پاسبان از وی تقاضا می کرد که رو بند خود را بردار، و اگر امتناع می کرد اجباراً چادر او را برمی داشتند.» سرانجام با اعلام رسمی «کشف حجاب زنان» از طرف رضاخان در سالهای قبل و بعد از ۱۳۱۴ جامعه ما با دو گروه مواجه بود. دسته ای که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و بدنبال آن بخاطر «آزادی» و «تساوی حقوق» تغییر لباس را نیز پذیرفتند. و گروهی دوم این تغییر لباس را قبول نکردند و دقیقاً آنها بودند که آن فرهنگ را نپذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح «ترقی» و «آزادی» و «تساوی حقوق» صد البته به اصطلاح غربی را نخورده بودند و همان هایی بودند که در برابر آن همه زور و قلدری مقاومت کردند. مسأله به ظاهر خیلی ساده بود، رضاخان می خواست زنان را از چادر بیرون آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مدرن کند، ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده، تا سر حد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن پیوشند اما لباس غربی نپوشند. راستی که دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه غرور انگیز در تاریخ ملت ماست. ماجرای دردناک مسجد گوهرشاد، سند افتخار ملتی است که تا پای جان می کوشد از معنویت و فرهنگ الهی خود دفاع کند. اینک به دو نمونه از این حماسه ها می پردازیم: ۲- حکایت کشف حجاب، ص ۱۱.

هنگامیکه رضاخان پهلوی، اعلام «کشف حجاب» کرد، مأمورین او به اجبار، چادر و روسری بانوان را می کشیدند و می دریدند، علماء و مردم، در گوشه و کنار کشور، با شیوه های مختلف، اعتراض کردند، از جمله جمعیت بسیاری، به عنوان اعتراض به هیأت حاکمه، در حرم حضرت رضا (علیه السلام) و در مسجد گوهرشاد که در جنب آن است، متحصن شدند، روحانی مبارز «بهلول» با سخنرانی های خود، به شدت به اقدامات شوم رضاخان، اعتراض نمود. فرمانده لشکر مشهد به نام سرتیپ «ایرج مطبوعی» (که در تاریخ ۲ مهر ماه ۱۳۵۸ اعدام گردید). جریان را به رضاخان گزارش داد، رضاخان فرمان داد تا سربازان و ارتشیان، وارد حرم شوند و مردم را بترسانند، و اخطار کنند که اگر مردم متفرق نشوند، بطرف آنها تیراندازی می شود. به دنبال این فرمان، رضاخان «سرتیپ البرز» را به مشهد فرستاد، به دستور سرتیپ مطبوعی و سرتیپ البرز، واحدهای لشکر مشهد وارد صحن شدند، و مردم را به گلوله بستند.... در این هجوم وحشیانه دژخیمان رضاخان، حدود ۲۵ نفر از مردم معترض را کشته و ۴۰ نفر مجروح شدند. به راستی جنایتی از این بالاتر می شود که، عده ای از مؤمنین که به حرم شریف حضرت رضا (علیه السلام) پناهنده شده بودند، به جرم دفاع از اسلام آن گونه کشته گردند و آنطور مورد هجوم وحشیانه قرار گیرند رضاخان و مزدوران او با تمام قوا کوشیدند چادر را از سر زنان بردارند، پاسبانهای آن زمان موظف بودند هر کجا زنی را با چادر دیدند، او را دنبال کنند و چادر و روسری از سر او بکشند و پاره کنند. فردی تعریف می کرد، که در شهر کوچکشان کاشمر رئیس شهربانی وقت، روی تپه مرتفعی در حاشیه شهر می ایستاد و با دوربین نگاه میکرد و تا از دور زن را با چادر در حرکت می دید به پاسبانه دستور می داد با اسب بتازد و او را بگیرد و چادرش را پاره کنند. چه بسیار زنانی که مأموران چادرهاشان را برداشتند و آنها از شدت غصه و ناراحتی دق کردند و مردند. چه بسیار زنانی که از هول و اضطراب سقط جنین کردند و چه بسیار مادران و مادر بزرگهایی که در همه آن سالهای وحشت و دیکتاتوری از خانه بیرون نیامدند و اگر توانستند در خانه حمام ساختند تا حتی برای این گونه موارد ضروری نیز ناچار به بیرون رفتن از خانه نباشند. این مقاومت و مبارزه تنها مربوط به بانوان و زنها نبود، بلکه بسیاری از مردان نیز در مقابل این دسیسه مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند، فردی میگوید در حدود سال ۱۳۴۶ در شیراز پیرمرد محترم معممی را در خانه اش ملاقات کردم که از سال ۱۳۱۴ یعنی از آغاز بی حجابی، تا آن زمان، پای خود را از خانه اش بیرون نگذاشته بود و بالاخره نیز به کوچه و خیابان نرفت تا از جهان رفت، چرا که پس از آنکه رضاخان جسم زنان را به کوچه کشانده بود، او بر خود حرام دانسته بود که چشم خود را به کوچه برد.

#### ۱۰- جلوگیری مردم مبارز، از ورود خانواده بی حجاب رضاخان به حرم حضرت معصومه «علیها السلام»

یکی دیگر از مقاومتها و مبارزات مردم بر علیه این دسیسه، جلوگیری مردم مبارز قم از ورود خانواده بی حجاب رضاخان به حرم حضرت معصومه «سلام الله علیها» است. واقعه به این قرار است که: دوره حکومت دیکتاتوری رضاخان بود، در عید نوروز سال ۱۳۰۶ شمسی - برابر با ۲۷ ماه رمضان ۱۳۴۶ هـ. ق - جمعیت بسیاری از اطراف و اکناف برای زیارت مرقد نور حضرت معصومه «سلام الله علیها» به قم آمده بودند، در این میان شایع شد که چند نفر از زنان خانواده رضاخان - یعنی همسر و دخترش شمس و اشرف - بدون حجاب وارد قم شده اند و می خواهند با همان وضع، وارد حرم گردند. این گستاخی و بی احترامی خانواده شاه، موجب خشم مردم گردید. یک نفر روحانی به نام «سید ناظم واعظ» مردم را به «امر به معروف و نهی از منکر» فراخواند، و احساسات دینی پاک مردم را تشدید می نماید. در این میان، خبر به یکی از علمای مجاهد و مدرسین بزرگ حوزه علمیه به نام «آیت الله شیخ محمدتقی بافقی» رسید، ایشان نخست برای خانواده رضاخان پیام داد که: «اگر مسلمان هستید، نباید با این وضع، در این مکان مقدس حضور یابید، و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید» زیرا کافر نباید وارد حرم شود. خانواده رضاخان، به پیام

آیت الله بافقی ترتیب اثر نداد، آن عالم ربانی شخصاً به حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) آمد، و به خانواده رضاخان شدیداً اخطار کرد، و همین برخورد، نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم بر ضد حکومت شاه گردد. از طریق شهربانی، به رضاخان اطلاع دادند که: «خانواده شما- همسر و دو دختر شما- به دستور روحانیون در اطاقی زندانی شده اند و به آنان اخطار شده حق ندارند بدون حجاب وارد حرم گردند.» رضاخان شخصاً با یک واحد نظامی به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، رضاخان قلدر با چکمه وارد صحن مطهر شد، «آیت الله بافقی» را مورد ضرب و شتم قرارداد، سپس با اشاره شاه دژخیمان آن عالم ربانی را دمر خوابانیدند و شاه با عصای ضخیم بر پشت او می زد، و او با فریاد می گفت: «یا امام زمان به فریاد رس». سپس به دستور رضاخان، «آیت الله بافقی» را مدتی زندانی کردند، و بعد از آن به شهر ری «تبعید نمودند، و تا آخر عمر تحت نظر اداره آگاهی، به عبادت اشتغال داشت تا از دنیا رفت.» ۱ آری مسأله حجاب، آنقدر با ارزش و با اهمیت تلقی می شد که همه مردم به ویژه علمای آگاه و ربانی برای حفظ آن قیام می کردند و به تبعید و زندان می رفتند. به هر حال اکثریت مردم در برابر کشف حجاب رضاخان مقاومت کردند و دستگاه حکومتی پهلوی علی رغم همه زورها و فشارهای اجتماعی و تبلیغاتی خود روز به روز خود را در این مسأله شکست خورده تر دید. دشمن اگر با هوش بود از همین مقاومت مردم در برابر کشف حجاب، می توانست میزان اعتقاد و وفاداری این مردم را به اسلام بفهمد. شاید هم فهمیده بود، اما چه می توانست بکند بالاخره دیدیم که همان زنان که اجازه نداده بودند رضاخان با برهنه شدن و تغییر لباس آنان، پرچم بیگانه را بر تن آنان بپوشاند، همان زنانی که سالها مقاومت منفی کردند و در خانه ماندند چهل و چند سال بعد، همراه با دختران و نوه های خود، با همان چادرها، یعنی با همان پرچمهای مسلمانی خود، قیام کردند و دوش به دوش برادران خود، در یک انقلاب خونین با برانداختن دودمان پهلوی، به سلطه فرهنگی رضاخانی نیز خاتمه دادند. ---

----- ۱- پوشش زن در اسلام، محمدی اشتهاردی، ص ۳۶.

### فصل دهم: مسأله حجاب و محمد رضا شاه

با شروع جنگ جهانی دوم، متفقین- شوروی، انگلیس، آمریکا- وارد ایران شدند. در این زمان اوضاع ایران از نظر سیاسی- اجتماعی- اقتصادی بسیار آشفته بود. استعمار پیر- انگلیس- که خود رضاخان را روی کار آورده بود وقتی اوضاع ایران را دید برای اینکه مبدا اندیشه- انقلاب اسلامی از جانب علماء و سر و صدای تحول دینی بطور گسترده در تمام کشور شایع شود مأمورانی به ایران اعزام نمود و با تبعید رضاخان به «جزیره موریس» محمدرضا را به جای او گذاشت. سرانجام محمدرضا در سال ۱۳۲۰ به حکومت رسید، ولی چون او جوانی بی تجربه و ناتوان بود برای انجام وظایف خود به یک مشاور قوی احتیاج داشت که در حدود ۱۴ سال اول حکومت او فردی به عنوان نخست وزیری از طرف انگلیس برای سرپرستی او انتخاب می شد. تا اینکه از سال ۱۳۳۴ به بعد به مدت قریب بیست و سه سال تقریباً با اختیارات یک سلطان مستبد و مطلق العنان در ایران حکومت می کرد، و پا جای پای پدر خود گذاشت و همان مسلک و روش پدر را دنبال کرد. او نیز همچون پدر، با عنوان فریب دهنده «حقوق» و «آزادی» زنان، مسأله کشف حجاب را دنبال کرد، هر چند همچون پدر نتوانست قاطعانه برخورد کند، او در کتاب خود «مأموریت برای وطنم» به این مسأله گوشزد می کند. و می گوید: «اشغال نظامی ایران در دوره جنگ دوم جهانی و مهاجرت پدرم، طبعاً اجرای برنامه های وسیعی را که او برای ترقی و تعالی زنان ایران طرح کرده بود، متوقف ساخت و به علاوه کم کم در افکار و عقاید ترقی خواهان نیز تحولاتی پدید آمد!! رضا خان اصلاحاتی را که در وضع اجتماعی زنان ایران بوجود آورده بود با اعمال قدرت دنبال می کرد و عاقلانه آن بود که، از آن پس اقدامات اصلاحی با رویه دموکراسی!! تعقیب شود تا نتیجه عالیتز عاید کشور گردد!! مسأله «کشف حجاب» نمونه ای از همان اقدامات اصلاحی بود و همین که پدرم از ایران خارج شد!! در اثر مقاومت مردم بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوطه به کشف حجاب عدول کردند، ولی من و دولت من از این تخطی چشم پوشی کردیم



که این مسأله را به مسیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم». ۱. لذا از دوران حکومت پهلوی - رضاخان و محمد شاه - تا قبل از انقلاب اسلامی، قشر زنان جامعه ما در کنار شعار «آزادی» و «تساوی حقوق» همچنان در بی حجابی بسر می برد، البته این بی حجابی مربوط به آنانی بود که شیفته فرهنگ غرب بودند و آرزویشان غربی شدن بود. و فکر متجدد شدن را در سر داشتند و در زیر لوای مترقی و متجدد شدن چه پیامدهایی - اجتماعی، فرهنگی، سیاسی - برای کشور خود خصوصاً برای قشر همسان خود به ارمغان آوردند. ۲. ولی عده بسیاری از زنان برای حفظ اصالت و حریم خود، زیر بار سلطه و فریبکاری و توطئه های شوم غرب و غربزدگان نرفتند، و «آزادی» و «حقوق» خود را در زیر لوای «پوشش» و «حجاب» می دانستند، و هرگز تن به این خواری و ذلت ندادند. بعد از چهل و چند سال مقاومت و ماندن در خانه با همان پرچمهای مسلمانی خود قیام کردند و دوش به دوش برادران خود در یک انقلاب خونین با برانداختن دودمان پهلوی به سلطه فرهنگ رضاخانی نیز خاتمه دادند. در پرتو این انقلاب اسلامی زنان جامعه ما توانستند «آزادی و حقوق» و «جایگاه و منزلت» اصلی خود را در یابند. در رابطه جایگاه آنان در این انقلاب همین بس که رهبر فقید و کبیر انقلاب «امام خمینی» (قدس سرّه) به ایشان مباحث کرده، می فرماید: «اینجانب به زنان پر افتخار ایران مباحث می کنم که تحولی آن چنان در آنان پیدا شده که نقش شیطانی بیش از ۵۰ سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاههای تبلیغاتی مزدور، را نقش بر آب نمودند و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه های شوم غرب و غربزدگان آسیب نخواهند پذیرفت. نقش زنها... در این نهضت (انقلاب اسلامی) از مردها بیشتر بوده است.... بانوان عزیز ما، اسباب این شدند، که مرد ها همه جرأت و شجاعت پیداکنند.» ۳ ----- ۱- حکایت کشف حجاب، ص ۱۲، به نقل از کتاب «مأموریت برای وطن» ، ص ۴۶۸. ۲- در مورد این پیامدها در صفحات قبلی توضیحات مختصری داده شد و به خاطر عدم تکرار در اینجا به آن مباحث نمی پردازیم. ۳- کتاب زن در کلام امام، ص ۲۶.

### فصل یازدهم: هشدار مهم: تهاجم بدحجابی

اینک زنان جامعه اسلامی ما که توانستند در پرتو انقلاب اسلامی مقام و منزلت و حریم و اصالت خود را بدست آورند و خود را از چنگال فتنه ها و دسیسه های دشمنان اسلام و غربگرایان نجات بخشند، باید از این زمان به بعد بیشتر هوشیار و زیرک باشند، چراکه استکبارم استعمار جهانی از پای ننشسته و برای رسیدن به اهداف خود از دربند کشیدن ملل مسلمان و تضعیف ارزشهای فرهنگی، ملی آنان دست برنداشته است. او اینک مسلح تر و هوشیارتر از دیروز وارد صحنه پیکار شده است. چرا که علاوه بر شکستی که دیروز از طریق انقلاب بر او وارد شد، از طریق تهاجم نظامی و لشکرکشی توسط دولت بعث عراق - نیز توانست به اهداف شوم خود برسد. از این جهت به خاطر رسیدن به اهداف از طریق تهاجم فرهنگی وارد میدان کارزار شده است و با استفاده از روش «بد حجابی» که گاهی از «بی حجابی» ضرر و زیان آن بیشتر است وارد صحنه شده است. لذا بر زنان امروز ما واجب است که همچون دیروز بسیار هوشیار و بیدار باشند که این طرح «بد حجابی»، نتایج آن مشابه «مسأله کشف حجاب» در زمان رضاخان است و پیامدهای آن چه بسا بیشتر از پیامدهای بی حجابی است بنابراین همچنانکه در آن زمان در صحنه بودند و فریب آن دسیسه های استعمار را نخوردند، و در مقابل آن ایستادگی و مقاومت نشان دادند، امروز هم باید بیشتر از دیروز در صحنه باشد و از خود مقاومت نشان دهند. چرا که دیروز جامعه و حکومت طاغوتی بود، ولی امروز جامعه ما یک جامعه اسلامی است. درقبال زحمات و تلاشها و با ریخته شدن خون هزاران شهید و مجروح بدست آمده است. لذا اینک رسالت جامعه مهمتر از دیروز است و مسؤلیت مهمی بردوش خود در برابر حفظ این خونها و آرمان ها دارد. خصوصاً قشر بانوان، که با استکبار برای رسیدن به مطامع خود انگشت روی آنان گذاشته تا از طریق دسیسه «بد حجابی» به آنها برسد. «بد حجابی» پوششی است در عین آنکه شکل و جنس

پوشش صحیح می باشد ولی نحوه استفاده و به کارگیری آن نادرست است. «زن بدحجاب» زنی است که از حجاب و پوشش حتی «چادر» استفاده می کند، اما نحوه استفاده صحیح از حجاب را اغلب به دلیل جهل و نا آگاهی و یا لابلایگری از روی غرض، رعایت نمی کند. اصولاً فلسفه ی حجاب، پوشیده نگه داشتن شیء محبوب از دید بیگانگان و غرض ورزان است- به همین جهت سر سخت ترین مخالفین حجاب، مردان مستکبر و شهوترانی هستند که حجاب را مانع لذت جویی چشم های هرزه خویش می بینند- اما چادر نازک و زرق و برق دار و توری و بدن نما و روسری و مقنعه آن چنانی، گذشته از آنکه مانعی برای دیدن به حساب نمی آید، موجب تحریک بیشتر افراد ناپاک می شود. به علاوه تصور بیشتر مردم کوچه و بازار این است که زنان بدحجاب نه از روی میل باطنی و اعتقاد مذهبی خود، بلکه از خوف و ترس متهم شدن به بی عفتی و لا مذهبی و قانون شکنی از این پوشش استفاده می کنند. در واقع آنها، زنانی «لوده و بی عفت» هستند که از حجاب به صورتی بسیار زشت و نامناسب، برای جلب نظر دیگران استفاده می کنند. و بعضی اوقات هم با حرکات زننده و غیر عادی و نگاهها و خنده های وسوسه انگیز، بر زشتی آن می افزایند. یعنی در واقع حجاب را که برای جلوگیری از مفاسد جنسی و اجتماعی باید مورد استفاده قرار گیرد طوری مورد استفاده قرار گیرد و به گونه ای مورد استفاده قرار می دهند که نقض غرض می شود و تحریکات و حساسیت ها را بیشتر می کند. این گونه زنان از آنهایی که بی حجاب هستند و چادر به سر نمی کنند و حتی از به اصطلاح مینی ژوپ پوش ها بدترند، چون آنها فقط برخی از اعضای بدن مثل سر و گردن و قسمتی از دست و پایشان عریان است، اما زنانی که «حجاب بد» دارند با پوشیدن نازکترین نوع لباس ها و ملون ترین و جذاب ترین آنها چادری بر سر می کنند تا در مواضع خاص و موقعیت های مناسب بتوانند خیلی بهتر و آشکارتر قسمت های حساس تر و وسوسه انگیزتر اندام خود را در جهت تخریب دل و ذهن افراد به نمایش بگذارند و ذهن و فکر جوانان را از سازندگی جامعه و کشور منحرف سازد و در عین حال به اصطلاح چادری و باحجاب جلوه دادن خود، مقدسات را به بازی بگیرند و پایه های اعتقاد و باوردیگران را بی اساس و سست نمایند. اینگونه زنان بدحجاب که اکثراً از طبقات متمول و رفاه طلب هستند، بزرگترین «خطر» را برای کیان اجتماع و سلب امنیت از جامعه زنان ایجاد می کنند و بزرگترین ضربه را نیز به قداست و حرمت «حجاب» وارد می سازند. اینک بر زنان که خواهان «حفظ عفت و عصمت» خویش می باشند و از حریم حجاب به عنوان «دژ امنیت» پاسداری می کنند، لازم و واجب است که بیش از همه طبقات اجتماع با این توطئه شوم غرب و غربزدگان- آنانی که با مقدس ترین ارزشهای اجتماعی زنان مبارزه می کنند و آرامش روانی آنها را در جامعه به مخاطره می اندازند- همچون مبارزات قبل از انقلاب در دوران حکومت پهلوی- بطور جدی و گسترده مقابله کنند. از طرف دیگر این «بدحجابی» فقط قشر زنان جامعه ما را در بر نمی گیرد. بلکه جوانان و نوجوان پسر و مردان در این توطئه شوم غرب دخیل هستند. آنها همچون دختران و زنان بی حجاب لباسهای ناجور و جلف و بدنما پوشیده و از طریق عبور یا ایستادن در معابر عمومی خیابانها اندام خود را به اغیار و غرض ورزان ارائه می دهند، زیرا اینها افرادی هستند که به جهت لاقیدی و کمبود شدید شخصیت و تمایلات جنسی و هوس آلود و ابتلای به عقده های روانی می خواهند از این طریق کمبودها و تمایلات خود ها جبران نمایند. لذا بر تمام اقشار جامعه به ویژه مسئولین دلسوز و متعهد هر اجتماعی- از جمله جامعه اسلامی ایران- واجب و لازم است، که با پدیده «بدحجابی» بطور جدی و اساسی برخورد نمایند. تا جامعه از لوث وجود اینگونه افراد که تمام ارزشهای عالی یک جامعه اسلامی را به ابتذال می کشاند، پاک شود. نکته مهم این است نقش اساسی در پاک کردن جامعه از لوث این افراد، زنان با حجاب و با عفت کامل است. باید آنان به این افراد بفهماند که رعایت دقیق حجاب به مصلحت خود آنها و تک تک افراد جامعه بوده، و مهمترین عاملی است که می تواند سلامت زن را در جامعه تأمین نماید، و راه نفوذ نظرهای پلید و مسموم بیگانگان را به حریم عفت آنان ببندند. به شرط آنکه زنان محجوبه و صالحه، خود نیز عملاً الگوی دیگر هم کسوتان خود باشند. و حجاب ظاهری خود را با عفت باطنی همراه سازند. زیرا همانطوری که حجاب کامل ظاهری امنیت خارجی زن و سلامت روانی مردان جامعه را تأمین می کند، عفت باطن نیز تضمین کننده سلامت و امنیت حجاب ظاهری می باشد.



لذا همراه با رعایت شرایط باطنی حجاب، باید از لباسهایی استفاده کرد که فاقد رنگهای پرزرق و برق و جالب توجه باشد.

## فصل دوازدهم: چادر بهترین پوشش و حجاب اسلامی و میراث فرهنگی ملی و اسلامی ماست

لغت «چادر» در ذهن به پوششی سیاه و یا رنگین بانقوش ریز و درشت اطلاق می شود و مورد استفاده بانوان در سده های اخیر بوده است. هنگام به کار بردن این لغت بایستی دقت شود و متوجه بود که به پارچه «چهار گوش» نازکی که زنان عهد هخامنشی بر سر می انداخته اند و یا «شنلی» خوش دوخت و زیبایی که زنان عهد اشکانی بر روی موهای کاملاً آرایش یافته با طلا و نوار و روبان می گذاشته اند، چادر گفته می شده است. لغت «چادر» بسیار قدیمی است ولی مفهومی دگرگون شده آن، آن را جدید می نمایاند. مراتبی که بر چادر، بخصوص «چادر مشکی» در این زمانه مترتب است در آن زمان اصولاً معنا و مفهومی نداشته است. زندگی زنان در اندرون و پستو و شبستان و گماشتن خواجه سرایان بر آنان که به اتفاق آراء مربوط به اشراف و شاهان بوده با قید حجاب و پرده نشینی سیستم خلفای اسلامی نیز متفاوت است. بنابراین چادر مشکی که انتخاب عمومی زنان مسلمان اکثر ممالک اسلامی است، می تواند یکی از بهترین نوع «حجاب» باشد، چادر مشکی که بدن زن را بطور یکنواخت می پوشاند، تأثیر به سزایی در کم شدن نظرهای سوء مردان داشته و می تواند مانع بزرگی در مقابل آنها باشد. اگر زنان محجبه و با عفت همه شرایط حجاب را رعایت نمایند، بر وقار و منزلت آنها افزوده می شود و حتی مردان لا ابالی هم در برابر آنها به شدت مراقب رفتار و برخوردهای خود می باشند. بیشتر دست و پای خود را جمع می کنند، بطوریکه کسی جرأت نمی کند مزاحمتی برای آنان بوجود آورد، تا چه رسد به اینکه مورد سوء ظن یا سوی قصد قراگیرد. این پوشش کامل- چادر- نه تنها مانع کار و تلاش و شرکت زن در کارهای اجتماعی نمی باشد، بلکه بر عکس تجربه زندگی میلیونها زن مسلمان در ممالک اسلامی در طول پانزده قرن و شرکت آنها در میدان کار و تولید و حتی جنگ و پیکار نشان می دهد، که زنان با همان حجاب شرعی خود می توانند با بزرگترین مشکلات زندگی مقابله نمایند، و اتفاقاً از زنان بی بند و بار بی حجاب هم موفق تر و مقاوم تر باشند.

## عنوان سوم: حجاب از دیدگاه کتاب و سنت

### حجاب از دیدگاه کتاب و سنت

پیامبر اسلام در طی ۲۳ سال رسالتش، اسلام و تمام احکام و عقایدش را در همان سالهای اول مطرح نکرد. ابتدا به تدریج یک جهان بینی فکری و توحیدی را طرح کرد، و تا ۳ سال هیچ کلمه ی دیگری به آن اضافه ننمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». و این اعتقاد ذهنی را اول از نسل خود آغاز نمود. تا اینکه سرانجام این فکر به تدریج گسترش پیدا کرد. و در ذهن ها ریشه دواند. و آمادگی حاصل گردید، و زمینه ی عمل به احکام فراهم شد. اول مسأله نماز مطرح گردید، که در ابتدا دو رکعت بود. بعد کم کم جامعه رشد کرد، تا اینکه مسأله «جهاد» مطرح گردید. هرچه آمادگی و زمینه ی مستعدتر می شد، احکام هم به تدریج پیاده می گردید، در سال پنجم هجرت و به قولی سال ششم و یا هفتم هجرت بود که آیه ی حجاب بر پیامبر نازل گردید.

### فصل اول: حجاب حق الهی

قبل از اینکه حجاب را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم به یک نکته ی مهم متذکر می شویم که حجاب زن حقی است الهی، و زن باید کاملاً این مسأله را درک کند که حجاب او تنها مربوط به «خود» نیست تا بگوید- من از حق خودم صرف نظر کردم- و یا حجاب زن مربوط به «مرد» نیست، تا مرد بگوید: «من راضی هستم». حجاب زن مال «خانواده» نیست، تا اعضای خانواده رضایت بدهند،

حجاب زن «حقى است الهى». لذا مى بینید، در جهان غرب و کشورهایى که قانون غرب بر آنها تسلط دارد، اگر زن همسر دارى آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آنها پرونده را مختوم اعلام مى کنند، اما در اسلام این چنین نیست، حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان مى باشد. همه ی آنها اگر رضایت بدهند قرآن راضى نخواهد بود. چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان «حق الله» مطرح است. و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد، اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک کرد و به دنبال غریزه و شهوت رفت، به همان فسادى مبتلا مى شود که در غرب ظهور کرد. به همین دلیل کسى حق ندارد بگوید: «من به نداشتن حجاب رضایت دادم» چرا که عصمت زن «حق الله» است و به هیچ کس ارتباط ندارد. مسلماً تمام اعضاى خانواده و اعضاى جامعه و خصوصاً خود زن «امین امانت الهى» هستند. زن به عنوان امین حق الهى از نظر قرآن مطرح است، یعنی این مقام را و این حرمت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داد و فرمود: «این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن.» آنگاه جامعه به صورتى در مى آید که نمونه بارز آن را در جامعه اسلامى قابل ملاحظه است. رهبر انقلاب در این زمینه مى فرماید: «حجاب زن و وجود یک محدودیت در رابطه با زن و مرد، حکم قرآنى است. مربوط به چند خبر واحد و حدیث نیست که بشود خدشه ای در آن وارد کرد. وقتى قرآن قرار باشد پیاده شود، باید حجاب رعایت شود. حالا درست است که در سطح دنیای اسلام یک کسانى بودند که گاهى حرفى را زدند و شعارى دادند. در کشور خودمان هم بوده اند کسانى که یک چیزى را گفته اند از روی بی توجهی، که هم مى خواهند مسلمان باشند و هم مى خواهند یک حکم صریح و روشن قرآن را زیر پا بگذارند، مگر چنین چیزى ممکن است حکم قرآن باید عمل شود.» ۱

-----  
 ۱- حجاب و آزادی، سازمان تبلیغات اسلامى، از بیانات رهبر انقلاب.

## فصل دوم: حجاب از دیدگاه قرآن

### اشاره

آیات مربوطه به حجاب در دو سوره از قرآن آمده است، سوره «احزاب» و سوره «نور».

### ۱- اولین آیه وجوب حجاب

مهمترین آیه ی حجاب در قرآن «آیه ۳۱ سوره ی نور» است که مى خوانیم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَفْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»؛ «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: دیدگاه خود را (از نگاه به نامحرم) فرو خوابانند و دامن عفت خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود را جزء آنچه قهراً آشکار مى شود، بر بیگانه آشکار نسازد، و باید بوسیله ی مقنعه و چادر قد سینه و گردن خود را بپوشانند، و زینت خود را آشکار نسازند جز برای شوهر (و سایر افراد محرم خود).»

### ۲- شأن نزول آیه

درکافی: از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروى است: «جوانى از انصار در کوچه هاى مدینه تصادف کرد با زنى که، مقنعه ی خود را پس گوش خود بسته، بنا به عادت آن زمان، چون آن زن از پهلوى جوان عبور کرد، جوان صورت، خود را برگرداند و سپس در پشت سر آن زن نظر مى کرد و به راه خود مى رفت. به پناهگاه سر کوچه ای رسید و پارهی استخوان یا شیشه بر دیوارى بود، بطرف صورت او برخورد، فرو رفته، خون جارى شد. با این حال خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) آمد، قضیه را بیان

نمود. آیه ی شریفه نازل شد. ۱ در این آیه شرح وظایف زنان را متذکر می شود. «محدوده ای که جایز است زنان نگاه کنند چه مقدار است» ----- ۱- ترجمه المیزان، ج ۵۱، ص ۳۶۱، و اقتباس شده از تفسیر اثنی عشری، ج ۹، به نقل از تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۳۰ به نقل از کافی.

### ۳- وظایف زنان

«وظیفه اول» پیامبر: امرکن به زنهای مؤمنه که اینها هم نگاهشان را کوتاه کنند. (این نگاه یک حکم طرفینی است) صاحب تفسیر اثنی عشری از نوادر راوندی- از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) روایت می کند: «روزی حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حجره ی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بودند، مردی کور وارد شد. حضرت فاطمه پنهان شد. چون مرد بیرون رفت، حضرت فرمود: «چرا حجاب نمودی و حال آنکه تو را نمی بیند» حضرت فاطمه (سلام الله علیها) جواب داد: «اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم و او بوی مرا احساس میکند.» «وظیفه ی دوم»: و فروجشان (دامان) را حفظ کنند. در تمام آیات قرآن مراد از حفظ فرج، حفظ آن از «زنا» است، اما در این آیه فروج یعنی «حفظ از نگاه حرام» است. در خصال شیخ صدوق ابن بابویه (ره) از حضرت پیغمبر (صلی- الله علیه و آله و سلم) روایت نموده: «حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده: شما شش چیز را از من ضمانت کنید تا من بهشت را برای شما ضامن شوم.» «۱- چون سخن گوئید، راست گوئید.» «۲- چون وعده کنید، به آن وفا نمائید.» «۳- چون امانتی به شما دهند، اداء نمائید.» «۴- آنکه فرجهای خود را از حرام نگه دارید.» «۵- چشم خود را از حرام محفوظ دارید.» «۶- دست خود را از لقمه ی حرام بکشید.» «۱ وظیفه ی سوم»: آنها نباید زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. «زینت» در اینجا، «مواضع و مکان زینت» است، یعنی جایی که زینت در آنجا قرار می گیرد. (مواضع زینت به اضافه زینت). زینت ها را ظاهر نکنید، مگر زینتهایی که خودشان ظاهر است. ----- ۱- تفسیر اثنی عشری- ج ۹.

### ۴- منظور از استثنای «الا مظهر منها» چیست؟

عده ای گویند: منظور لباس روئین زن آنچه قهراً پیدا است. بعضی گویند: منظور «صورت و دستها تا میچ» است و یا «صورت» تنها است. صاحب تفسیر اثنی عشری در تفسیر «الا مظهر منها» گفته است: «مگر آنچه ظاهر شده از آن زینت، به وقت قیام نمودن به حوائج مانند: انگشتر- اطراف جامه- و سرمه ی در چشم و عفاف در دست، چه پنهان کردن موجب حرج است.» در این مورد نظرات و اقوال متعدد است، ولی آنچه لازم به تذکر است، این است که اصل حجاب و پوشیدن بدن و موطبق آیه فوق مورد اتفاق همه است. و در مورد «چهره و دو دست» باید یا خود انسان مجتهد باشد، و نظر خود را از روی اجتهاد از آیه ی فوق با توجه به آیات دیگر- و روایات و گفتار اهل لغت استنباط کند، و یا اگر مجتهد نیست، نظر مرجع تقلید خود را ملاک قرار دهد. مراجع تقلید که در این عصر هستند، همه اصل حجاب و پوشیدن را از «ضروریات دین» می دانند. درباره ی این استثنای از ائمه اطهار (علیهم السلام) زیاد پرسش شده است، و آنها جواب داده اند: ۱- از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که مقصود از زینت آشکار که پوشیدنش برای زن واجب نیست، چیست حضرت فرمودند: «زینت آشکار، عبارت است از: سرمه و انگشتر.» ۱- ۲- امام باقر (علیه السّلام) فرمودند: «زینت ظاهر، عبارت است از: «جامه، سرمه، انگشتر، خضاب دستها، انگو» سپس فرمودند: «زینت سه نوع است: «۱- برای همه ی مردم است و آن همین است که گفتیم.» «۲- برای محرم هاست و آن جای کردن بند به بالاتر و جای ----- ۱- اقتباس شده از کتاب مسأله حجاب، به نقل از دوره ی کافی، ج ۵، ص ۵۲۱. بازوبند به پائین و خلخال به پائین است.» «۳- زینتی است که، اختصاص به شوهر دارد و آن تمام بدن زن است.» ۱- ۳- ابو بصیر می گوید: از امام

صادق (علیه السلام)، تفسیر «الا ما ظهر منها» را خواستم. فرمود: «عبارت است از: «انگشتر و دست بند» ۴۲- ابن عباس که چهره ی معروف مفسرین و صحابه است. جمله ی «الا ما ظهر منها» را به «چهره و دو دست تا مچ» تفسیر کرده است. ۳- به هر حال این روایات می فهماند که، برای زن پوشانیدن «چهره و دستها تا مچ» واجب نیست حتی آشکار بودن آرایش های عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد، نظیر: «سرمه و خضاب» که معمولاً زن از آنها دوری نمی کند. این مطلب را نباید از نظر دور داشت که مسأله ی «حرام بودن نگاه به صورت و دستهای زن نامحرم» با مسأله ی «لزوم پوشیدن صورت و دستها» برای زن، دو مسأله است. هرگاه پوشش «وجه و کفین» واجب باشد، حتماً نظر نامحرم به «چهره و دو دست» هم حرام خواهد بود، ولی از آن طرف ملازمه نیست، ممکن است نظر به «وجه و کفین» زن حرام باشد، ولی پوشیدن آن برای زن واجب نباشد. ----- ۱- تفسیر اثنی عشری، سوره نور، ذیل آیه ۳۱. ۲- تفسیر اثنی عشری، ذیل آیه ۳۱ سوره نور، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی. ۳- اقتباس از کتاب، پوشش زن در اسلام، ص ۱۱. در مسأله «نظر»، همه ی علمای بزرگ و مراجع معروف تقلید معاصر می فرمایند: «احتیاط واجب آن است که، مردها به «صورت و دستها تا مچ زن نامحرم نیز نگاه نکنند.» (و بعضی حرام بودن نگاه به صورت و دو دست را خالی از قوت نمی دانند.) ۱ «وظیفه ی چهارم»: «آنها باید روسری خود را از جلوگره بزنند و این زیباییهای سر و سینه را بپوشانند.» از این جمله استفاده می شود که: زنان قبل از نزول آیه، دامنه ی روسری خود را به شانه ها یا پشت سر خود می افکندند. بطوریکه گردن و کمی از سینه ی آنها نمایان می شد. قرآن دستور می دهد: «روسری خود را برگریبان خود ببندازند، تا هم گردن و هم سینه که بیرون است، پوشیده شود.» ترکیب لغت «ضرب» با لغت «علی» این معنی را می رساند که: چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند بطوری که مانع و حاجبی بر او شمرده شود. «وظیفه ی پنجم»: «آنها نباید زینت خود را آشکار سازند، مگر در دوازده مورد:» در اینجا باز استثنایی وجود دارد. استثنای اول، مقداری از زینت را نمایان بودن آن نسبت به عموم افراد جایز است، معین کرد. اما این ----- ۱- اقتباس از کتاب، پوشش زن در اسلام، ص ۱۲. استثناء، اشخاص معین را نام می برد، که اشکار نمودن مطلق زینت برای آنان جایز است، در استثناء اول دامنه موارد استثناء از نظر مواضع تنگتر، و از نظر افراد وسیع تر است، و در استثناء دوم بر عکس است. غالب این اشخاص که در آیه نام برده شده اند، همان کسانی هستند که در اصطلاح فقه به نام «محارم» خوانده می شود. ۱- برای شوهرانشان «الابوعولتھن» ۲- یا پدرانشان «او آبائھن» ۳- یا پدر شوهرانشان «او آباء بوعولتھن» ۴- یا پسرانشان «او ابنا ئھن» ۵- یا پسران همسرانشان «او ابناء بوعولتھن» ۶- یا برادرشان «او اخوانھم» ۷- یا پسر برادرشان «او بنی اخوانھن» ۸- یا پسران خواهرانشان «او بنی اخوانھم» ۹- یا زنان هم کیشان «او نسائھن» ظاهر این است که در مقابل زنان غیره مسلمان باید «حجاب» داشته باشیم. چون اینها برای شوهرانشان تعریف می کنند. در این کلمه ی «نسائھن» ۳ احتمال داده شده است: ۱- این که مراد «زنان مسلمان» هستند. بنابراین مفهوم آیه این است که، زنان غیر مسلمان نامحرم می باشند، و زن مسلمان باید خود را از ایشان بپوشاند. ۲- اینکه مراد «مطلق زنان» است، خواه مسلمان یا غیرمسلمان. ۳- اینکه مراد «زن هایی است که در خانه هستند مانند زنان خدمتکار». بنابراین مفهوم آیه این است که، هر زنی به غیر از زنان داخل خانه به سایر زنان نامحرم است، این احتمال به کلی مردود است. زیرا یکی از مسلمات و ضروریات اسلام این است که، زن به زن محرم است. احتمال دوم، نیز ضعیف است. زیرا که در این احتمال نکته ای برای ذکر اضافه «نساء» به ضمیر وجود ندارد ولی طبق احتمال اول، نکته ی این اضافه این است که زنان کفار بیگانه هستند و از خودشان نمی باشند. حقیقت این است که احتمال اول قوی تر است. و روایات هم بر طبق آن وارد شده که، برهنه شدن زن مسلمان را در برابر زنان یهودیه یا نصرانیه منع کرده است، از این روایات استفاده شده است به این که زنان غیر مسلمان ممکن است زیبایی زن مسلمان را برای شوهران یا برادران خود توصیف کنند. ۱۰- یا بردگانشان «او ماملکت ایمانھن». یعنی کنیز و- غلامهایی که از کفار به اسارت گرفته می شوند، و در خانه مسلمانان کار می کردند. ۱۱- یا بچه هایی که تمایل به زن ندارند «اوالتابعین غیر اولی الاربه» یعنی افراد سفیه و ابلهی که میل جنسی ندارد. «اربه» از ماده «ارب

«گرفته شده است، به معنی «شدت احتیاج» است که، انسان برای برطرف ساختن آن چاره جویی می کند. ۱۲- یا کودکانی که از عوارت زنانی آگاه نیستند. «او الطفل الذین لم یظهر و اعلی عورات النساء» یعنی اطفالی که به حد بلوغ نرسیدند. «ال طفل «ال» استغراق است یعنی همه ی بچه ها. بچه هایی که نه قدرت جنسی دارند، و نه آگاهی و میل جنسی دارند.

## ۵- دومین آیه در حجاب

یکی دیگر از آیاتی که در قرآن دلالت بر وجوب حجاب و برای زن می کند. آیه ۵۹ سوره ی احزاب است که می خوانیم: «یا ایها النبی: قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلا بیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین... ۱» ای پیامبر به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که: خویشان را به «جلباب» «چادر و در عبا» پوشانند، که این کار را به خاطر آنکه به عفت شناخته شود و کسی متعرض آنها نشود، برای آنها بسیار بهتر است.»

## ۶- نکات مربوط به آیه

در این آیه چند نکته ی مهم مورد توجه است: اولین نکته «معنای جلباب» است که مفسران و اهل لغت بر آن اختلاف نظر دارند. در مفردات راغب «جلباب» به معنای «پیراهن و روسری» است. در قاموس آمده است: «جلباب عبارت است از: پیراهن و یک جامه ی گشاد و بزرگ، کوچکتر از ملحفه و یا ملحفه (چادر مانند) که زن بوسیله ی آن تمام جامه های خویش را می پوشد، یا چارقد.» در لسان العرب می خوانیم: «جلباب، جامه ای است از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر، زن بوسیله ی آن سر و سینه ی خود را می پوشاند.» علامه طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه ی فوق می گوید: «جلباب، عبارت است از، روسری که هنگام بیرون رفتن از خانه به وسیله ی آن سر و صورت خود را می پوشاند.» صاحب تفسیر اثنی عشری می فرماید: «لباس مختص زنان مؤمنه که از جمله ی آنها «جلابیت» باشد. عبارتند از: ۱- درع «پیراهن زن» ۲- مقنعه «سرانداز» ۳- خمار «سر پوش» ۴- ملحفه «چادر» ۵- جلباب: چادر روی خمار که تعبیر به «ثبات ظاهره» کنند، و زنها به آن سر و بدن، بلکه اندام تا قدم را به آن می پوشند. و بعضی ها گویند: منظور از «جلباب» چادر یا عبا است که همه ی بدن را می پوشاند.

## ۷- چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد؟

در تفسیر ابن کثیر آمده: «ام سلمه روایت کرده، وقتی که آیه فوق نازل شد، زنان طایفه انصار جامه های پشمی سیاه به سر می کردند، و در سیاهی مانند زاغها بودند، و با همین وضع از کنار رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) عبور می کردند رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در این مورد به آنها اعتراض نکرد، و همین دلیل تقریر و امضاء آن حضرت است، و تقریر او مانند قول او «حجت» می باشد.» ۱ از اینجا جواب سؤال روشن می شود که گویند: «چادر سیاه سر گرفتن زنها از کدام زمان سر چشمه گرفته است» «لذا همانطور که ملاحظه می شود در مورد «جلباب» نظرات مختلف است و آنچه صحیح تر به نظر می رسد، این است که در اصل کلمه ی «جلباب» شامل هر جامه ی بلند می شده است، ولی غالباً در مورد روسریهایی که از چارقد بزرگتر و از ردا (عبا) کوچکتر بوده است، به کار می رفته است. از اینجا روشن می شود که برای زنان دو نوع روسری معمول بوده است: یک نوع روسری های کوچک که آنها را «خمار یا مقنعه» می نامیده اند و معمولاً در هر خانه از آنها استفاده می کرده اند، نوع دیگر روسریهای بزرگ که مخصوص خارج منزل بوده است. در آیه به دنبال جلباب کلمه ی «ادنی» دیده می شود، منظور از نزدیک کردن جلباب چیست؟ مراد از نزدیک ساختن جلباب، پوشیدن با آن می باشد، یعنی وقتی می خواهند از خانه بیرون بروند، روسری بزرگ خود را با خود بردارند، و خود را با آن پوشانند و بی اثر و بی خاصیت آن را رها نکنند و صرفاً جنبه تشریفاتی نداشته باشد. همچنانکه

در عصر حاضر بعضی بانوان چادری را می بینیم که «چادر داشتن» آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد، با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، و از اینکه مورد بهره برداری چشم قرار بگیرند امتناعی ندارند بر خلاف افرادی که با مراقبت جامه های خود، آن را رها نمی کنند که نشان می دهند اهل عفاف و حفاظ هستند. نکته ی دیگر آیه، بحث در علت و فایده ی این دستور ذکر شده که: «شناخته شوند و مورد آزار واقع نشوند» است. در این مورد نظرات مختلف است و آن چه به نظر صحیح تر می رسد، نظر شهید علامه مرتضی مطهری است که می فرماید: «وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود، و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض آن ها شوند.» بنابراین زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، تا بیماردلان از آنها مأیوس گردند و فکر بهره کشی از آنها در ذهن شان خطور نکند. ----- ۱- تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۷۵.

## فصل سوم: لزوم و ارزش حجاب از دیدگاه سنت

### اشاره

پیشوایان و رهبران اسلام که همواره روشنی بخش و هشدار دهنده بودند، و مسلمین را به راه سعادت راهنمایی کرده، و از خطرات سقوط هشدار می دادند، در مورد «پوشش و حجاب» زنان نیز به خاطر اهمیت آن بطور مؤکد، دستوراتی فرموده اند. در این زمینه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بیاناتی دارند از جمله، می فرمایند: «انما مثل المراه الصالحه مثل الغراب الاعصم الذی لا یکاد یقدر علیه» ۱ «زن با عفت و صالح و محبوب مثل کلاغ اعصم می باشد که کسی را قدرت دسترسی به آن نیست.» قدر مسلم برترین ویژگی اجتماعی زنان صالحه در داشتن حجاب شرعی است. (چادر مشکی که بدن زن را بطور کامل و یکنواخت می پوشاند و مانع بزرگی در مقابل نظرهای سوی مردان می باشد) که چون دژ محکم و بلند، امنیت آبرویی آنها را حراست می کند و سلامت روحی و رفتاری مردان را نیز پاس می دارد. در جای دیگر در مورد نحوه ی پوشش می فرمایند: «لا ینبغی للمراه ان تجمر ثوبها اذا خرجت من بیتها». برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش، لباس خود را جمع و فشرده کند. ۲ «ان خیر نسائکم... المتبرجه مع زوجها الحصان علی غیره» «بدرستی که بهترین زنان شما زنی است که... زینت بدن خود را نزد شوهر مکشوف و از نامحرم محفوظ و مستور سازد.» ۳ در بیانی دیگر می فرماید «ألا اخبرکم بشرار نسائکم... المتبرجه اذا غاب عنها بعلمها الحصان معه اذا حضر». ----- ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲۰-۲- دوره ی کافی، ج ۵، ص ۵۱۹. «می خواهید بدترین زنان را به شما معرفی کنم... زنی که در اوقات غیبت شوهر آشکارا از خانه بیرون رود و خودنمایی کند و در هنگام حضور شوهر خود را از او بپوشاند.» ۱ همانطور که در آیین اسلام سفارش شده که در مورد روابط اجتماعی، معاشرت ها و برخوردها بین زن و مرد فاصله ای باشد و انحطاط زن و مرد را اجازه نداده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز در این زمینه سفارش هایی را نموده اند از جمله: «لیس للنساء من سراه الطریق ولكن جنیبه» «برای زن روا نیست (مکروه است) که در وسط راه، راه برود، بلکه رواست در دو طرف کنار راه حرکت کند.» ۲ «باعدوا بین انفاس الرجال و النساء فانه اذا کانت المعاینه و اللقاء کان داء الذی لا دواء له» ۳. بین مردان و زنان فاصله و جدایی اندازید (نگذارید مختلط با هم باشند) زیرا به هنگامی که ملاقات و مشاهده و روبرویی علنی مردان و زنان در جامعه ای باشد، دردی خواهد شد که برای آن دواهی نیست. بنابراین خانمها و بانوان می توانند در بیرون خانه رفت و آمد کنند، ولی به شرط آنکه با مردان اختلاط و برخورد نداشته باشند، زیرا همین اختلاطها مقدمه ی ارتباطها و فتنه ها و شکستن حریم عفت و پاکدامنی آنها می شود. لذا از نظر حضرت حضور زن در اجتماعات با حفظ حجاب و عفاف جایز است. ----- ۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۵۶، اقتباس از کتاب «فاطمه (علیها السّلام) أسوه زنان»، ص ۷۵.



۲- دوره کافی، ج ۵، ص ۵۱۹. ۳- مرآت النساء، ص ۱۴۰، اقتباس از کتاب «حیات زن در اندیشه اسلامی»، ص ۳۷۳.

### گریه پیامبر در شب معراج

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: همراه حضرت زهرا (سلام الله علیها) به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رفتیم دیدیم گریه شدید می کند. عرض کردم، پدر و مادرم به فدایت، چرا گریه میکنی فرمود: «ای علی! در شب معراج زنانی را در عذابهای گوناگون دیدم، از این رو گریه می کنم». (از جمله فرمود): ۱- زنی را دیدم به مویش آویزان است و مغز سرش از شدت گرما می جوشد. ۲- و زنی را دیدم که به دو پایش آویزان شده است. ۳- زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد. ۴- و زنی را دیدم که با قیچی ها، گوشت بدن خود را بریده بریده می کرد. ۵- و زنی را دیدم که صورت و بدنش می سوخت، و روده های خود را می خورد.... حضرت زهرا (سلام الله علیها) عرض کرد ای حبیب نورچشمم! به من بگو عمل آن زنها در دنیا چه بوده که این گونه مجازات می شدند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود ۱- زنی که به مویش آویزان شده بود و مغز سرش از گرما می جوشید، به خاطر آن بود که در دنیا، موی سرش را از نامحرمان نمی پوشید. ۲- زنی که به دو پایش آویزان بود، به خاطر آن بود که در دنیا بدون اجازه ی شوهرش از خانه بیرون می رفت. ۳- زنی که گوشت بدنش را می خورد، به خاطر آن بود که در دنیا، اندام خود را برای نامحرمان، آرایش می کرد. ۴- زنی که با قیچی ها، گوشت بدنش را می برید، به خاطر آن بود که او در دنیا، خود فروشی می کرد، و خود را برای کامجویی عیاشان، در معرض تماشای آنها می گذاشت. ۵- و زنی که صورت و بدنش می سوخت، و روده های خود را می خورد، به خاطر آن بود که بین زن و مرد نامحرم، رابطه ی نامشروع برقرار نمود، و در این جهت دلالتی می کرد.... در پایان فرمود: «ویل لا مرأه اغضبت زوجها، و طوبی لا مرأه رضی عنها زوجها» وای به زنی که شوهرش را خشمگین کند، و خوشا به حال زنی که شوهرش از او خشنود باشد. یکی دیگر از توصیه های اخلاقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به پیروان خود از جمله «زنان» این است که می فرمود: «اشتد غضب الرحمن علی امرأه ذات بعل ملیت عینها من غیر زوجها» ۱ خشم خداوند رحمان سخت می شود بر زن شوهرداری که چشم خود را بر نگاه به غیر شوهرش از نامحرمان پر کند. «ام سلمه» همسر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید: همراه «میمونه» (یکی از همسران رسول خدا) در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم، در این هنگام «ابن مکتوم» که نابینا بود، وارد شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ما فرمود: «احتجبا»: در پشت حجاب قرار گیرید. عرض کردیم: آیا او نابینا نیست حضرت فرمودند: «مگر شما نابینا هستید آیا او را نمی بینید» ۲.

### وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام)

حضرت به فرزند خود امام حسن (علیه السلام) توصیه می فرمودند: «واکف علیهن من ابصارهن «بحجابک» ایاهن، فان شدة الحجاب ابقی علیهن، ولیس خروجهن باشد من ادخالک علیهن من لایوثق به علیهن وان استطعت ان لایعرفن غیرک فافعل» ۳ تا می توانی کاری کن که زن با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد، هیچ چیز بهتر از «خانه» زن را حفظ نمی کند، همانطوری که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برایشان مضر و خطرناک است، وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است، اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسند، چنین کن. «در همین زمینه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حق زن بر شوهر می فرمایند: «حق زن بر شوهرش این است که شوهر غذای او را به او برساند». «و (وسایل حجاب) او را تأمین کند، و با چهره ی عبوس وزشت به او نگاه نکند». «اگر با همسر خود چنین نمود، سوگند به خدا حق همسرش را ادای نموده است.» ۴ بنابراین وقتی زنان دارای حجاب کامل هستند که در کنار آنها مردان نیز مراقبت حجاب آنان باشند و آنان را از نگاه های ناروای دیگران به دور نگاه دارند و سفارشهایی را که مربوط به ستر آنها



می شود، مراعات کنند. ----- ۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۹۲- بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۷۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱ وصیت علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام). ۴- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵.

## فصل چهارم: دیدگاه بانوی نمونه دو جهان حضرت فاطمه (علیها السلام) در مورد حجاب و سیره ی آن حضرت

### اشاره

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «روزی با گروهی از اصحاب خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) بودیم آن حضرت به اصحاب خود فرمود: «صلاح و مصلحت زن در چیست» هیچ کس نتوانست جواب صحیحی بدهد، وقتی که اصحاب متفرق شدند، من به خانه رفتم، و موضوع سؤال رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را به فاطمه (سلام الله علیها) گفتم، فرمود من جوابش را می دانم: «خیر للنسای ان لایرین الرجال ولا- یراهن الرجال» ۱ صلاح زنان در این است که مردان بیگانه را نبینند و مردان بیگانه هم آنها را نبینند. هنگامی که به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) رسیدم عرض کردم: «فاطمه (علیها السلام) در پاسخ شما چنین فرمود.» پیامبر سخن حساب شده و منطقی زهرا (علیها السلام) را پسندید و فرمودند: «فاطمه پاره ی تن من است.» ۲ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) این مسأله ی مهم اجتماعی ----- ۱- بحار، ج ۴، ص ۵۴ و سائل، ج ۳، ص ۹، از کشف الغمه، در بعضی از روایات آمده امام حسن (علیه السلام) سؤال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را از مادرش زهرا (علیها السلام) پرسید و جواب فوق را شنید. ۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳. را در معرض افکار عمومی قرار داده تا آنها خود اظهار عقیده کنند، اما جواب هیچ کس از آنها، مورد پسند پیامبر واقع نشد، ولی حضرت زهرا (سلام الله علیها) که در دامن وحی بزرگ شده، و هم خود زن بود، و حتماً در این مورد صلاح زنان را به خوبی درک کرده بود، سعادت بانوان را در پوشش دانست، و رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) سخن حساب شده و پر مغز زهرا را پسندید و او را «پاره ی تن» خود معرفی کرد. یعنی این سخن نیز از وجود من و مکتب من ریشه می گیرد. به راستی اگر انسان تعصب خود را کنار بگذارد، و منصفانه قضاوت کند، حتماً باور خواهد کرد که دستورالعمل حضرت زهرا «سلام الله علیها» در سخن فوق «صلاح واقعی زنان» است. زیرا: اگر زنان خود را از «پوشش اسلامی» در آورند، و در همه جا وسیله ی چشم چرانی مردان گردند، وقتی که مردها انواع لذات را از آنها بردند، دیرتر زیر بار ازدواج می روند، در این صورت علاوه بر اینکه به اجتماع ضرر و صدمه می رسد به خود جامعه ی بانوان نیز ضرر می رسد، و روز به روز بر تعداد دختران و زنان بی شوهر افزوده خواهد شد. از طرف دیگر موجب از بین رفتن کانون خانواده می شود، چون زنان شوهردار می بینند، شوهرانشان به سایر زنها نظر دارند و با آنها در ارتباط هستند، لذا «غیرت» آنها تحریک می شود، و کم کم حسی بدبینی در آنها ایجاد می گردد، کانون خانواده نیز از هم پاشیده خواهد شد. در اینجاست که صدمه به طور غیر مستقیم به بانوان می رسد، از این رو در دنیای غرب، زن و شوهر هم چون دو پلیس مراقب هم هستند، و به همدیگر اطمینان ندارند، مرد آزادانه در بیرون به زنان بیگانه می نگرد، احساس می کند زنانی از همسر رسمی خودش زیباتر و جذابتر است، و همین احساس او را نسبت به همسرش بد خلق کرده، ایجاد بهانه ها و در نتیجه به هم خوردن «صفای کانون گرم خانواده» می شود. مردان که باید عضو فعال جامعه باشند، و با فکر آزاد به دنبال کار و کسب برونند، هنگام رفت و آمد و در محل کار با این زنان نیمه عریان و بدون پوشش «شخصیت» خود را از دست داده، و در نتیجه نمی توانند یک انسان به تمام معنی سرپرست برای خانواده باشند بنابراین بهترین و زیباترین و با صفاترین زندگی برای زنان در پرتو کلام پر مغز حضرت زهرا (سلام الله علیها) خلاصه می شود که: «صلاح زن آن است که نه او مرد بیگانه را ببیند و نه بیگانه او را ببیند.» ۱ در روایت دیگری آمده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) «از اصحاب خویش سوال کرد که «زن» چیست پاسخ دادند زن عورت است

حضرت پرسید در چه وقت است که زن از هر وقت دیگر به خدا نزدیکتر خواهد بود «اصحاب نتوانستند پاسخ سؤال را بدهند تا اینکه مطلب به گوش حضرت زهرا (علیها السلام) رسید و ایشان در جواب فرمودند: «ادنی ما تکونی من ربها ان تلزم قعر بیتها» فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ان فاطمه بضعة منی آن وقتی که ملازم درون خانه ی خود باشد، از هر زمان به خدا نزدیکتر است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: برآستی که فاطمه پاره ی تن من است. ----- ۱- تلخیص از کتاب پوشش زن در اسلام.

## دو نکته: نکته اول

در این حدیث عورت به چه معناست؟ کلمه ی عورت به معنی یک چیز زشت و قبیح نیست، به هر امر زشت و قبیحی «عورت» گفته نمی شود و متقابلاً در مواردی به کار برده می شود که هیچ گونه مفهوم قبح و زشتی ندارد. در سوره ی احزاب آیه ی ۴۱، قرآن کریم می فرماید: «و یستأذن فریق منهم و النبی ویقولون ان بیوتنا «عورة» و ماهی بعورة ان یریدون الا فرارا» ۱ یک دسته از آنان از پیغمبر اجازه ی مراجعت می خواهند و می گویند خانه همان بی حفاظ است حصار کافی ندارد و حال آنکه خانه هاشان بی حفاظ نیست، جز فرار قصدی ندارند. این آیه اشاره به افراد ضعیف ایمانی است که در جنگ احزاب بابانه جویی می خواستند از مقابله بادشمنان خدا شانه خالی کنند، لذا خانه های خود را بهانه قرار دادند. در اینجا کلمه ی «عورت» در مورد خانه به اعتبار بی حفاظ بودن آن به کاررفته است و بدیهی است که هیچ گونه قبح و زشتی در اینجا وجود ندارد. صاحب مجمع البیان در ذیل همین آیه، در مورد معنای لغت «عورت» می گویند: عورت به هر چیز آسیب پذیر که مورد نگرانی است، گفته می شود، از قبیل نقاط سرحدی و یا یک امر مربوط به جنگ، مکان معور و خانه ی معور یعنی خانه ای که استحکام ندارد و آسیب پذیر است. بنابراین لحاظ در این حدیث به زن «عورت» گفته می شود که مانند خانه ای بی حصار است و آسیب پذیر می باشد و باید در حصار پوشش قرار گیرد تا هر لحظه از خطرات هوسبازان و شهوت رانان در امان باشد. ----- ۱- بحار، ج ۳۴، ص ۲۹.

## نکته ی دوم

مطلب دیگر که باید متذکر شویم. این است که شاید در ذهن ها این فکر خطور کند که حضرت زهرا «سلام الله علیها» می خواهند زن را برای همیشه در خانه محبوس باشد و از هرگونه فعالیت اجتماعی محروم گردد، و این حدیث با عصر حاضر مطابقت نمی کند ولی در جواب باید بگوییم که حضرت زهرا «سلام الله علیها» هرگز مخالف فعالیت اجتماعی زنان نیست و آنها را محدود به خانه نکرده است، بلکه اسلام با همه توجه ی که به خاطر شکسته شدن «حصار عفاف» دارد از جنبه های، دیگر غافل نمی شود زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی کند. در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می کند مانند حج که بر زن و مرد به طور متساوی واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد. یا می توانند در بعضی از جنگها شرکت کنند، همانطور که می دانیم «جهاد» بر زنان واجب نیست، مگر وقتی که شهر و حوزه ی مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه ی صد در صد دفاعی به خود گیرد در این صورت همانطور که فقهای فتوا می دهند بر زنان نیز واجب می شود، ولی در غیر این صورت واجب نیست. در عین حال رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به برخی از زنان اجازه می داد که در جنگها برای کمک به سربازان و محرومین شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه است. اسلام در عین این که به زنان اجازه ی شرکت در مساجد و نماز جماعت را می دهد، دستور می دهد به صورت مختلط نباشد، محلها از یکدیگر جدا باشد. می گویند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان حیات خویش اشاره کرد که، در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. و نیز میگویند: پیغمبر خدا برای اینکه برخورد و اصطکاک رخ ندهد، دستور میداد مردان از وسط، و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. ۱ زیرا دوست نمی داشت

که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند و منشأ همه ی فتنه ها را از همین اختلاط می دانند. بنابراین اسلام در عین اینکه نهایت مراقبت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده است، هیچ گونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است، بلکه کاری کرده است که اگر این برنامه ها دور از هر افراط و تفریطی اجراء شود، هم روحیه ها سالم -----  
----- ۱- دوره کافی، ج ۵، ص ۵۱۸. می ماند، و هم روابط خانواده ها صمیمی تر و جدی تر می گردد، و هم محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده تر می شود اسلام می گوید، نه «حبس» و نه «اختلاط» بلکه «حریم»، سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجال و مجامع منع نمی شده اند، ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است. بنابراین از نظر حضرت زهرا «سلام الله علیها» زمانی زن به خداوند نزدیکتر است که «حریم» خود را حفظ کند و از آن تجاوز نکند. ۱. ----- ۱- از کتاب مسأله حجاب.

### پرهیز از نامحرمان

مرد نابینایی اجازه خواست تا به خانه ی فاطمه «علیها السلام» وارد شود، فاطمه «علیه السلام» در حجاب رفت و مرد وارد شد، رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) به فاطمه «علیها السلام» فرمودند: «لم حجبتیه و هولایراک» او که مرد نابینای است و تو را نمی بیند، چرا در حجاب رفتی فقالت علیها السلام: «ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الیریم» حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: که او مرا نمی بیند من که او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند. فقال رسول الله (صلی الله علیه و سلم): اشهد انک بضعة منی» ۱ گواهی می دهم که به راستی تو پاره ی تن من هستی. قبلاً در حدیثی متذکر شدیم که «ام سلمه و میمونه» که همسران رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) بودند وقتی با ابن مکتوم برخورد می کنند به علت اینکه او را نابینا می بینند حجاب را رعایت نمی کنند و حضرت از آنها می خواهد با وجود نابینائی ابن مکتوم، خود را پوشانند، وقتی در مقام مقایسه براییم، گر چه صحنه یکی است ولی برخوردها و دیدگاه فرق می کند حیاء و عفت و پاکدامنی حضرت زهرا (علیها السلام) به او اجازه نمی دهد که بدون پوشش وارد شود و می فرماید: «اگر چه او مرا نمی بیند ولی من او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند. بنابراین دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) بر مسئله حجاب یک دید وسیع و هوشیارانه است و تنها منحصر به پوشش اندام و غیره نبود، بلکه نگاه کردن به نامحرم «نابینا» یا استشمام کردن طرف مقابل را... شامل بود. ----- ۱- بحار، ج ۴۳، ص ۹۱.

### در اوج عفت و حجاب

در واپسین روزهای زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) «اسماء- دختر عمیس که از مهاجران حبشه و از نزدیکان وی بود را به حضور طلبید، و به او گفت: من خوش ندارم بر جسد زن جامه ای بیفکنند و اندام او زیر جامه نمایان باشد (گویا تابوت آن زمان همانند نردبانی بدون دیواره بود. و اندام فردی که روی آن قرار می گرفت از زن و مرد تشخیص داده می شد) اسماء عرض کرد: «در آن وقت که من در حبشه بودم مردم حبشه برای حمل جنازه چیزی را که پوشاننده اندام بود ساخته بودند اگر می خواهید مثل آن را بسازم حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: آن را بساز اسماء تختی طلبید و آن را به روانداخت سپس چند چوب از شاخه خرما طلبید و آن را بر پایه های آن تخت استوار کرد و سپس پارچه ای روی آن کشید و به فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: تابوتهای حبشه اینگونه است. حضرت آنرا پسندید و به اسماء فرمود: «خدا ترا از آتش دوزخ محفوظ دارد مانند آنرا برای من بساز و مرا با آن پوشان» روایت شده هنگامی که حضرت آنرا دید خندید با توجه به این که بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) هیچ گاه تبسم نکرده بود و فرمود: «این تابوت چقدر زیبا و نیکو است که اندام زن و مرد روی آن تشخیص داده نمی شود». ۱. -----  
----- ۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹ و کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۷، به نقل از ابن عباس.

## فصل پنجم: سیره و دیدگاه حضرت زینب کبری (علیها السلام) نسبت به مسأله حجاب

### اشاره

از آنجاکه تربیت و فرهنگ و وراثت و اکتساب، همه و همه در شکل گیری شخصیت انسان تأثیر تام دارند، فرزند حضرت زهرا (سلام الله علیها)، زینب کبری (علیها السلام) که در این خانه و تحت تربیت شیوه های حضرت زهرا (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) قرار گرفته بود، دقیقاً پیروی و الگو از آن دو معصوم را در سیره و اخلاق پیش گرفت و دقیقاً در همین راستا شیوه ی حضرتش در مسأله حجاب، و حضرت زینب (علیها السلام) در اهمیت حجاب و مسأله عفاف زن همانقدر که حضرت زهرا (سلام الله علیها) تکیه داشت، سفارش نمود ولی از آنجاکه در متون روایی ما و آثار تاریخی راجع به حضرت زینب (علیها السلام) به جنبه های مبارزاتی آن حضرت اشاره بیشتری گشته چه بسا مطالب و فرمایشات آن عزیز در ارتباط با «حجاب» منقول نگشته است، اما همان مطالب کم و گفته های جسته و گریخته ای که با تتبع زیاد از این گوشه و آن گوشه بدست می آید، دلالت تامی بر مسأله دارد، که برای نمونه به یکی دو مورد اشاره می کنیم، «فرازی از خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در مجلس یزید». «امن العدل یابن الطلقاء تخدیرک حرائرک و اماءک و سوقک بنات رسول الله سبایا قد هتک ستورهن و ابدیت وجوهن تحدوبهن الاعداء من بلد الی بلد و یستشرفهن اهل المناهل و المناقل و یتصفح وجوهن القریب و البعید و الدنیء و الشریف لیس معهن من حماتهن حمی والا من رجالهن و لی و کیف ترتجی مراقبه ابن من لفظ فوه اکباد الازکیاء و نبت لحمه بدماء الشهداء و کیف یستطیء فی بغضنا اهل البیت من نظر الینا بالشنف و الشنان و الاحن و الاضغان ثم تقول غیر متأثم و لا مستغتم» لاهلو و استهلوا فرحاً ثم قالوا یزید لا تشل ۱ آیا از طریق عدالت است ای پسر آزادشدگان که (زنان و کنیزان خود را در پس پرده داری و دختران رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را چون اسیران شهر به شهر بگردانی، همانا پرده ی حشمت و حرمت ایشان را هتک کردی و ایشان را از پرده برآوردی و در منازل و مناهل به همراهی دشمنان کوچ دادی و مطمع نظر هر نزدیک و دور و وضع و شریف ساختی در حالتی که از مردمان و پرستاران ایشان کسی با ایشان نبود) و چگونه امید می رود که نگهبانی ما کند کسی که جگر آزادگان را جویده و از دهان بیفکند و گوشتش به خون شهیدان بروید و نموکند، کنایه از آنکه از فرزند هند جگر خواره چه توقع باید داشت و چه بهره توان یافت و چگونه درنگ خواهد کرد در دشمنی ما اهل بیت کسی که بغض و کینه ی ما را از بدرواحد دردل دارد و -----

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، (۱۱ جلد با مقدمه)، الامام السید محسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات بیروت، بی تاریخ. همیشه به نظر دشمنی ما را نظر کرده پس بدون آنکه جرم و جریرتی بر خود دانی و بی آنکه امری عظیم شماری شعری بدین شناعت می خوانی. دقت و تأمل در مفاد جملات فوق با توجه به جغرافیای بیان آن نشان می دهد که تا چه حد حضرت زینب کبری (علیها السلام) به مسأله حجاب اهمیت می دهد که بزرگترین اشکال و بی حرمتی که از طرف خاندان بنی امیه و حکومت فاسق یزید بر اهل بیت روا داشته، به نظر حضرتش همین هتک حجاب و به کوچه ها و خیابانها کشیده شدن اهل بیت معرفی می گردد. جداً مسأله حجاب و ستر و پوشش زن در نظر حضرت زینب (علیها السلام) چه اهمیت ویژه ای داشته که در حضور یزید آنجا که اعمال رسوای او را بیان می کند با اینکه جنایات یزید و عمال و ایادی او تنها این مسائل نبوده، بلکه آن همه جنایت نسبت به خاندان اهل بیت و شخصی امام حسین (علیه السلام) و اصحابش رواداشته است. ولی زینب کبری (علیها السلام) نمونه کامل عفاف و حمیت دینی بالحنی تحقیر آمیز و اشاره ای به سابقه کفر و شرکت خاندان بنی امیه او را طرف خطاب قرار می دهد: این از مردانگی و حمیت است که تو که خاندان و پدران به دست اسلام بعد از فتح مکه آزاد شدند، زنان و وابستگان خویش را در حریم عفاف و حجاب نگهداری و فرزندان و خاندان ولی نعمت یعنی «خاندان رسول خدا» را بی حجاب و هتک پوشش نموده و به این طرف و آن طرف بکشانی. یقیناً در آن ایام حضرت زینب (سلام الله علیها) و اسیران خاندان اهل بیت از جور ایادی ظالم پیشه و

عداوت سیره بنی امیه رنج‌ها کشیده، شکنجه‌ها دیده، طعم تلخ گرسنگی، تشنگی، خستگی مفرط طی چهل منزل راه به صورت زندانی و دربند را دیده ولی آنچه در فرهنگ معلم عفت و پیام آور عزت زن هرگز قابل بخشش نیست، «هتک حرمت عفاف و ستر حجاب» آنان است که در گفتار حضرتش به آن اشاره و از آن می‌نالند. در حالی که اشاره‌ای به مسائل دیگر ندارد یا کمتر دارد. این تنها موضعی نیست که حضرت زینب چون این برخوردی دارند، موارد متعددی باز از همین نمونه در همین سفر سراغ داریم. مثلاً به عنوان نمونه وقتی حضرت زینب (سلام الله علیها) و خاندان اهل بیت (علیهم السلام) را از کنار گودال قتلگاه برای اینکه بیشتر آنها را رنج دهند، عبور می‌دهند و حضرت زینب (علیها السلام) و خاندان اهل بیت با آن وضع فجیع شهدای کربلا را مشاهده می‌کنند. اصحاب مقاتل می‌نویسند: حضرت روی به سوی مدینه و حرم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نموده و فریاد برآوردند: یا جداه ما نظر الی رؤسنا المشکوفه<sup>۱</sup> که در مقام درد دل باجدشان «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)» مهمترین مسأله راکشف حجاب و اینکه دشمن لوازم آنان را به یغما و چپاول نموده حتی از حجاب و لباس آنان نیز نگذاشته است. همچنین سیره حضرت زینب (علیها السلام) که در این سفر بیشتر نقل گشته، هر چند متأسفانه از سیره حضرتش در بقیه ایام عمر کمتر مطلعیم ولی همین لحظات نقل شده در سفر کربلا اهمیت حجاب در نظر ایشان را به خوبی می‌رساند. وقار و متانت و پوشش زینب با فرط فقر و کم‌داری امکانات در مجلس عبیدالله زیاد که فرمودند: «زنان ایشان، یعنی حضرت، را احاطه کنند»<sup>۱</sup> و یا اینکه در صحبت با یزید و سخنرانی در مجلس یزید. «مقنعه خویش را به سر و صورت کشیدند»<sup>۲</sup> همه و همه نشانه این اهمیت و فرهنگ است. -----

----- ۱- ابی مخفف، مقتل الحسین، ص ۹۶، چاپ قم، بی تاریخ.

## خاتمه

### فرازی از سخنان امام خمینی (قدس سره)

با فرازی از سخنان امام (قدس سره) تحقیق خود را به پایان می‌رسانم به این امید که روزی با الگو قرار دادن زندگی بانوی نمونه «حضرت زهرا (سلام الله علیها) و دختر گرامیشان (خانم زینب کبری) بتوانیم اهداف عالی اسلام ناب محمدی را برای آماده سازی زمینه‌ی ظهور «حضرت مهدی» (روحی لثراب مقدمه الفدای) فراهم ساخته و فردای قیامت سرافراز به خدمت بانو حضرت زهرا (سلام الله علیها) رسیده و عرض ارادت کنیم. در ۱۸ مهر ماه سال ۱۳۵۸ امام در ضمن سخن برای خواهران طلبه‌ی مکتب توحید قم فرمودند: «.... و باید ----- ۱- مجالس السنیه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۲۰۶. ۲- سیری در زندگانی حضرت زینب (علیها السلام)، ص ۱۱۷. تشکر کنیم از خانم‌ها که در این نهضت قدم را سخی را برداشتند، و کمک بزرگی به ملت کرده‌اند»، «این خانم‌ها بودند که وقتی به خیابانها و کوچه‌ها ریختند و فریاد زدند و مردها را تشجیع کردند و قدرت آنها را چند مقابل کردند. و بنابراین علاوه بر این که (شما) خودتان را قدرتمند می‌کردید، دیگران را هم قدرتمند نمودید. چنانکه در این جهاد سازندگی که گاهی وقت‌ها می‌بینیم خانم‌ها هم رفتند، و مشغول شدند. البته آنها مثل یک رعیت، مثل یک اشخاصی که در امور ورزیده‌اند، نمی‌توانند کارکنند، لکن همان رفتنشان در بین آن رعایا و کشاورزان به همان مقدار، باعث می‌شد که قدرت آنها ببینند که از «شهرها خانم‌های محصل و محترم» آمده‌اند، و دردهات به برادران خود کمک می‌کنند، قدرت آنان چند مقابل می‌شود. و این عمل بسیار ارزنده‌ای است ولو عمل به حسب حجمش، کوچک باشد، لیکن حجم معنویش خیلی زیاد است.»<sup>۱</sup> در مخزن شرف گهری جز «حجاب» نیست شمشیر دیده را سپری جز «حجاب» نیست ای ملتی که یکسره در خواب غفلتید در کاستن زفرنیاکان شتاب چیست «والسلام» ----- ۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۷۸.



بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-

۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام:- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

